

مجله صنایع فرهنگی | شماره ۸ | اردیبهشت ۹۶

مهر مجله صنایع فرهنگی



ویژه سینما در آسیا

فهرست مطالب

- ۴ سینمای چین / مبارزان تسلیم ناپذیر
- ۶ سینمای هنگ کنگ / اردک سرخ شده دزدیده شد
- ۸ سینمای تایوان / کوچک و غران
- ۹ سینمای مالزی / راویان لیلی و مجنون
- ۱۰ سینمای لبنان / مسیر ناهموار در تاریخی به درازای یک قرن
- ۱۲ سینمای ژاپن / سامورایی، وحشت و داستان های دیگر
- ۱۸ سینمای ترکیه / پای بند بزنگاه های تاریخ
- ۲۲ سینمای کره جنوبی / سانسور و استعمار شکست می خورند
- ۲۴ سینمای کره شمالی / دزد کارگردان
- ۲۵ سینمای عراق / دیکتاتورها هنر را دوست ندارند
- ۲۷ سینمای هند / «ماسالا» دنیای بدون فقر
- ۲۸ سینمای پاکستان / سینمایی برای خودشان
- ۲۹ سینمای بنگلادش / با «دالیوود» آشنا شوید
- ۳۰ سینمای اندونزی / از اشغال تا استقلال
- ۳۱ سینمای فیلیپین / تیغ سانسور در دست دیکتاتور



شناسنامه مجله

□ مدیر مسئول: علی عسگری

□ شورای سردبیری: سید امیرحسن دهقانی، سید سعید صدرائیان، نغمه دانش آشتیانی

□ مترجم: ارغوان اشتری

□ مدیر هنری: محبوبه عزیززی

شماره تماس: ۴۳۰۵۱۳۳۰

پست الکترونیک: [art@mehrnews.com](mailto:art@mehrnews.com)

آدرس: ایران، تهران، خیابان استاد نجات الهی، کوچه بیمه، پلاک ۱۸

علاقمندان می توانند مقالات و مطالب خود را برای مجله صنایع فرهنگی مهر ارسال کنند.



نقل است که سینما را انتهای نیست، ابتدایی هم ندارد، تنها ضربان بی انتهای شور و احساس است و به راستی که جادوی تصویر نه با اختراع کینتوسکوپ ادیسون و نه با سینماتوگراف برادران لومیر که با نیاز نوع بشر به جان بخشی تصاویر ذهنی خود در غارنگاره های دوران پیش از تاریخ آغاز شده است.

سینما به مفهوم مدرن آن از همان روزهای نخست پیدایش در قاره کهن آسیا نیز بالیدن گرفت که در این شماره به سراغ مهمترین این خاستگاه های شرقی در پهنه ای به وسعت ژاپن تا ترکیه رفته ایم. تاریخ سینما در کشورهای هند، مالزی، پاکستان، اندونزی و بنگلادش در مجلد قبلی مرور شده بود اما جهت حفظ انسجام و یکپارچگی مطلب در انتهای این مجلد بازنشر شده اند.

## جادوی تصویر در قاره کهن

## مروری بر سینمای چین

## فراز و فرودهای سینمای چین در ۱۹ سال / مبارزانی که تسلیم نشدند



سینمای چین از زمانی که آثار برادران لومیر را به نمایش می‌گذاشت تا امروز که ۶ نسل فیلمسازی را پشت سر گذاشته همواره تلاش کرده نگاه مستقل خود را نیز داشته باشد.

خبرگزاری مهر - گروه هنر: اگر بخواهیم نگاهی به صنعت سینما در کشور چین بیندازیم باید بگوییم هنر هفتم خیلی زود وارد چین شد و نخستین فیلم‌هایی که برادران لومیر ساختند در سال ۱۸۹۶ در شهر شانگهای برای چینی‌ها به نمایش درآمد؛ یعنی کمتر از یک سال که از نمایش نخستین تصاویر متحرک در شهر پاریس گذشته بود.

صنعت سینمای چین که مرکز در شانگهای بود آرام آرام شکل گرفت و تقریباً ۱۰ سال بعد به بار نشست. عصر طلایی چین چندین سال بعد به اوج خود رسید یعنی در اواخر سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ که به این دوران معمولاً دوره هالیوود شانگهای می‌گویند.

## اپرای پکن در تصاویر متحرک

محققى به نام مینا واجاکا تاریخچه سینمای چین را به چهار دوره متفاوت تقسیم می‌کند: نخستین دوره (۱۹۰۵-۱۹۲۰)، دوره توسعه (۱۹۲۱-۱۹۲۵) دوره تجاری (۱۹۲۵-۱۹۳۱) و دوره حمایت از جامعه (۱۹۳۲-۱۹۳۷) در نخستین دوران سینمای چین، اپرای پکن را به فیلم تبدیل می‌کردند و بازیگران این فیلم‌ها نخستین ستارگان سینمای چین به شمار می‌رفتند. فیلم‌ها در چاپخانه‌ها نمایش داده می‌شد که از بسیاری جهات مراکز سرگرمی سازی آن دوران به حساب می‌آمد. پس از پیدایش جنبش کمونیستی در چین فیلم‌های اپرای پکن نقش کلیدی در ساختن هویت ملی چین بازی کردند. نخستین فیلم‌ها متأثر از تئاترهای موزیکال بود. برای مثال ریتم فیلم‌ها و حرکات بازیگران متأثر از تئاترها بود.

نخستین تجربه‌های فیلمسازی در شهر پکن فیلمبرداری شدند، اما اولین فیلم کوتاه رسمی چین با عنوان «زوج دردرساز» در سال ۱۹۱۳ در شانگهای فیلمبرداری شد. در سال ۱۹۲۱ چین نخستین فیلم بلندش یعنی «یان رویشنگ» Yan Ruisheng تریلری برگرفته از یک حادثه واقعی را ساخت که با استقبال روبه‌رو شد و استاندارد را برای فیلم‌های بعدی پدید آورد.

## شانگهای مرکز صنعت مدرن سینما

در سال‌های ابتدایی ۱۹۳۰ شانگهای، پایتخت سینمای چین شد. عوامل زیادی در گسترش پایتخت سینمایی دخیل بود از جمله نقش مرکزی شهر در تجارت بین‌المللی. به شانگهای پاریس شرق می‌گفتند. شانگهای نه تنها مهد جنبش‌های سیاسی مختلف بود بلکه پایتخت قالب‌های جدید هنری مانند تئاترهای مدرن، ادبیات و سینما شد و به تدریج شهر به بهشت سینمایی تبدیل شد و جدیدترین فیلم‌های هالیوودی به سرعت در این شهر در سینماها به نمایش عمومی درآمدند. به عنوان مثال وقتی اولین فیلم ناطق هالیوود در ۱۹۲۶ ساخته شد، یک سال بعد در شانگهای روی پرده رفت. شانگهای سالن‌های مدرن سینما مانند اودیون و امپایر داشت و استودیوهای فیلمسازی آمریکا نیز در آنجا شبکه پخش و سالن سینما داشتند.

## هالیوود شرق

صنعت سینمای چین رشد سریعی داشت و در سال ۱۹۲۷ در چین ۱۸۱ کمپانی تولید فیلم فعالیت می‌کرد که ۱۵۱ عنوان از این کمپانی‌ها در شهر شانگهای قرار داشتند. یکی از نخستین و مهم‌ترین استودیوهای شهر شانگهای مینگ ژینگ یا استار استودیو بود که در سال ۱۹۲۲ توسط ژانگ شی چوان و ژانگ ژنگکیو تاسیس شد.

این دو پیشگامان صنعت سینمای چین بیش از ۱۰۰ فیلم تهیه کردند. در اواخر سال‌های ۱۹۲۰ و اوایل سال‌های ۱۹۳۰ سینمای چین دوران طلایی داشت. فیلم‌های این دوران بیشتر تجاری و سرگرم‌کننده بودند. فیلم‌ها معمولاً تاریخی با گریم‌های سنگین، هنرهای رزمی، فیلم‌های کونگ‌فو ایی، فانتزی و نبرد میان اهریمن‌ها و انسان‌های اخلاق‌گرا بودند. در سال‌های ۱۹۳۰ سینمای چین دستخوش تغییر شد، نخستین فیلم ناطق چین Genü hongmudan در سال ۱۹۳۱ به نمایش درآمد.

در این دوران ستارگان محبوب در حال و هوای ستارگان هالیوودی در چین به محبوبیت رسیدند. مقام نمادگونه ستارگان سینمای چین تمایز میان زندگی خصوصی و تصویر اجتماعی آنها را ناممکن کرده بود. ستارگان زن و مرد موضوع شایعات در رسانه‌ها بودند. درست مانند وضعیت ستارگان سینمای این دوران.

از شاهکارهای این سال‌های می‌توان به اتوبان (۱۹۳۴) و فرشته خیابان (۱۹۳۷) اشاره کرد. سمبول فیلمسازی این دوران در شانگهای ستاره زن سینما که به گرتا کاربوی چین شهرت داشت، روان لینگیو بود که در فیلم‌های الهه (۱۹۳۴) و زن جدید (۱۹۳۵) نقش آفرینی کرد و در سن ۲۴ سالگی و در جوانی دست به خودکشی زد.

## پایان داستان؟ / حمله ژاپن

در سال ۱۹۳۲ ژاپن به چین حمله و شهر شانگهای را بمباران کرد که تأثیر عمیقی بر صنعت سینمای چین گذاشت. علی‌رغم این اتفاق، صنعت سینمای چین تعطیل نشد و فیلم‌های ملی‌گرایانه و سیاسی تولید

کرد. از نگاه حامیان جنبش حزب چپ‌گرای چین، سینما باید به مردم آموزش می‌داد نه اینکه سرگرم می‌کرد. در سال‌های پایانی ۱۹۳۰ و پس از اشغال شانگهای بیشتر اهالی صنعت سینمای چین به هنگ کنگ رفتند.

## چین جدید

با پیروزی حزب کمونیست بر نیروهای ملی‌گرا در سال ۱۹۴۹ دوران جدیدی شروع شد. این تغییرات تأثیر شگرفی بر سینمای چین گذاشت. در هنگ کنگ مقامات بریتانیایی حکمرانی می‌کردند. این مستعمره فیلم‌های متفاوتی را عرضه می‌کرد. یکی از فیلم‌های مهم که شخصیت قوی زنانه داشت زمستان (لی هانژیانگ ۱۹۶۹) نام داشت.

در سال‌های پایانی ۱۹۴۰ مقامات چین علاقه چندانی به رواج هنرهای رزمی نداشتند بنابراین فیلم‌هایی که به هنرهای رزمی می‌پرداخت بیشتر در هنگ کنگ ساخته شد و در واقع بیشتر شاگردان مدارس هنرهای رزمی به هنگ کنگ رفتند. در این دوران مقامات چینی نمایش محصولات هالیوود و هنگ کنگ را ممنوع کردند. مضمون فیلم‌های این دوران کارگران، سربازان بودند مانند پل (۱۹۴۹)، دختر موسفید (۱۹۵۰).

در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ کمپانی‌های خصوصی شانگهای تشویق به تولید فیلم شدند. کمپانی‌های خصوصی در این سال‌ها ۴۷ فیلم تولید کرده و خیلی زود دچار دلسر شدند. زندگی وو ژان (۱۹۵۰) با نقش آفرینی ژائو دان در دلسر درست کرد و به سازندگان فیلم اتهام زدند که ایده‌های فتودالی را رواج دادند. رژیم کمونیست چین سینما را در ید قدرت خود قرار داد. واحدهای سیاری درست کرد تا به نواحی دورافتاده چین سفر کنند و فیلم‌های نمایش دهند. در سال ۱۹۶۵ حدود ۲۰۳۹۳ واحد سیار نمایش فیلم در چین وجود داشت. در هفده سال خلال ایجاد جمهوری خلق چین تا انقلاب فرهنگی ۶۰۳ فیلم تولید و ۸۳۴۲ حلقه مستند ساخته شد.

چین را برچید. بسیاری از فیلمسازان این نسل از کشور مهاجرت کردند؛ در حالی که بسیاری از آنها به ساختن فیلم ادامه دادند.

### نسل ششم فیلمسازان چینی

پس از سال های ۱۹۹۰ فیلمسازی آماتور رواج پیدا کرد؛ چراکه پس از حادثه میدان تیان آنمن دولت سانسور را بیش از گذشته اعمال می کرد.

به کارگردان های این دوره نسل ششم می گویند. فیلم های این کارگردان ها ارزان و سریع به تولید می رسید. آنها از فیلم های ۱۶ م.م یا روش ویدئویی دیجیتال برای ساختن فیلم استفاده می کردند. بیشتر بازیگران، نابازیگر بودند. فیلم ها حالت مستندگونه داشتند، سکانس پلان های طولانی، دوربین روی دست، بیشتر سبک سینما وارپته و فیلم های نئو رئالیسم ایتالیا را تداعی می کردند.

برخلاف نسل پنجم این نسل نگاهی ضد رمانتیک و منحصر بفرد به زندگی داشتند و توجه بیشتری به زندگی شهری مبذول می کردند که تحت تاثیر شورش ها و بلوا ها و ناراضی از سبک زیستی و تنش های جامعه معاصر چین بودند. از فیلمسازان این نسل می توان به جیا ژانگ، ژانگ یوان، ونگ ژیاوشوای، لو یی، لو چان اشاره کرد. یکی از فیلم های ژانگ «نشانی از گناه» بود که در جشنواره کن ۲۰۱۳ به نمایش درآمد، با تحسین منتقدان مواجه شد و جایزه بهترین فیلمنامه را از آن خود کرد.

بسیاری از فیلمسازان این نسل مشارکت منفی چین در ورود به بازار کاپیتالیست را نشان می دادند مانند انتقال کور (لی یانگ ۲۰۰۳) که به دو تهیهکار قاتل در صنعت معدن و بدنام شمال چین می پرداخت.

لی یانگ خود را از نسل ششم نمی داند اما خود را از نسل پنجم فیلمسازان چینی هم نمی داند! نسل جدید دیگری از فیلمسازان به نسل دیجیتال شهرت دارند که فیلم های ارزان و دیجیتالی می سازند مانند جیان یی یا ینگ لیانگ. از فیلم های این نسل می توان اشاره کرد به نیمه دیگر (۲۰۰۶) و پدر را به خانه ببر (۲۰۰۵). جشنواره های مهم سینمای چین عبارتند از جشنواره فیلم شانگهای، جشنواره بین المللی فیلم پکن و جشنواره فیلم گوانجو.



انقلاب فرهنگی بودند و خیلی زود روش های داستان گویی سنتی را زیر پا گذاشتند و رویکرد رهانر و غیر سنتی را برای داستان گویی انتخاب کردند.

فیلم های یک و هشت (ژانگ جونژائو، ۱۹۸۳) و زمین زرد (چن کایگه، ۱۹۸۴) آغازگر فیلمسازی این نسل شد. مشهورترین آنها ژانگ ییمو و چن کایگه فیلم های مشهوری مانند بدرود محبوبه ام (۱۹۹۳)، ذرت سرخ کرده (۱۹۸۷) که برنده جایزه خرس طلایی جشنواره فیلم برلین شد، ساختند. آثار این فیلمسازان نه تنها مورد توجه چینی ها قرار داشت بلکه در محافل هنری بین المللی نیز به محبوبیت رسید. آثار مهجورتر یکی از کارگردان های این نسل تیان ژوانگ ژوانگ مورد توجه مارتین اسکورسیزی بود.

در این دوران آثار کارگردان های نسل پنجم از جشنواره های معتبر بین المللی جوایز معتبری را به خود اختصاص دادند مانند خرس طلایی جشنواره برلین (ذرت سرخ کرده)، شیر طلایی ونیز (داستان کیو جو)، نخل طلا (بدرود محبوبه ام) و سه بار نامزد دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی زبان شدند. حادثه میدان تیان آنمن جنبش نسل پنجم فیلمسازی در

در سال ۱۹۵۶ آکادمی فیلم پکن تاسیس شد. یکی از فیلم های مهم این دوران «این زندگی من» (شی هو، ۱۹۵۰) است. فیلم های انیمیشن چینی بیشتر مضامین هنرهای رزمی داشتند و از نقاشی های سنتی، تتاثر سایه بهره می گرفتند. مشهورترین آنها فیلم دو قسمتی کلاسیک آشفتگی در بهشت (۱۹۶۱ و ۱۹۶۴) به کارگردانی ون لیمینگ بود که از جشنواره بین المللی فیلم لندن برنده جایزه شد.

در سال های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ سانسور بیداد می کرد. اوایل سال های ۱۹۶۰ فیلم های چینی کمتر متأثر از اتحاد جماهیر شوروی بودند. در این دوران کمدین ها نقدهای گزنده ای را در قالب طنز نشان می دادند. یکی از آنها لو بن نام داشت که پس از ساختن کمدی ناتمام (۱۹۵۷) برای تمام عمر جلوی فیلمسازی او را گرفتند. «کمدی ناتمام» پس از مرگ مائو به نمایش درآمد.

### انقلاب فرهنگی

در دوران انقلاب فرهنگی صنعت سینمای چین به شدت محدودیت داشت. پس از انقلاب فرهنگی سینمای چین به عنوان مدیومی سرگرم کننده دوباره رونق گرفت. چین از تولید ۱۹ فیلم در سال ۱۹۷۷ به تولید ۱۲۵ فیلم در سال ۱۹۸۶ رسید. فیلم های چینی مخاطب فراوانی داشت. فیلمسازان چینی خلاقیت خود را رو کردند و مانند همتایان غربی خود دست به تجربه گرایشی زدند.

در سال های ۱۹۸۰ صنعت سینمای چین دچار مشکلاتی شد. علاوه بر تهدید فرم های دیگر سرگرمی سازی علیه سینما، فیلم های هنرهای رزمی و تریلرهای عامه پسند چندان مورد استقبال جامعه قرار نمی گرفت. در سال ۱۹۸۶ وزارت رادیو تلویزیون و سینما تاسیس شد تا بیشتر روی این رسانه ها کنترل وجود داشته باشد و مدیریت شوند. یکی از فیلم های مهم «بادبادک آبی» ساخته تیان ژوانگ ژوانگ نام داشت که در سال ۱۹۹۳ ساخته شد.

### پیدایش نسل پنجم فیلمسازان چینی

در سال های میانی ۱۹۸۰ فیلمسازان نسل پنجم چین بیش از پیش شهرت سینمای چین را در دنیا عالم گیر کردند. بیشتر کارگردان های این نسل دانش آموخته از آکادمی سینمای پکن در سال ۱۹۸۲ بودند از جمله ژانگ ییمو، تیان ژانگ ژانگ، چن کایگه، ژانگ جونژائو. آنها نخستین گروه دانش آموخته از این آکادمی پس از



مروری بر سینمای هنگ کنگ

## برگ‌هایی از تاریخ سینمای هنگ کنگ / اردک سرخ شده دزدیده شد



همسرش را امتحان می‌کند» به عنوان نخستین فیلم هنگ کنگ وجود داشته است.

### بودجه فیلم های هنگ کنگی

فیلم های هنگ کنگی معمولاً کم هزینه هستند؛ البته در مقایسه با فیلم های هالیوودی. یک فیلم با کمتر از یک میلیون دلار به تولید می‌رسد. معمولاً فیلم های پرفروش به ستارگان محبوب تعلق دارد مانند جکی چان یا استفن چو و یا تولیدات مشترکی هستند که هدف از تولیدشان مخاطب بین المللی است. معمولاً فیلم های هنگ کنگی به زبان کانتونیس است. از سال های ۱۹۵۰ فیلم های هنگ کنگی به این زبان ساخته شده اند.

اما پس از روی کار آمدن حزب کمونیست در چین، فیلم‌های به زبان ماندارین نیز در هنگ کنگ به تولید رسید. از سال های میانی ۱۹۶۰ و سال های ۱۹۷۰ فقط در هنگ کنگ فیلم های به زبان ماندارین تولید می‌شد.

### دوران جنگ های جهانی اول و دوم

با شروع جنگ جهانی اول سینمای هنگ کنگ دستخوش تغییرات شد چراکه نگاتیوهای خام از آلمان وارد می‌شد. در سال ۱۹۲۳ من-وای لی همراه پسر عمویش و برادرش و لیانگ شائو بو نخستین کمپانی تولید فیلم را در هنگ کنگ به نام متزین تاسیس کردند. در دوران جنگ جهانی دوم در سال های ۱۹۳۰ داستان های میهن پرستانه و مقاومت چینی ها دستمایه فیلم های هنگ کنگی شد. نظیر مبارزه همگانی (چیو شو سان، ۱۹۳۷) یا خط زندگی (کوان من شینگ؛ ۱۹۳۵). با سقوط هنگ کنگ و استقرار ژاپنی ها در دسامبر سال

هنگ کنگ در دورانی که تحت استعمار بریتانیا بود به مراتب از آزادی اقتصادی و سیاسی بیشتری نسبت به کشورهای چین و تایوان بهره مند بود و به پایگاهی برای صنعت سینمای چینی و شرق آسیا تبدیل شده بود.

علی رغم بحران صنعتی در سال های میانی ۱۹۹۰ و بیرون آمدن از یوغ استعمار بریتانیا در ژوئیه ۱۹۹۷، سینمای هنگ کنگ هویت متمایزی کسب کرده و نقش کلیدی در عرصه سینمای جهان بازی می‌کند. فیلم های عامه پسند هنگ کنگ (به خصوص فیلم های حادثه ای) در غرب پیروان سرسختی دارد و در حال حاضر به بخشی از فرهنگ جریان روز و به شدت در دسترس و تقلید کارانه تبدیل شده است.

برخلاف بسیاری از صنعت های سینمای کشورهای مختلف، هنگ کنگ از دخالت و حمایت دولت خیلی کم بهره می‌برد. سینمای هنگ کنگ عناصری را از هالیوود وام گرفته: پارامتر های ژانر، کمده، حادثه، ضرباهنگ تند و وامدار عناصری از سینمای چین است: هنرهای رزمی، درام های سنتی چینی. آمیزه این عناصر سینمای هنگ کنگ را تشکیل می‌دهند.

جشن صد سالگی سینمای هنگ کنگ در سال ۲۰۰۹ / آرشویی که ژاپنی ها از بین بردند سال ۲۰۰۹ سینمای هنگ کنگ صد ساله شد. به گزارش گاردین در سال ۱۹۰۹ فیلم کوتاه کمده «دزدیدن اردک سرخ شده» نخستین فیلمی بود که در هنگ کنگ ساخته شد.

یکی از کارشناسان سینمای هنگ کنگ که تاریخ شناس این عرصه است - آقای لا کار - می‌گوید: اما مشکلی که وجود دارد ایناست که هیچ مدرکی نیست که بتوان ثابت کرد این فیلم به تولید رسیده ... هیچ نگاتیوی از دوران قبل از جنگ جهانی دوم وجود ندارد. پس از حمله ژاپنی ها، آنها تمام نگاتیوها را ذوب کردند تا از آن نیترا ت مورد نیاز در ساختن بمب را تولید کنند.

داستان این فیلم کوتاه درباره دزدی است که اردکی را از دستفروشی در خیابان می‌دزد و دستفروش سپس او را تعقیب می‌کند. می‌گویند لیانگ شائو بو که تئاتر خوانده بود، فیلم را کارگردانی کرد. او دوربین را از یک گرداننده سینمای آمریکایی در شهر شانگهای به نام بنجامین برداسکای قرض گرفت. در دزدیدن اردک سرخ شده، لیانگ (در نقش دزد) و چان-من وونگ (در نقش دستفروش) و بوک-هوئی لی (پلیس) نقش آفرینی می‌کردند.

لا کار می‌گوید: در مورد نخستین فیلم سینمای هنگ کنگ یعنی «دزدیدن اردک سرخ شده» همه اطلاعات کلی است. همه عوامل فیلم مرده اند. بنابراین باید به سراغ منابع دیگری مانند روزنامه ها و غیره رفت. درباره نخستین فیلم هنگ کنگ کلی حرف و حدیث وجود دارد. اطلاعات مختصری درباره پیرنگ داستان داریم و از کارگردان مون کوان شنیده ایم که در سال ۱۹۱۷ این فیلم را در کالیفرنیا تماشا کرده بود. همینطور او فیلم «ژوانگزی همسرش را امتحان می‌کند» نیز دیده بود. او می‌گفت که «دزدیدن اردک سرخ شده» در ۱۹۰۹ ساخته شده است. کوان در سال های ۱۹۶۰ در مصاحبه ای با یو-ون این اطلاعات را داده بود.

تهیه کننده این فیلم بوک-هوئی لی مدت پنجاه سال نیروی محرکه صنعت سینمای هنگ کنگ بود، استودیوهای مختلفی تاسیس کرد، سرمایه برای تولید فیلم ها و مستندها جمع آوری می‌کرد. پسر لی، تین-یائو لی که اکنون در دهه هفتم زندگی خود به سر می‌برد می‌گوید: تا آنجا که می‌دانم آن سینمادار آمریکایی یعنی برداسکای بودجه فیلم را تأمین کرد. تولید «دزدیدن اردک سرخ شده» عاقله پدرم به سینما را شعله ور کرد و باعث شد پدرم به شانگهای برود و تهیه کنندگی سینما را یاد بگیرد.

اما پسر من-وای لی که به پدر سینمای هنگ کنگ شهرت دارد، شک لی، در مورد ساخته شدن این فیلم دچار تردید است. او می‌گوید: ارجاعات بیشتری به «ژوانگزی



۱۹۴۱، این دوران از فیلمسازی به پایان رسید تا اینکه بریتانیا زمام امور را در سال های ۱۹۴۰ برعهده گرفت.

### سال های ۱۹۴۰-۱۹۶۰

در این سال ها نیز مانند دوره پیش از جنگ، هنگ کنگ مهد استعدادهایی بود که از چین به هنگ کنگ نقل مکان می کردند. با شورش های داخلی چین در سال ۱۹۴۶ این مهاجرت به اوج خود رسید که به روی کار آمدن کمونیست ها در چین منتهی شد و هنگ کنگ به پایتخت سینمایی تبدیل شد. این مستعمره در این دوران یکی از صادرکنندگان عمده فیلم به جنوب شرقی آسیا بود. در سال های ۱۹۶۰ کمپانی های برادران شاو و موشن پیکچرز و جنرال اینوسنتمنت لیمیتد (MP&GI) از مشهورترین کمپانی های تولید فیلم به زبان ماندارین بودند. پس از مرگ لوک وان تو موسس MP&GI، کمپانی برادران شاو در این رقابت پیروز میدان شد.

ژانر موزیکال به نام هوآنگمدیائو برگرفته از اپرای چینی بود. کمپانی برادران شاو فیلم موزیکالی را در این ژانر به نام عشق ابدی (۱۹۶۳) تولید کردند که در این ژانر کلاسیک است.

در نیمه دوم سال های ۱۹۶۰ کمپانی برادران شاو به تولید فیلم های کم هزینه تر رو آورد. فیلمهای آکروباتیک با خشونت بیشتر که ملهم از فیلمهای سامورایی ژاپنی ها بود. در این دوران تماشاگران سینما به دلیل پدیده تلویزیون کاهش پیدا کرد.

### سال های ۱۹۷۰

فیلم های به زبان ماندارین و کمپانی برادران شاو بیش از گذشته در این سال ها رواج و رونق داشتند. فیلم های کونگ فویی در این دوران رواج پیدا کرد و شهرت بین المللی پیدا کرد. در این دوران برادران شاو

حاکم مطلق بودند ولی به مرور دو تن از تهیه کنندگان کمپانی برادران شاو به نام های ریموند چو و لئونارد هو از کمپانی جدا شده و خود کمپانی گلدن هاروست را تاسیس کردند. این کمپانی با جکی چان قرارداد بازی در فیلم بست و در سال های ۱۹۷۰ یکی از کمپانی های مشهور این سال ها بود. این کمپانی با جوانان با استعداد مانند بروس لی یا برادران هوئی که ایده های نو داشتند قرارداد می بست.

بروس لی در فیلم های آمریکایی نقش جزیی داشت تا اینکه کمپانی گلدن هاروست، رییس بزرگ را ساخت. ریموند چو در موفقیت های فیلم های بروس لی نقش به سزایی داشت.

در سال های ۱۹۷۰ سینمای هنگ کنگ و فیلم های کونگ فویی برای سینماهای غربی و علاقه مندان چنین فیلم هایی بازار داشتند اما رفته رفته در سال های پایانی ۱۹۷۰ تغییراتی آغاز شد.

### سال های ۱۹۸۰ و سال های ابتدایی ۱۹۹۰ دوران شکوفایی

در این سال ها بذرهایی که در سال های ۱۹۷۰ کاشته شدند، به ثمر رسیدند. این دوران تولد سینمای مدرن و نو در هنگ کنگ است که ابرقدرتی در این حیطه در بازار شرق آسیا بود. رفته رفته توجه غربی ها نیز به فیلم های هنگ کنگی بیشتر جلب شد.

یکی از فیلم های مهم این دوران قاتل (جان وو، ۱۹۸۹) است. در این دوران سینمای هنگ کنگ یکی از معدود کشورهایی بود که فیلم هایش بر هالیوود تاثیر گذاشت و همیطور فیلمسازانش. در کشورهای مانند مالزی کره جنوبی، تایلند، سنگاپور، اندونزی فیلم های هنگ کنگی محبوبیت داشتند. تایوان به یک بازار محلی برای فیلم های هنگ کنگی تبدیل شد. در سال های ابتدایی ۱۹۹۰ صنعت سینمای تایوان تحت تاثیر واردات فیلم

های هنگ کنگی قرار داشت.

در سال های ۱۹۸۰ کمپانی سینماسیتی به مدیریت کارل ماکا، ریموند وونگ و دین شک آغاز به کار کرد. این کمپانی فیلم های کمدی روز، حادثه ای تولید می کرد. فیلمسازی چون تسوی هارک و وونگ جینگ به نماد این دوره تبدیل شدند. تسوی هارک یکی از فیلمسازان موج نو بود که وارد فیلم های جریان روز شد. از سمبول های این دوران می توان به موج فیلم های گانگستری اشاره کرد که جان وو کارگردانی چو یون-فت نقش آفرینی و آن تانگ بازیگر و تهیه کننده آن را تهیه می کرد. ملودرام های رمانتیک و فانتزی های هنرهای رزمی با بازی بریجیت لین، کمدی های با بازی شری چونگ و استفن چونگ و فیلم های سنتی با بازی جت لی، فیلم های حادثه ای با چاشنی هنرهای رزمی با نقش آفرینی جکی چان از دستاوردهای این سال ها است. در سال ۱۹۸۸ دولت سیستم درجه بندی فیلم ها را به راه انداخت.

### سینمای آلترناتیو

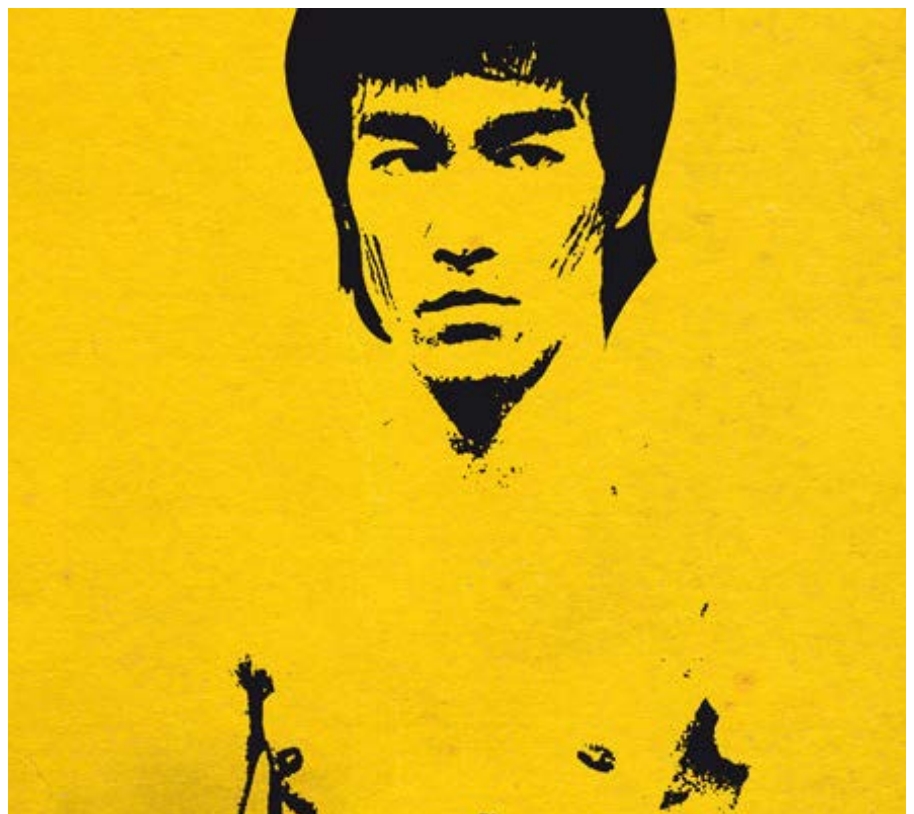
در موج فیلم های عامه پسند، فیلم های هنری نیز در هنگ کنگ ساخته می شد. از فیلمسازان موج نوی هنگ کنگ می توان به آن هوئی و ییم هو اشاره کرد. این دو فیلم های شخصی و سیاسی می ساختند. در سال های آخر ۱۹۸۰ موج دوم به راه افتاد. فیلمسازان جوانی مانند کلارا لای، استلی کوآن و وونگ کار-وای شروع به فعالیت کردند. این کارگردان ها در جشنواره های جهانی و محافل منتقدان سرو صدا به پا کردند. به ویژه آثار وونگ کار-وای به شدت با استقبال روبه رو می شد.

### سال های میانی ۱۹۹۰ تا امروز

در سال های ۱۹۹۰ سینمای هنگ کنگ دچار افتی شد که هرگز نتوانست آن را جبران کند. روند فروش فیلم ها که در سال های پایانی ۱۹۸۰ کاهش پیدا کرده بود ادامه پیدا کرد. در سال های پایانی ۱۹۹۰ تولید فیلم از ۲۰۰ عنوان به ۱۰۰ عنوان رسید. فیلم های وارداتی آمریکایی در جدول فروش ها بر صدر نشستند. جالب اینکه در این دوران آمریکایی ها بیشتر به سینمای هنگ کنگ توجه نشان می دهند و بسیاری از استعداد های سینمای هنگ کنگ به هالیوود می روند و مورد توجه قرار می گیرند. یکی از دلایل مهاجرت، بحران اقتصادی آسیا بود. مساله دیگر اینکه الحاق هنگ کنگ به چین باعث رونق و شکوفایی سینمای هنگ کنگ نشد و مشکلات خاصی را به رخ کشید از جمله سانسور.

در سال ۲۰۰۳ دولت هنگ کنگ بنیاد تضمین سینما را تاسیس کرد و بانک ها را تشویق به سرمایه گذاری در سینما کرد. در سال های اخیر کارگردان های محلی تلاش هایی کرده و فیلم هایی ساخته اند. در سال های ۲۰۰۰ بارقه های امیدی روشن شد. در سال های میانی ۱۹۹۰ جانی تو و وای کافای کمپانی میلک وی ایمیج را تاسیس کردند. این کمپانی فیلم های جنایی و به لحاظ تجاری موفق تری تهیه کرد؛ مانند ماموریت (۱۹۹۹ جانی تو). در سال ۲۰۰۱ کمپانی استفن چو «فوتبال شاتولین» را ساخت. جانی تو «انتخاب یک و دو» را کارگردانی کرد که با موفقیت تجاری خوبی روبه رو شد.

جشنواره بین المللی هنگ کنگ از مهم ترین رویدادهای این منطقه است.



مروری بر سینمای تایوان

سینمای تایوان در یک سکانس / ببری که خیز برداشت



تا پیش از سال ۱۹۴۵ و جنگ جهانی دوم سینمای تایوان در دل سینمای ژاپن به حساب می آمد و پس از پایان جنگ جهانی دوم و پایان یافتن حکومت ژاپن، سینمای تایوان که متاثر از سینمای ژاپن شکل گرفته بود از بین رفت. از نظر دولت و تاریخ دان ها سینمای تایوان پس از سال ۱۹۴۵ در امتداد سینمای چین قرار می گیرد اما ناسیونالیست ها با این عقیده مخالف هستند.

تاریخ سینمای تایوان به سال ۱۸۹۷ برمی گردد به دورانی که نمایش تصاویر متحرک با وسیله ای به نام موتواسکوپ در خیمه ای در غرب دروازه تایپه با استقبال خوبی روبه رو شده بود. پس از موتواسکوپ اختراع توماس ادیسون؛ ویتاسکوپ (۱۸۹۶) و سینماتوگراف برداران لومیر در سال ۱۹۰۰ وارد تایوان شد. دلیل دیر وارد شدن این ابزارها به تایوان شرایط نابسامان تایوان و کم بودن جمعیت ژاپنی ها در اوایل حکومت ژاپنی ها در این منطقه بود. علی رغم استقبال از نمایش تصاویر متحرک اختراع ادیسون و لومیر به عنوان دستاوردهای علمی در تایوان تبلیغ شدند.

به نقل از کتاب تاریخ سینما و دایره المعارف سینمای تایوان نوشته داو مینگ لی، در ماه دسامبر ۱۸۹۹ ویتاسکوپ به تایوان وارد شد. «جنگ اسپانیا آمریکا» و فیلم های دیگری به مدت ده روز در سالن نمایشی در مرکز تایپه برای ژاپنی ها به نمایش گذاشته شد. سینماتوگراف روز بیست و یکم ژوئن سال ۱۹۰۰ به طور رسمی در تایوان رونمایی شد. محل رونمایی در کراس تیه تر در تایپه بود. صاحب رستوران تجاری به نام اوشیما پوتایچی بود. تا سال ۱۹۱۰ هیچ تماشاخانه مخصوص نمایش فیلم ها وجود نداشت. کسانی که نمایش دهنده فیلم بودند پروژکتورهای سیار داشتند. معمولا نمایش فیلم ها در چادرها یا استیج های مقابل معابد بودایی بود. فیلم ها معمولا کمندی بکوب بکوب، تئاتری و افسانه ای کوتاه بودند. نخستین چهره مهم سینمای تایوان «تاکاماتسو تویوجیرو» نام دارد. این ژاپنی در سال ۱۹۰۱ به دعوت نخست وزیر ایتو هیروبو می برای نمایش فیلم به تایوان آمد تا ژاپنی های مهاجر و مردم بومی را سرگرم کند. او رابطه خوبی با حاکمان تایوان به هم زد. در سال ۱۹۰۷ دولت به او ماموریت داد تا مستندی درباره وضعیت مردم تحت حکومت ژاپن بسازد. نام این فیلم «معرفی شرایط فعلی در تایوان» (Taiwan jikkyo shokai) است و نخستین فیلم تاریخ سینمای تایوان در نظر گرفته می شود. این فیلم در ۱۹۰۷ در نمایشگاه صنعتی میچی در توکیو نمایش داده شد. موفقیت فیلم سبب شد تا تاکاما تسو همراه خانواده برای زندگی به تایوان بیاید. در بیست سال نخست حکمرانی ژاپنی ها بر تایوان او تنها تهیه کننده سینما بود. کم و کم تاکاماتسو کسب و کار سینما را رونق داد و گسترده کرد، گروه هایی را از ژاپن برای

نوی دوم سینمای تایوان است. فیلم های اولیه او مانند دست های قدرت (۱۹۹۲)، مهمانی ازدواج (۱۹۹۳) بخور، بنوش، زن، مرد (۱۹۹۴) به تنش های فرهنگی بسیاری از خانواده های مدرن می پرداخت. «ببر خیزان، ازدهای پنهان» (۲۰۰۰) از فیلم های مهم آنگ لی است. این فیلم در مراسم اسکار نیز برنده جایزه بهترین فیلم خارجی زبان شد. البته «ببر خیزان، ازدهای پنهان» در سنت فیلم های موج نوی تایوان به شمار نمی رود. آنگ لی در هالیوود نیز چهره بسیار مطرحی است. او در سال های اخیر در هالیوود فیلم می سازد که کوهستان بروکبک و زندگی بی از جمله آنها است.

تسای مینگ لیانگ دیگر فیلمساز مهم تایوان است و در کارنامه او جوایز ریز و درشتی به چشم می خورد. جایزه خرس نقره ای جشنواره برلین در سال ۱۹۹۷ برای رودخانه، جایزه هوگووی طلایی جشنواره شیکاگو سال ۱۹۹۸ و نامزدی نخل طلای کن برای فیلم حفره و چند جایزه از فدراسیون جهانی منتقدان، جشنواره سه قاره نانت و جشنواره استانبول. این فیلمساز ۵۳ ساله تایوانی در سال ۲۰۰۳ به عنوان یکی از ۴۰ سینماگر برجسته جهان از نگاه روزنامه گاردین انتخاب شد.

سال های ۲۰۰۰

فیلم های تایوانی از منظر فروش از فیلم های غربی و هنگ کنگی جا می ماندند. یکی از دلایل این اتفاق استفاده محدود از جلوه های بصری در فیلم ها بود و به همین دلیل در سال های اخیر کارگردان ها بیشتر از جلوه های بصری استفاده می کنند و فروش داخلی فیلم ها نشان می دهد که این تمهید موثر واقع شده است.

یکی از فیلم هایی که بازار سینمای تایوان را زیر و رو کرد، تنگه شماره ۷ به کارگردانی تی-سنگ وی است. این فیلم در سال ۲۰۰۸ جایزه بهترین فیلم را از جشنواره اسب طلایی برد. تنگه شماره ۷ آغازگر دوره جدیدی در سینمای تایوان شد. یکی دیگر از فیلم هایی که به رونق سینمای تایوان کمک کرد مونگا به کارگردانی دوز نیو است. این فیلم گنگستری دوران جوانی کارگردان در شهر تایپه در سال های ۱۹۸۰ را روایت می کند. این فیلم با بودجه ۶۰ میلیون دلار (واحد پول تایوان) تهیه و ۳۰۰ میلیون دلار فروخت. مونگا نامزد هشت جایزه ملی شد و جمله برنده جایزه بهترین بازیگر مرد از جشنواره اسب طلایی شد. قهرمان بازار شب به کارگردانی نلسون یه از دیگر فیلم های پرفروش تایوان در سال های اخیر است.

فیلم های تایوانی در سال های اخیر در رقابت با فیلم های هالیوودی در بازار داخلی موفق بودند.

مهم ترین جشنواره تایوان، جشنواره اسب طلایی در شهر تایپه است که از سال ۱۹۶۲ هر ساله برگزار می شود.

همچنین صنعت سینمای تایوان با تهدید جدی نمایش فیلم های هنک کنگی روبه رو بود. به همین دلیل (CMPC) به حمایت از فیلمسازان جوان و با استعداد برخاست و در سال ۱۹۸۲ چهار کارگردان جوان را معرفی کرد: ادوارد یانگ، تائو دی-شین، کی ای-ژنگ و ژانگ یی. آنها به پیشگامان موج نوی سینمای تایوان شهرت دارند.

بر خلاف فیلم های ملودرام و اکشن کونگ فویی، فیلم های موج نو واقع گرا و توام با تصاویر همدلی برانگیز از زندگی روزمره بود. این فیلم ها می کوشیدند داستان های تیزهوشانه ای از زندگی مردم چه در شهر یا روستا به تصویر در آورند. به همین علت این آثار بیشتر با جنبش نئورئالیسم سینمای ایتالیا مقایسه می شوند. تاکید بر واقع گرایی با تکنیک هایی خلاقانه ای در روایت همراه شده بود. به دلیل صداقت در تصویر زندگی روزمره فیلم های موج نو مسایل مهم روز اجتماع را مطرح می کرد. به عنوان مثال «شهر غم» ساخته هو هشیائو-هشین کشمکش های میان تایوانی ها و دولت ناسیونالیست چین را نشان می دهد. داستان تایپه (ادوارد یانگ، ۱۹۸۵) از اختلاف ارزش ها و مادی گرایی مدرن در میان جوانان می گوید.

موج نوی دوم (۱۹۹۰)

موج نوی سال های ۱۹۸۰ در سال های بعدی به گرایشی تبدیل شد که به موج نوی دوم شهرت دارد و فیلم های این دوره در عرصه بین المللی شهرت بیشتری کسب کردند. برای مثال *vive l'amour* ساخته تسای مینگ لیانگ از جشنواره فیلم ونیز در سال ۱۹۹۴ برنده جایزه شیر طلایی شد. این فیلم انزوا، نومییدی و عشق های جوانانی را در آپارتمان های شهر تایپه نمایش می دهد. سرزمین شکوفه های هلو (۱۹۹۲، استن لی) یک کمدی تراژدی درباره دو گروه بازیگر است که برای دو نمایشنامه تمرین می کنند. این فیلم برنده جوایزی از جشنواره توکیو و برلین شد.

آنگ لی

آنگ لی یکی از مهم ترین چهره های موج

نمایش فیلم به تایوان آورد، با کمپانی های آمریکایی اروپایی و ژاپنی برای نمایش فیلم های شان در تایوان قرارداد بست. تاکاماتسو مدیریت بلد نبود و پس از مدتی امپراطوری که ساخته بود به دلیل قرض ها فرو ریخت.

سینمای تایوان ۱۹۰۱-۱۹۷۰

از سال ۱۹۰۱ تا ۱۹۳۷ سینمای تایوان تحت تاثیر ژاپن بود. در این دوران بسیاری از سنت های فیلمسازی ژاپن مورد استفاده کارگردان های تایوانی قرار می گرفت. به عنوان مثال استفاده از «بنشی» (آوای فیلم های صامت) که در ژاپن مرسوم بود در تایوان هم استفاده می شد. از فیلم های مهم این دوران می توان به چشمان بودا (۱۹۲۲)، تقصیر کی بود (۱۹۲۵) اشاره کرد.

جنگ چین و ژاپن در سال ۱۹۳۷ صنعت سینما را از رونق انداخت. تا روی کار آمدن دولت ملی کومینتانگ در سال ۱۹۴۵ عملا فیلمی در تایوان تولید نشد.

سینمای تایوان پس از ۱۹۴۹ رونق گرفت. در دورانی که جنگ های داخلی چین باعث شد که فیلمسازان چینی ناسیونالیست به تایوان مهاجرت کنند. در این دوران بیشتر فیلم ها به زبان ماندلین بود. ابتدا دولت تولید فیلم های به گویش ماندلین را ممنوع اعلام کرده بود اما بعدها دولت، ماندلین را زبان رسمی کشور اعلام کرد و استفاده از زبان های دیگر تحت کنترل قرار گرفت و از همین رو رفته رفته تولید فیلم ها به گویش های مختلف متوقف شد.

سال های ۱۹۶۰ آغاز مدرن شدن سریع تایوان است. دولت توجه زیادی به اقتصاد و توسعه صنعتی داشت و در سال ۱۹۶۳ شرکت مرکزی تصویر متحرک (CMPC) ملودرام های واقع گرایانه تولید می کرد. در این دوران فیلم های سنتی کونگ فو و ملودرام های رمانتیک خیلی محبوب بودند. نویسنده ای به نام کیونگ یائو برای کارگردانی کتاب های رمانتیک محبوب خود به شدت شهرت داشت.

موج نوی سینمای تایوان (۱۹۸۲)

در این سال ها شبکه خانگی رونق داشت.



مروری بر سینمای مالزی

قصه‌ای ایرانی اولین فیلم سینمای مالزی را رقم زد / صنعتی رو به رونق



مالزی صنعت سینمای کوچکی دارد که قدمت آن به سال‌های ۱۹۳۰ بر می‌گردد، این کشور سالانه یک جشنواره سینمایی بین‌المللی برگزار می‌کند و حدود ۲۵۰ پردیس سینمایی و سالن سینما دارد که به ۶۵۱ سینما در سال جاری افزایش پیدا کرده است. سینمای مالزی گرچه از صنایع مطرح هنر هفتم در جهان نیست ولیکن آشنایی با تاریخ این هنر در این کشور خالی از لطف نیست.

سینمای مالزی از فیلم‌های هندی (به ویژه فیلم‌های با گویش تلگو)، تئاتر موزیکال عامه پسند که به بانگساوان مشهور است، فرهنگ چینی‌ها، سینمای ژاپن در دوران اشغال مالزی به خصوص آثار کوروساوا، یاسوجیرو ازو، میزوگوشی، فیلم‌های عامه پسند ژاپنی و همینطور از فیلم‌های هالیوودی دهه‌های ۳۰ و ۴۰ (به خصوص کمدی‌های آن دوران، فیلم‌های نوآر، فیلم‌های هیولایی) و فیلم‌هایی با موضوع اسلام و مسلمانان متأثر است.

فیلم‌های نخست (۱۹۳۳-۱۹۴۴)

می‌گویند نخستین فیلم بلندی که در کشور مالزی تولید شد «لیلی و مجنون» به کارگردانی ب. اس. راجهانس در سال ۱۹۳۳ بود. داستان لیلی مجنون برگرفته از قصه کلاسیک ایرانی بود و تهیه فیلم را کمپانی «موتیلال کمیکال کامپنی» بر عهده داشت که در سنگاپور واقع شده بود. بازیگران لیلی و مجنون همگی از گروه یک اپرای محلی بودند.

دو برادر به نام‌های ران ران و ران می‌شاو (همان برادران شاو) در سال ۱۹۳۷ برخی تجهیزات فیلمبرداری را از شهر شانگهای وارد مالزی کردند و فیلم‌های کم‌هزینه به زبان مالایی را ساختند. کمپانی کوچک آنها در «همپاس رود» سنگاپور قرار داشت. آنها تا پیش از اشغال مالزی توسط ژاپنی‌ها تنها پنج یا شش فیلم تهیه کردند.

اشغال ژاپن و فیلمسازی تحت استعمار ژاپن (۱۹۴۱-۱۹۴۵)

گرچه اشغال منطقه جنوب شرق آسیا توسط ژاپنی‌ها در تاریخ مالزی یک لکه ننگ و نقطه سیاه تلقی می‌شود اما اشغال ژاپنی‌ها به جهات فرهنگی تأثیر مفیدی داشت و برای سینما مفید بود. تأثیر فیلم‌های ژاپنی در دوران اشغال، در فیلم‌های عصر طلایی مالزی و آثار سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مشهود است. در سال ۱۹۴۱ ژاپنی‌ها مالزی را اشغال کردند.

نخستین کمپانی‌های تولید فیلم ژاپنی دریافتند که تولیدات محلی بسیار محدود و بیشتر بازار تحت سلطه چینی‌ها و برادران شاو است. نکته جالب اینجاست که ژاپنی‌ها نیز به همین هدف روی بازار سینمای

مالزی تحقیقات کردند. گرچه صنعت سینمای مالزی تحت نظر ژاپنی‌ها هیچ وقت به بلندی نرسید اما بازار سینمایی مهمی برای اشغالگران این کشور بود.

ژاپنی‌ها تعدادی فیلم در شونان (آنها منطقه سنگاپور را شونان می‌خواندند) ساختند. سنگاپور کشور همسایه مالزی است.

مالزی تحقیقات کردند. گرچه صنعت سینمای مالزی تحت نظر ژاپنی‌ها هیچ وقت به بلندی نرسید اما بازار سینمایی مهمی برای اشغالگران این کشور بود. ژاپنی‌ها تعدادی فیلم در شونان (آنها منطقه سنگاپور را شونان می‌خواندند) ساختند. سنگاپور کشور همسایه مالزی است.

توسعه و شکوفایی (۱۹۴۵-۱۹۷۵)

در سال ۱۹۴۵ و در پی پایان یافتن جنگ جهانی دوم برادران شاو با ساختن «سنگاپور در شب» به کارگردانی راجهانس و بازیگری سیبوت ساراواک دوباره به تولید فیلم روی آوردند. برادران شاو که مالک تعدادی از سالن‌های سینما بودند و یا سالن اجاره کرده بودند توانستند نمایش موفقیت آمیزی با «سنگاپور در شب» داشته باشند.

برادران شاو به تولید ادامه دادند و چهره‌های جدیدی را در دنیای سینمای گویش مالایی آرایه کردند مانند کاسما بوتی که متولد سوماترا بود. نخستین فیلم بوتی به نام «سمپاکا» زندگی دختری در جزیره را دستمایه قرار داده بود.

در سال ۱۹۴۸ پ. راملی که بعدها به اسطوره مشهور دنیای سینمایی مالایی تبدیل شد در «عشق» نقش آفرینی کرد. استعداد این بازیگر در خوانندگی، موسیقی و آهنگسازی بی‌بدیل بود. او بازیگری، کارگردانی، فیلمنامه نویسی، حتی آهنگسازی و ترانه سرایی می‌کرد. بیشتر فیلم‌های اولیه او موزیکال بود.

به طور کلی در این دوران بیشتر فیلم‌ها موزیکال و متأثر از سینمای کشورهای دیگر به خصوص هند ساخته می‌شدند. این گرایش سینمایی را تعدادی فیلمساز هندی به راه انداخته بودند.

پس از راجهانس، برادران شاو چندین کارگردان هندی با استعداد را وارد بازار تولید فیلم‌های به زبان مالایی کردند مانند سیتارام ساستری، پانی ماجومدار و ... تعدادی از فیلمسازان محلی مانند ل. کریشنا و ک. م. بشکر که تکنیک‌ها و سینما را تجربی آموخته بودند هم فیلم می‌ساختند.

در سال‌های ۱۹۶۰ کارگردان‌های بومی جای فیلمسازان وارداتی و خارجی را گرفتند. موفقیت‌های اقتصادی کمپانی برادران شاو، مالایی فیلم پروداکشنز (mfp) و تعدادی از سرمایه داران محلی را تشویق به همکاری در عرصه سینما کرد. در همان سال‌ها کمپانی «نوستاتارا فیلم» تاسیس شد که هسو چپو منگ بنیان‌گذار آن بود. او به شدت وابسته به سالن‌های مستقل بود و پس از تولید چند فیلم در سال ۱۹۵۴ تعطیل شد. کمپانی مهم دیگر کریس فیلم پروداکشنز بود.

در سال‌های ابتدایی، همه فیلم‌ها سیاه و سفید بودند. استودیوها لابراتورها و استودیوهای ضبط صدا و تدوین خود را داشتند. فیلمنامه‌ها بیشتر داستان‌های فولکلور برگرفته از نمایشنامه‌ها، افسانه‌های تاریخی و علمی تخیلی بودند. از فیلم‌های مهم این سال‌ها می‌توان به افسر حسن به کارگردانی لاهرتو آوالنا و نقش آفرینی پ. راملی محصول ۱۹۵۵ یا بوجانگ لاپوک به کارگردانی پ. راملی محصول ۱۹۵۷. «هنگ تواه» به کارگردانی پانی ماجومدار که در جشنواره فیلم شرق آسیا به نمایش درآمد و ستاره فیلم‌های به گویش مالایی راملی نقش هنگ تواه را در آن بازی می‌کرد، اشاره کرد.

کمپانی کریس پروداکشنز نیز فیلم‌هایی مانند «فلوت جادویی»، «دوشیزه بورنیو» و «پیشخدمت لنگکاو» را تهیه کرد.

در سال ۱۹۶۱ فردی به نام ه. م شاه قطعه زمینی در نزدیکی شهر کوالالامپور خریداری و استودیو مردکا را تاسیس کرد. کم‌کم ستارگان فیلم‌ها از استودیوهای سنگاپوری خارج شدند و به این استودیو آمدند. در حال حاضر در این منطقه مراکز شرکت‌های توسعه سینمای ملی مالزی (FINAS) قرار دارند. برادران شاو بعضی از فیلمسازان فیلم‌های سنگاپوری مانند ل. کریشنا، پ. راملی، صالح غنی و ... را به مالزی فرستادند.

نوزایی سال ۱۹۷۵ تا امروز

وقتی که کمپانی صباح فیلمز سود کلانی

با فروش فیلم «خانواده کما» برد، سال ۱۹۷۵ شاهد احیا و نوزایی سینمای مالزی شد. به زودی کمپانی‌های دیگری مانند پرفیما، سید کوچک پروداکشنز، ایندرا فیلم پروداکشنز تاسیس شدند. در سال ۱۹۷۶ دولت قانونی را تصویب کرد که فیلم‌های خارجی باید با زیرنویس نمایش داده شوند.

سال‌های ۱۹۸۰ صنعت سینمای مالزی دستخوش تغییرات فراوانی شد. یکی از مهم‌ترین تغییرات تاسیس شرکت‌های توسعه سینمای ملی مالزی / فیناس (FINAS) در سال ۱۹۸۱ بود تا به رشد و توسعه سینمای بومی و حفظ استانداردهای صنعت سینما کمک کند. یکی از خدمات این شرکت‌ها تحقیقات و خدمات مشاوره ای است. «فیناس» تسهیلات و امکانات زیادی را برای رونق صنعت سینمای مالزی به همراه آورده و تا حدی شکل تولیدات داخلی را دستخوش تغییر کرده است. تقریباً تمامی فیلم‌های ساخت مالزی رنگی هستند و از فرمت «اسکوپ» استفاده می‌کنند. هیچ دستمزد ثابتی برای هنرمندان وجود ندارد. کمپانی‌ها فقط می‌توانند در زمینه فعالیت کنند: تولید یا پخش و نمایش فیلم. این سیاست برای جلوگیری از تک‌قطبی شدن صنعت سینما بوده است. تهیه‌کنندگان شاید بتوانند بخشی از سرمایه خود را به عنوان مالیات سرگرمی سازی از دولت بازپس بگیرند که انگیزه‌ای آنها برای سرمایه گذاری در سینما را تقویت می‌کند. در حال حاضر ۳۰۰ کمپانی تولید برنامه تلویزیونی و سینمایی در فیناس ثبت شده‌اند.

در سال ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بیش از ۲۰ فیلم بلند در مالزی تولید شد که در سال‌های بعد این آمار پایین آمد. در سال ۱۹۹۵ تنها ۱۵ فیلم در مالزی تهیه شد. در سال‌های میانی ۲۰۰۰ صنعت سینمای مالزی رونق بیشتری گرفت. کشور مالزی از تولید ۷ فیلم در سال ۱۹۹۹ به ۲۶ فیلم در ۲۰۰۹ رسید. یکی از دلایل رونق بیشتر فیلم‌های محلی محدودیت نمایش فیلم‌های خارجی در سینماهاست. در حال حاضر صنعت سینمای مالزی رقابت سختی با سینمای کشورهایمانند هند، اندونزی و فیلیپین دارد.

در سال ۲۰۰۷ فیلم «عشق بر همه چیز پیروز می‌شود» به کارگردانی تان چوی مویی توانست جایزه تان چوی و ششمین جشنواره فیلم روتردام دریافت کند. در سال ۲۰۰۸ گل‌های در جیب ساخته لیو سنگ تات از سی و هفتمین دوره جشنواره فیلم روتردام برنده جایزه شد. سال ۲۰۱۱ بیش از ۴۰ فیلم در مالزی به نمایش عمومی درآمد. این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۷۰ عنوان رسید. پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای مالی «سفر» به کارگردانی استرو شاو محصول ۲۰۱۴ است که البته محصول مشترک چین و مالزی بود.

## مروری بر سینمای لبنان

## سینمای لبنان از سال‌های ۱۹۲۰ تا امروز / مسیری که هموار نبود



بسیاری از علاقه‌مندان سینما نمی‌دانند که تاریخ سینمای لبنان قدمتی بس طولانی دارد که به سال‌های ۱۹۲۰ باز می‌گردد. درست است که مشکلات داخلی لبنان صنعت سینما را دچار رکود کرده است اما این کشور هنوز با کمک دیگر کشورهای فیلم‌های تولید مشترک می‌سازد.

## تولد یک سینما

نخستین فیلم تاریخ سینمای لبنان را جوردانو پیدتوی در سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۰ کارگردانی کرد. جوردانو یک کارگردان ایتالیایی بود که در شهر بیروت زندگی می‌کرد. نام فیلم «ماجراجویی‌های الیاس مبروک» Moughamarat Elias Mabrouk بود. جوردانو فیلم را در یکی از قصرهای سورساک، در کافی شاپ رائوش و برخی از خیابان‌های بیروت فیلمبرداری کرد. «ماجراجویی‌های الیاس مبروک» در سالن سینمایی امپایر با استقبال زیادی مواجه شد طوری که دنباله این فیلم را راشد علی شعبانی با عنوان ماجراجویی‌های ابو عبد ساخت. آثار پیدتوی مضمون مهاجرت داشتند اما به دلیل فقدان بودجه او دست از فیلمسازی شست و در ادامه راه مشغول فیلمبرداری از عروسی‌ها و مراسم‌های شهر با کمک چرخ کاستی شد.

## از سال‌های ۱۹۳۰ تا پایان ۱۹۶۰

در سال ۱۹۳۳ کمپانی «لومر فیلم» توسط هرتا جرجور که اصل و نسبش آلمانی بود تاسیس شد. این کمپانی نخستین فیلم ناطق لبنان را تهیه کرد که «در ویرانه‌های بعلبک» نام داشت و جولیو دو لوکا و کرم بوستانی کارگردان آن بودند. این فیلم زیرنویسی به زبان فرانسه داشت.

در این سال‌ها که لبنان تحت قیمومت کشور فرانسه بود تنها یک قانون سمعی و بصری وجود داشت که به امنیت سالن‌های سینما و تئاتر مربوط می‌شد و دیگر هیچ متن مکتوب حقوقی دیگری وجود نداشت. در همین دوران این کشور در آستانه یک شوک

عطالله یکی از نخستین فیلم‌های صامت مصری بود که در لبنان به نمایش درآمد. سینمای لبنان تا سال‌های ۱۹۵۰ مورد توجه نبود در این دوران با آمدن فیلمسازانی مانند جرج کاهی اهمیت پیدا کرد. کاهی در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ فیلم‌هایی مانند Azab El Damir (ندامت)، Kalbane wa Jassad (دو قلب و یک جسم)، Al Sam Al Abiad (سم سفید)، Arabat Al Chaitane (سفیدی شیطان)، Anta Omri (تو زندگی من هستی) ساخت.

میشل هارون نیز تنها فیلم خود را در سال ۱۹۵۷ ساخت که Zouhour Hamra (گل‌های سرخ) نام داشت. محمد سلمانی که خواننده مشهوری بود رو به کارگردانی آورد و چندین فیلم ساخت. در سال ۱۹۵۷ جرج ناصر نخستین کارگردان لبنانی بود که فیلم «به کجا؟» را در جشنواره بین‌المللی فیلم کن نمایش داد. سه سال بعد او یک فیلم فرانسوی زبان ساخت به نام «غریبه کوچک» که در کن نمایش داده شد اما منتقدان فرانسوی او را متهم به تقلید از آثار فیلمسازان موج نوی فرانسه کردند. فیلم‌های ناصر در داخل لبنان نمی‌توانست نمایش داده شود چون مردم فیلم‌های مصری و خارجی را ترجیح می‌دادند. ناصر سال ۱۹۷۴ آخرین فیلم خود را در سوریه ساخت که فیلمی اجتماعی سیاسی بود: مرد تحت تعقیب. ناصر در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی سینما خوانده بود.

در سال‌های ۱۹۶۰ سینماهای لبنان فیلم‌های مصری نمایش می‌دادند. با تغییر رژیم در مصر در دوران جمال عبدالناصر که سینما را ملی اعلام کرد بسیاری از آزادی‌ها از فیلمسازان گرفته شد بنابراین بسیاری از کارگردان‌های مصری به لبنان کوچ کردند. فیلمسازان مصری که در لبنان فیلم می‌ساختند بیشترین اوج کارنامه خود را تجربه کردند. از چشم‌اندازهای زیبای لبنان بیشترین استفاده را می‌بردند. در این دوران کمپانی‌های تولید فیلم بیشتر شدند. پس از امارات متحده عربی، لبنان

بزرگ قرار گرفت: جنگ جهانی دوم که در این دوران علی‌ال‌اریس که موسیقیدان بود به سینما و تئاتر علاقه پیدا کرد و برای آموختن این هنر به مصر سفر کرد. او با مشقت فراوان دو فیلم ساخت: Bayyaate El Ward (گل‌فروش) و Kawkab Amirat as Sahara (کوکب، شاهزاده خانم صحرا). او مستندهایی درباره تعطیلات تابستانی در کوهستان‌های لبنان نیز کارگردانی کرد ولی بازده این تولیدات آن چیزی نبود که علی‌ال‌اریس در ذهن داشت و این شکست او را از وادی سینما دور کرد. فیلمسازی و تولید فیلم رفته رفته مورد بی‌مهری قرار گرفت و علاقه به دنیای اخبار و رویدادهای روز بیشتر شد. کشور مصر همیشه به کشور لبنان به دلیل آزادی بیان چشم دوخته بود. در سال ۱۹۲۷ Bahr Bi Yidhak leih (چرا دریا می‌خندد؟) ساخته امین



۱۹۹۰) تولید فیلم در داخل کشور به شدت افت پیدا کرده بود طوری که یک یا دو فیلم در سال ساخته می شد. در این دوران فیلمسازان باهوش و خوش فکری در لبنان فیلم ساختند که بیشتر فیلمسازی با گرایش چپ بودند، اما با پایان یافتن تنش‌ها در سال‌های ابتدای ۱۹۹۰ شاهد تولید فیلم‌هایی با موضوع جنگ‌های داخلی هستیم که بودجه بیشترشان را کشورهای اروپایی تامین می‌کنند. بغدادی به ساختن فیلم‌هایی مانند جنگ‌های کوچک، لبنان کشور عسل ادامه داد. خارج از زندگی در سال ۱۹۹۱ برای بغدادی از جشنواره کن جایزه به همراه داشت. در دوران جنگ‌های داخلی فیلمسازان زن نیز به فعالیت روی آوردند مانند جوسلین ساب. در ۱۰ سال گذشته سینمای لبنان آرام آرام موضوع‌های متنوع تری را انتخاب کرده و به تابوهای اجتماعی نیز می‌پردازد.

### جشنواره فیلم کن محل نمایش فیلم‌های لبنانی

جشنواره بین‌المللی فیلم کن همیشه محل معرفی و نمایش فیلم‌های فیلمسازان لبنانی بوده است. هر ساله در بخش‌های مختلف جشنواره آثار فیلمسازان نمایش داده می‌شود. همانطوری که گفته شد نخستین فیلم لبنانی که در کن نمایش داده شد «به کجا» ساخته جرج ناصر بود. سپس مارون بغدادی پیشگام فیلمسازان لبنانی در این زمینه شد. اخیراً ندین لیکلی با «کارامل» و «حالا کجا می‌رویم» که به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ در کن نمایش داده شده‌اند از فیلمسازان محبوب این جشنواره به حساب می‌آید. هر ساله در کشور لبنان جشنواره بین‌المللی فیلم بیروت برگزار می‌شود.

تقریباً به قشر روشنفکر مربوط و متأثر از موج نوی فرانسه بود. دوران سینمای تجاری لبنان به سرآمد. فیلم‌هایی که ساخته می‌شدند وام‌دار واقعیت‌های سیاسی اجتماعی مردم بودند. در این دوره مستندسازی نیز میان اعراب رواج داشت. به خصوص موضوع مقاومت مردم فلسطین دستمایه این آثار بودند.

رفیق حاجر یکی از مستندسازان مشهور این دوران است. جورج شمشوم، سمیر خوری، منیر ماساری از فیلمسازانی هستند که در این دوران به شهرت دست یافتند. باز هم فیلمسازان مصری به لبنان می‌آمدند اما تعدادشان زیاد نبود. کریستین قاضی تنها فیلمسازی بود که بحران‌های مختلف را تحمل کرد. سال ۱۹۷۲ او «صدها چهره برای یک روز» را ساخت که درباره مشکلات مردم فلسطین بود. اما سرنوشت آثار او غم‌انگیز بودند. مستندهایش اجازه نمایش پیدا نکردند زمانی که به آفریقا رفته بود خانه اش و همه آثارش هم نابود شدند. تنها فیلم او که نجات پیدا کرد «صدها چهره برای یک روز» بود چون نگاتیوها در مشق بودند.

موج فیلمسازان جدید مورد پسند جامعه نبودند. تنها آثار محمد سلیمان (پاریس و عشق)، (دلبر و ببر) مورد تحسین مردم قرار گرفتند.

عده‌ای فیلمساز جوان نیز به تولید فیلم‌هایی با ستارگان مصری اقدام کردند که در این دوران به موفقیت دست پیدا نکردند. در سال‌های ۱۹۷۰ محبوبیت تلویزیون بیش از گذشته بود. «بیروت آه بیروت» ساخته مارون بغدادی از فیلم‌های شاعرانه و مدرن سینمای لبنان در این دوران است.

سال‌های بعدی در سال‌هایی که لبنان شاهد جنگ داخلی بود (۱۹۷۵-۱۹۹۰)

به بزرگترین لوکیشن تبدیل شد. بیروت پایتخت جدید پخش فیلم شده بود و هفت کمپانی بزرگ آمریکایی و ۴۱ کمپانی مستقل مشغول فعالیت بودند. این دوران را به عنوان دوره طلایی سینمای لبنان می‌شناسند.

محمد سلمان و جوزف غریب فیلمسازی بودند که در این دوران خوش درخشیدند. لبنان محل فیلمبرداری فیلم‌های خارجی‌ها هم بود مثلاً ژان بکر پسر ژاک بکر «قطع ارتباط» را در لبنان ساخت. با وجود نمایش موفق فیلم‌های خارجی و مصری ولی آنها اجازه نمی‌دادند که سینمای لبنان پیشرفت کند. با وجود تولیدات مشترک اما هنوز سینمای لبنان هویت مستقل نداشت.

پس از سال ۱۹۶۷ فیلم‌های بی‌شماری با موضوع مقاومت مردم فلسطین به تولید رسید. کریستین قاضی «فداییان» را ساخت. گری گرابدیان «ما همه فدایی هستیم» را کارگردانی کرد. اما تنها آثار برادران رحبانی که توسط یوسف شاهین (فروشنده حلقه)، هنری برکات (Safar Barlak) و دختر نگهبان) اقتباس سینمایی شد شهرت سینمای لبنان را حفظ کردند. برادران رحبانی لبنانی بودند.

### سال‌های ۱۹۷۰

این سال‌ها پایان دوران طلایی سینمای لبنان است. به دلیل کیفیت پایین فیلم‌های لبنانی کم‌کم از تولیدات این کشور کم شد. به زودی فیلمسازان و بازیگران مصری لبنان را ترک کردند. تهیه‌کنندگانی که در سال‌های ۱۹۶۰ در لبنان ساکن شده بودند فعالیت‌های خود را در زمینه تولید متوقف کردند و روی پخش فیلم‌های مصری و خارجی متمرکز شدند. به سرعت موج جدیدی در سینمای این کشور به وجود آمد که



## مروری بر سینمای ژاپن

## رنگین کمان ژانر هادر سینمای ژاپن / سامورایی ها جهانی شدند



خصوصیت خاص هنر ژاپنی از همان ابتدا در سینمای این کشور نمود داشته است به عنوان مثال «هایکو» به عنوان فرمی از شعرسرای در دوران فیلم های صامت روی آثار فیلمسازان اثر گذاشت. این تاثیر در فیلم های کارگردان هایی مانند کنجی میزوگوشی یا یاسوجیرو ازو مشهود است بنابراین سینمای ژاپن همواره هویتی متمایز و ویژه داشته است.

## ورود سینما به ژاپن

سینماتوگراف برادران لومیر که در سال ۱۸۹۷ رونمایی شد، طلوع سینمای ژاپن را هم نوید داد. نخستین دوربین فیلمبرداری که به ژاپن وارد شد دوربین مدل گومان بود که در مراسم های مختلف از گیشاها در رستوران های سنتی شیمباشی فیلمبرداری می کرد. این فیلم ها مخاطب گسترده ای داشتند. فیلم هایی که براساس این تصاویر ساخته شد نخستین فیلم های سرگرم کننده ای در نظر گرفته می شود که در تاریخ سینمای ژاپن به تولید رسیده است.

در سال ۱۸۹۹ تکنسین فیلمبرداری به نام تسونیکچی شیباتا نخستین فیلم سینمایی ژاپن را که بن مایه تئاتر کابوکی داشت به نام «چشم انداز درخت افرا» کارگردانی کرد ولی به مرور با ورود تجهیزات فرانسوی خیلی زود سینمای ژاپن تاثیرات ابتدایی خود را از فرانسه گرفت.

گرایش اصلی در سینمای ژاپن jidaigeki یا درام های مرموز بود و کمی بعد درام های مدرن ساخته شدند. سه گانه «خاطرات سفرهای شوچی» (دایسوکه ایتو؛ ۱۹۲۷) اوج فیلم هایی درام مدل جیدایگکی بود. در تاریخ

از تماشاگران سینما کم شد. در سال های ۱۹۶۰ فیلمسازان جوانی وارد عرصه فیلمسازی شدند که از روند سینمای ژاپن راضی نبودند. آنها گرایشی را پایه گذاری کردند که به موج نوی شوچیکو مشهور شد. شوچیکو نام یک کمپانی تولید فیلم بود. در این سال ها فیلم قصه بی رحم جوانی (۱۹۶۰ ناگیسا اوشیما) به یک پدیده اجتماعی تبدیل شد. در ضمن پیوند سینمای ژاپن با جشنواره های مانند اوشیما، شوهی میدون فیلمسازانی مانند اوشیما، شوهی ایامورا است که دوبار نخل طلا را برای سینمای ژاپن به ارمغان آوردند. کورساوا نیز در سال ۱۹۸۰ برای «کاگه موشا» برنده نخل طلا شد.

## فیلم های سامورایی

سامورایی یک ژانر در سینمای ژاپن و مترادف «وسترن» در هالیوود است که شخصیت ها بجای هفت تیرکشی از

به نمایش درمی آمد و ژاپنی ها شیفته سبک فیلمسازی آنها شدند.

## دوران طلایی ژاپن

دوران طلایی سینمای ژاپن در سال های ۱۹۵۰ به خصوص نیمه نخست این سال هاست. فیلم هایی که در این سال ها ساخته شد در تاریخ سینما ماندگار شده اند به ویژه فیلم های کارگردان هایی مانند آکیرا کورساوا، کنجی میزوگوشی، یاسوجیرو ازو، تینوسکه کینوگاسا، کایسوک کینوشیتا، میکیو ناروسه و کانتو شینده.

کانتو شینده در سن ۹۸ سالگی در سال ۲۰۱۰ فیلم «یک کارت پستال» را ساخت که مضمونی ضدجنگ داشت. در سال ۱۹۵۳ شبکه تلویزیونی مشهور ژاپن «ان اچ کی» نخستین برنامه تلویزیونی خود را پخش کرد و رفته رفته

سینمای ژاپن «یک صفحه دیوانگی» (تینوسکه کینوگاسا؛ ۱۹۲۶) را پیشگام درام های معاصر می دانند.

در سال های ۱۹۳۰ ساداتو یاماناکا روی به کارگردانی آورد. متاسفانه او برای خدمت سربازی فراخوانده شد و در سن ۲۹ سالگی در خط مقدم نبرد با چین به دلیل بیماری درگذشت. تنها سه فیلم از او باقی مانده است: میلیون کوزه ریو (۱۹۳۵)، کوچیاما سوشون (۱۹۳۶) و فیلمی که پس از مرگ او به نمایش درآمد؛ به نام انسانیت و کاغذ بادبادک (۱۹۳۷). فیلم های یاماناکا به عنوان نمونه های فیلم های ژاپنی پیش از جنگ بالارزش هستند.

ژاپن روز پانزدهم اوت ۱۹۴۵ در جنگ شکست خورد و مردم کشور دوران سختی را پشت سر گذاشت. آنها که دنبال مفری می گشتند بیش از گذشته روبه سینما آوردند. بسیاری از فیلم های غربی در ژاپن



مرزهای این جزیره ناآرامی کاواسه است که محبوب جشنواره فیلم کن نیز به حساب می آید. هیروکازو کوره ادا (مانند پدر مانند پسر) در حال حاضر یکی از مشهورترین فیلمسازان ژاپنی است. او تصویر زیبایی از روابط انسانی را در فیلم هایش به نمایش می گذارد. هر دو فیلمساز می توانند نبض احساسی تماشاگر را با روایت داستان های خود در دست بگیرند.

### مشکلات متعدد سینمای ژاپن

موقعیت سینمای ژاپن بسیار منحصر بفرد است. در ژاپن سازمان حامی سینما مانند مرکز ملی سینمای فرانسه CNC که به فیلم ها کمک مالی می دهد وجود ندارد و مدیریت و سیاست های امروز حاکم بر سینمای ژاپن به روز نیست. در حال حاضر یک مدرسه سینمایی

گذاشت و هنر عامه را با وحشت در هم آمیخت. از سوی دیگر هیدئو ناکاتا با حلقه (۱۹۹۸) تاثیر زیادی بر فیلم های معاصر وحشت گذاشت. جو آن تاکاشی شیمیزو (۲۰۰۰) همراه با «حلقه» در سینمای تجاری دنیا نام ژاپن را دوباره بر سر زبان ها انداختند. ناکاتا و شیمیزو هر دو به هالیوود مهاجرت کردند. در حال حاضر کیوشی کوروساوا را وارث این ژانر می دانند.

### فیلم های فوق خشن

فیلم های فوق العاده خشن با ساختن آثاری مانند مجموعه فیلم های «خوک گینه» عرضه شد. این گونه فیلم ها معمولاً فاقد بن مایه محکم بودند اما داستان های خود را با نمایش خون و خونریزی غنا می بخشیدند. مخاطب ژاپنی چنین فیلم هایی خشونت بیشتری را از این آثار می خواست



در ژاپن شکل گرفته گونه فیلم هایی یا کوزایی است. این مدل فیلم ها که به فیلم های گانگستری هالیوود پهلوی می زنند، سنت های مافیای ژاپن را به تصویر می کشند. یا کوزا یک پدیده اجتماعی است که در گذر سال ها مضامین این گونه لحن خشن تری هم گرفته است. به عنوان مثال فیلمسازانی مانند تاکاشی میکه با فیلمی مانند گازو (۲۰۰۳) نهایت خشونت را به نمایش می گذارد. تاکاشی کیتانو یکی دیگر از فیلمسازان معاصر و مشهور ژاپنی است که فیلم های خشنی در این گونه داشته است.

«کاتانا» (نوعی شمشیر) با افتخار و احترام استفاده می کنند. انتقام ساختار دیالوگ ها را غنا می بخشد. لباس ها مخصوص هستند و کدهای این ژانر مختص به خودش است. سردمدار فیلم های سامورایی آکیرا کوروساوا است. یوجیمبو (۱۹۶۱) و سانجورو (۱۹۶۲) از فیلم های معروف او هستند. شاید فرهیخته ترین فیلم سامورایی «هارا گیری» (ماساکی کوبایاشی، ۱۹۶۲) باشد که ساختار روایی آن متأثر از راشومون (آکیرا کوروساوا، ۱۹۵۰) است و از روایت های درهم تنیده استفاده می کند.

### از سوررئالیسم تا وحشت

هیروشی تشیگهارا که در سال ۲۰۰۱ درگذشت، پیشگام سینمای سوررئال در ژاپن بود. فیلم هایی مانند زن در تپه های شنی (۱۹۶۴) و چهره دیگر (۱۹۶۶) از فیلم هایی هستند که به سبب تاریک انسان می پردازند. کوبایدان (ماساکی کوبایاشی، ۱۹۶۴) و کورونکو (کانتو شیندو، ۱۹۶۸) از مشهورترین فیلم های این ژانر به حساب می آیند. نوهیوکو اوپایاشی با فیلم خانه (۱۹۷۷) روش جدیدی در فیلمسازی را به نمایش

### سینما علیه جنگ

وقتی سینمای ژاپن مرور می شود از مضامین ضد جنگ فیلم های کن ایچیگاوا نمی توان چشم پوشید. داستان های قوی و اجتماعی آثار او، یک کلاس درس است. مانند جنگ برمه ای (۱۹۵۶). در میان آثار ضد جنگ به فیلم هایی با مضامین ضد بمب اتمی هم می توان اشاره کرد که سردمدار آن ایشیرو هوندا و مخلوق او «گودزیلا» (۱۹۵۴) است.

### یاکوزا

ژانر دیگری که از سال های ۱۹۵۰



دولتی در ژاپن وجود ندارد. کارگردان ها امتیازی ندارند چراکه پس از جنگ جهانی دوم تمام امتیازها به کمپانی های تهیه فیلم داده می شود. تولید فیلم های تجربی و هنری هم اتر مانده است. به طور میانگین در سال هر ژاپنی ۱.۳ بار به سینما می رود که یعنی سه بار از یک کره ای و فرانسوی کمتر.

در سال ۲۰۱۰ فروش سالانه سینمای ژاپن ۲۲۰ میلیارد یین (۲.۴۲ میلیارد دلار) بوده است. بدین ترتیب ژاپن پس از آمریکا دومین بازار فیلم را دارد. در شهر های توکیو و اوزاکا بلیت سینما تا ۱۸۰۰ یین هم می رسد و برای دانشجویان و کهنسال ها (بالای شصت سال) تخفیف قابل می شوند. هر سال در ژاپن جشنواره مشهور فیلم توکیو برگزار می شود.

طوری که فیلمسازانی مانند تاکاشی میکه (آزمون) و سیون سونو (دایره خودکشی) به ساختن این نوع فیلم ها روی آوردند.

### فیلم های انیمیشن

فیلم های انیمیشن ژاپن فصل جداگانه ای را می طلبد. بی شک استاد مسلم این حیطه هایانو میازاکی است که آثارش ارزش های انسانی را با تکنیک های منحصر بفرد به نمایش می گذارد و با مخاطب ارتباط برقرار می کند. شاهزاده خانم مونونوکه (۱۹۹۷)، یکی از آثار بسیار مشهور اوست. کاتسو هیرو اوتومو (آکیرا) و ساتوشی کن (پاپریکا) دو فیلمساز دیگر این ژانر هستند که محبوبیت خاص خود را دارند. یکی از فیلمسازان محبوب ژاپنی خارج از



## مروری بر سینمای ژاپن

نگاهی به تولد صنعت انیمیشن در ژاپن /  
سینمایی که جوانان دوستش دارند

صنعت انیمیشن سازی سال ۱۹۱۷ در عصر فیلم های صامت با طراحی ها، آزمون و خطا، تکنیک های انیمیشن سازی کات اوت (cut out) و متاثر از آثار فرانسوی و آمریکایی در ژاپن شروع شد. مردم آن زمان از کیفیت بالای کتاب های مصور «مانگا»ی ژاپنی حرف می زدند اما انیمیشن ژاپنی پرهزینه تر از انیمیشن های غربی بود و در سایه محبوبیت کارتون های کمپانی دیزنی قرار داشت.

متفقین ۱۰۰ هنرمند انیماتور را در ویرانه های حاصل از بمباران های شهر توکیو گرد هم آورد تا کمپانی شین نیهون دوگاشا را تاسیس کنند. هدف اشاعه سیاست های اشغال با تولید انیمیشن هایی در ستایش از دموکراسی بود. بسیاری از هنرمندان به شدت مستقل بودند و کمپانی از بیرون با مخالفت هایی رو به رو بود و در نهایت منحل شد.

## پیدایش تویی دوگا (کمپانی تویی انیمیشن)

با پایان جنگ جهانی دوم، ژاپن آرام آرام خود را از نو ساخت. هیروشی اوکاوا از تهیه کنندگان سینما در ژاپن در سال ۱۹۳۷ انیمیشن «سفید برفی» محصول کمپانی دیزنی را تماشا کرد و تحت تاثیر رنگ های درخشان فیلم قرار گرفت. او در سال ۱۹۵۶ استودیوی مدرنی ساخت که مردم آنجا را قصری با دیوارهای سفید و تهویه هوای مناسب توصیف می کردند. او بدین ترتیب کمپانی «تویی دوگا» را که امروزه به کمپانی «تویی انیمیشن» تغییر نام داده است، تاسیس کرد. هدف اوکاوا تبدیل کردن استودیو به کمپانی دیزنی شرق بود.

کمپانی اوکاوا نخستین فیلم خود را «افسانه مار سفید» انتخاب کرد. آنها تیمی تحقیقاتی به آمریکا فرستادند و از چند کارشناس دعوت کردند که به عنوان استاد به ژاپن سفر کنند. در نتیجه آنها می توانستند خط تولید سیستم کمپانی دیزنی را در ژاپن راه اندازی کنند. کمپانی، کارمندان جدیدی را استخدام کرد و به مهارت های آنها احترام گذاشت. آنها تحت مدیریت انیماتورهای کهنه کاری مانند موری یاسوجی و دایکوهارا آکیرا فیلم «افسانه مار سفید» را ساختند.

از آنجا که پس از جنگ بیکاری در ژاپن زیاد شد، این کمپانی جدید توانست تیمی از جوانان با استعداد را جذب کند تا آنها با حقوق کم شروع به کار کنند. کمپانی تویی دوگا از نوع کمپانی های کارگری سختگیر بود. به هر حال زمانی که دولت دستمزد کارمندان را دوبار بر کرد تاثیر آن بر اقتصاد مردم نیز مشخص شد. اوضاع مالی کمپانی بهم ریخت. هر ساله مردم در جشنواره «مانگا» که در بهار برگزار می شد شرکت می کردند. این جشنواره مجموعه های انیمیشنی شاهکارهای جهان را به نمایش می گذاشت اما در نهایت جشنواره هم برچیده شد. آینده کمپانی تویی در حاله ای از ابهام

## آغاز نبردی سخت برای بقا

یکی از حوزه هایی که به موقعیت مناسب انیمیشن های ژاپنی کمک کرد، تولید انیمیشن برای روابط عمومی ها و کمپین های تبلیغاتی موسسات دولتی بود. زمانی که شهر توکیو و حومه به خاطر زلزله وسیع کانتو در سال ۱۹۲۳ خسارت فراوانی دید، تولید انیمیشن خانگی نیز از نقطه صفر پا گرفت؛ هر چند در ابتدا رشد کمی داشت و صنعتی کوچک به شمار می رفت.

این صنعت در حالی برای بقا تلاش می کرد که قادر نبود با نوآوری های پی در پی سینما از جمله ظهور نخستین فیلم های ناطق در سال ۱۹۲۹ و فیلم رنگی در سال ۱۹۳۲ هماهنگ شود. در این دوران افوجی نوهارو کارگردان سینما برای ساختن انیمیشن «دزد قلعه باگودا» با ستایش بین المللی روبه رو شد. او این انیمیشن را با نقاشی روی کاغذ رنگی ژاپنی «شیوگامی» و به روش «بریدن و چسباندن» ساخت. «دزد قلعه باگودا» اولین فیلم در تاریخ انیمیشن ژاپنی است که خارج از کشور با تحسین روبه رو شد.

در همان سال ها بسیاری از هنرمندان انیماتور یکی پس از دیگری ظهور کردند اما به دلیل جنگ، کمبود وسایل به شدت به چشم می خورد و این مساله کار را برای آنها سخت می کرد. در آن شرایط حتی تولید فیلم های سینمایی به آسانی میسر نبود و کار انیماتورها سخت تر شده بود. البته در این دوران نخستین فیلم بلند انیمیشنی تاریخ سینمای ژاپن به نمایش عمومی درآمد: «سربازان دریایی موموتارو» که ۷۷ دقیقه بود و نیروی دریایی ارتش ژاپن تهیه فیلم را برعهده داشت. «سربازان دریایی موموتارو» انیمیشنی تبلیغاتی با هدف روحیه بخشیدن و تعهد به جنگ بود. کمی پس از پایان یافتن جنگ، ستاد کل نیروی اشغالگر

فرو رفت. جنبش کارگری به اوج خود رسید مدام میان کارگران و کارفرمایان اختلاف و دعوا بود. تاکاهاتو ایسائو و هایاتو میازاکی که امروز «استودیو جیبلی» را دارند کار خود را از کمپانی تویی شروع کردند. هایاتو میازاکی در سال ۱۹۶۳ و ایسائو در سال ۱۹۵۹ هر دو از اعضای فعال اتحادیه کارگری بودند. تاکاهاتا مدیر و میازاکی منشی اتحادیه بود.

نخستین فیلم کمپانی تویی دوگا به نام «افسانه مار سفید» در سال ۱۹۵۸ به نمایش عمومی در آمد که براساس یک داستان چینی بود. میازاکی که در دوران دانشجویی فیلم را دیده از کیفیت بالای آن تعریف کرد. نخستین سریال انیمیشنی ژاپن: «پسر فضایی»

اول ژانویه سال ۱۹۶۳ شبکه تلویزیونی فوجی یک انیمیشن ۳۰ دقیقه ای به نام «Tetsuwan Atomu» (پسر فضایی) پخش کرد. این انیمیشن به شدت محبوب و موفق شد. در پی نمایش «پسر فضایی» شکوفایی مجموعه های انیمیشنی آغاز شد. در آن دوران رقابت برای جلب تماشاگران تلویزیونی زیاد بود. موفقیت «پسر فضایی» سرآغاز نوع جدیدی از صنعت انیمیشن سازی ژاپن شد.

دستمزد کمی برای تولید «پسر فضایی» (به کارگردانی تزوکا اوسامو، مدیر کمپانی موشی پروداکشنز) پرداخت شده بود. دستمزد کم به این معنی بود که تولیدکنندگان باید راهی برای کم کردن هزینه پیدا می کردند. آنها از طراحی ها کم کردند، در هر تصویر از خطوط کم کردند و بیشتر از عکس استفاده کردند. آنها روی پیرنگی کار کردند که سریع پیش می رفت و روش های هوشمندانه ای برای حرکت تصاویر تا جلوه های صوتی و دیالوگ ها پیدا کردند.

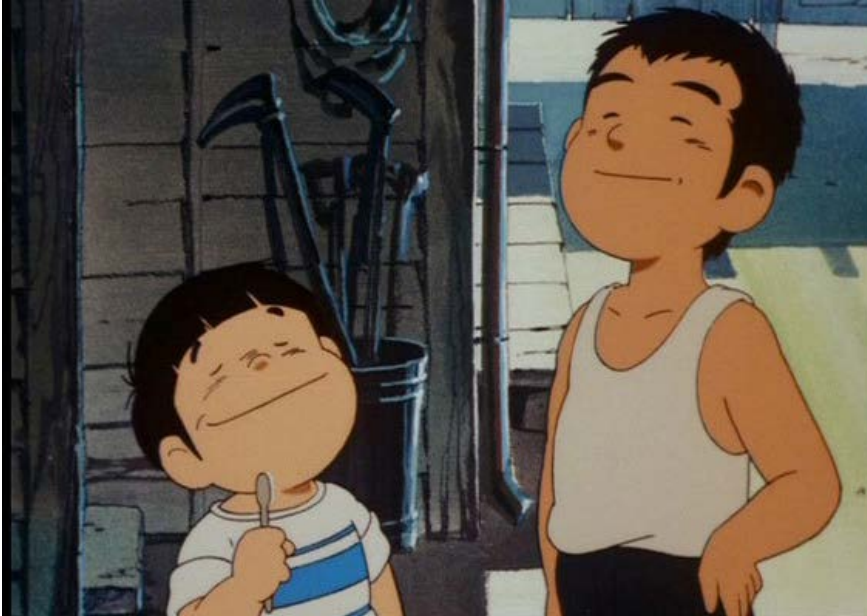
کمپانی تولیدکننده حتی از کپی رایت سودی نبرد. امتیاز استفاده از شخصیت «اتم» که قهرمان اصلی انیمیشن بود به اسپانسر کمپانی - صاحب یک قنادی به نام میچی سیکا - تعلق داشت. او از چهره اتم روی برند شکلات ها استفاده کرد. زمانی که کمپانی تزوکا درآمدش کم شد او تصمیم گرفت که روی انتشار «مانگا» سرمایه گذاری کند. مردم تزوکا را «خدای مانگا» می خوانند. او در این عرصه به موفقیت دست پیدا کرد.

## سال های وحشی و ظهور یک انیمیشن پول پاروکن

در ادامه راه تجارت، بخش اصلی الگوی مجموعه های انیمیشنی ژاپن شد. مشهورترین ژانری که به آن می پرداختند علمی-تخیلی و فضایی و سپس دخترانی با قدرت های فوق طبیعی بود. در سال ۱۹۶۸ مجموعه مشهور تلویزیونی با موضوع بسکتبال به نام «ستاره غول ها» پخش شد. در پی آن نخستین اپیزود انیمیشن خانوادگی «Sazae-san» ساخته شد که تا امروز هم تولید و پخش آن ادامه پیدا کرده و در تاریخ انیمیشن سازی ژاپن رکورد طولانی ترین مجموعه را دارد. اما هر سریالی نمی توانست موفق باشد و رقابت بازار انیمیشن سازی سخت بود.

کمپانی تویی دوگا به دلیل هزینه های گزاف تولیداتش دچار کسری بودجه شد و رفته رفته در سال ۱۹۷۲ تعطیل شد. کمپانی موشی پروداکشنز در سال ۱۹۷۲ اعلام ورشکستگی کرد این در حالی است که اتحادیه کارگری کمی بعد کمپانی را از تزوکا گرفت و تا امروز این کمپانی مشغول فعالیت است. صنعت انیمیشن دچار رکود اقتصادی شد. دلیل این رکود مشکلات بزرگ

## آشنایی با ۱۰ «انیمه» برتر / سینمایی که قهرمان محور است



اقتصادی ژاپن از جمله بحران نفت در سال ۱۹۷۳ و بازار بورس نیکسون در سال ۱۹۷۱ بود.

زمانی که تولید مجموعه های تلویزیونی متوقف شد عده ای بیکار شدند. سیستم ارباب رعیتی کمپانی تویی از بین رفت و سیستم کارمندی رواج یافت، به هر حال کمپانی ها نیاز به تغییر سیستم داشتند. در این سال های بینوایی، مجموعه ای تولید شد که ایده سرگرمی سازی کودکان را به چالش کشید. مجموعه Uchū senkan Yamato «کشتی جنگی فضایی یاماتو» در سال ۱۹۷۴ پخش شد و در سال ۱۹۷۷ فیلمی از روی آن ساختند که به یک پدیده اجتماعی بدل گشت و در قلب میلیون ها جوان ژاپنی جای خود را پیدا کرد.

### گسترش طرفداران انیمیشن ژاپنی

به هر صورت انیمیشن ژاپنی جایگاه خود را در میان جوانان و نوجوانان خارج از کشور پیدا کرد. در بعضی از کشورها بزرگسالان مخالف انیمیشن های ژاپنی بودند و نام «Japanimation» (بازی با کلمات ژاپن و انیمیشن) را برای آنها انتخاب کردند. مخالفان، انیمیشن های ژاپنی را خشن و بی ارزش می دانستند. زمانی که «Kyandi kyandi» در فرانسه پخش شد، دختران جوان فرانسوی از پای تلویزیون تکان نمی خوردند. برخی از والدین آنها مدعی شدند که فرزندانشان را یک فرهنگ بیگانه فاسد می کند. ولی به مرور پایگاه طرفداران انیمیشن های ژاپنی در اقصی نقاط دنیا بیشتر شد. بعضی از علاقه مندان حتی می پرسند که چرا کشور خودشان نمی تواند آثاری تولید کند که از انیمیشن های ژاپنی پیشی بگیرد؟

امروزه واژه «Japanimation» به دیده تحقیر و به خاطر بار منفی اش به کار گرفته نمی شود. در میان کمپانی های انیمیشن سازی ژاپن که در سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰ بسته شدند تعدادی توانستند در سال های بعدی به کار ادامه بدهند اما هرگز صنعت انیمیشن سازی به سال های طلایی خود بازنگشته است. شهرت فرم های دیگر سرگرم سازی مانند گیم های ویدیویی حتی تلفن های همراه سبب شد که در بهترین ساعات تلویزیون بیننده انیمیشن های تلویزیونی در سال ۲۰۰۶ به پایین ترین حد خود برسد. دیگر در شبکه های تجاری کمتر انیمیشن پخش می کنند. شبکه های کوچک نیز بودجه کمی برای تولید انیمیشن دارند. در حال حاضر صنعت انیمیشن سازی ژاپن در برهه حساسی قرار دارد. درحقیقت بسیاری از کمپانی های سازنده با چنگ و دندان به کار ادامه می دهند. این در حالی است که انیمیشن های ژاپنی جایگاه ویژه ای در جهان پیدا کرده اند. هایتو میازاکی نام شناخته شده ای در عرصه جهانی است و استودیو جیبلی او فیلم های انیمیشن موفقی می سازد.

ساخته اوسامو تزوکا. کمپانی موشی پروداکشنز سبکی فریبنده را در انیمیشن سازی ژاپن به وجود آورد که تا امروز ادامه دارد.

نویسکی تسوگاتا استاد انیمیشن از دانشگاه کیوتو سیکا می گوید: «از همان ابتدا تزوکا حامدانه انیمه را خلق کرد نه انیمیشن را.»

کمپانی موشی از نوارهای سلولوئید چندین بار استفاده می کرد و به ترفندهای صدا و تصویری متکی بود تا توهم حرکت کامل را ایجاد کند. «پسر فضایی» نخستین مجموعه انیمه در تاریخ انیمیشن سازی ژاپن است. انیمه ها بیشتر شخصیت محور بودند و برای تلویزیون تولید می شدند.

و اما در همان دوره کمپانی «جیبلی» به مدیریت هایتو میازاکی سبک انیمه را رد کرد. میازاکی تفاوتی را میان انیمه با دیگر سبک های انیمیشن قائل است و انیمیشن های خود را انیمه نمی داند.

یکی از ایرادهای انیمه این است که محدودیت در حرکت، ریتم تصویر را کند می کند. با همه این اوصاف مجموعه های انیمه بسیار پرطرفدار هستند. از انیمه های مشهور ژاپنی که از تلویزیون ایران پخش شده می توان به «فوتبالیست ها» اشاره کرد.

### ۱۰ انیمیشن (انیمه) برتر

امروزه نسل جدید علاقه مندان انیمیشن با شخصیت ها و مجموعه های ژاپنی مانند «پوکمون»، «دیجی مومن» و «دورامون» آشنایی دارند. آثار کارگردان هایی مانند هایتو میازاکی که از مشهورترین کارگردان های انیمیشن در جهان است و اسکاری هم در خانه برای انیمیشن «شهر اشباح» دارد و فیلمسازانی چون ساتوشی کن و مامورو اوشی با جدیت غیرقابل وصفی نقد و بررسی می شوند و این در حالی اتفاق افتاده است که شاید ۱۰ سال پیش چنین نگاه کارشناسانه ای

پیش از این در بخش نخست این مقاله با تاریخچه انیمیشن در ژاپن آشنا شدیم اما در ادامه با این مطلب مواجه می شویم که ژاپنی ها یک مدل انیمیشن می سازند که در میان متخصصان به «انیمه» anime شهرت دارد. این کلمه از واژه «انیمیشن» مشتق می شود. در حقیقت آنچه انیمه را از دیگر سبک ها متمایز می کند، کمبود تغییرپذیری شخصیت ها و بهره گیری از حرکات کمتر و مضامینی است که بر می گزیند.

### کمپانی موشی پروداکشنز و انقلابی در انیمیشن سازی و تولد نخستین انیمه

در کشورهای غربی «انیمه» به معنای هر انیمیشنی محصول کشور ژاپن است. برای ژاپنی ها نیز بی توجه به سبک ساختن انیمیشن، «انیمه» همان انیمیشن ژاپنی است، اما متخصصان و کارشناسان صنعت انیمیشن سازی ژاپن نظیر هایتو میازاکی «انیمه» را یک سبک انیمیشن با حرکت محدود می دانند که به واسطه کمپانی های ژاپنی شهرت پیدا کرد.

همانطور که در بخش نخست هم خواندید پدر مانگا «اوسامو تزوکا» (مدیر کمپانی موشی) برای پایین آوردن هزینه از تکنیک های محدودیت حرکت استفاده کرد، در حالی که سرعت در تولید را بالا برد. کمپانی موشی پروداکشنز که نخستین بار انقلابی در صنعت انیمیشن کشور ژاپن به پا کرد، «مانگا» (کتاب های مصور ژاپنی) را دستمایه انیمه قرار داد. یکی از سبک هایی که موشی پروداکشنز و مشخصا تزوکا ابداع کرد انیمیشن های «مانگای متحرک» بود که در راستای هدف محدودیت در حرکت است. کمپانی با استفاده از دو فاکتور دست یابی به تلویزیون ژاپن و کتاب های مصور «پسر فضایی» نخستین «انیمه» در ژاپن را تولید کرد: «پسر فضایی/astro boy»



مشهور تبدیل می شوند.

## ۲- جن پابرهنه (موری ماساکی، ۱۹۸۳)

جن پابرهنه بر اساس کتاب مصور و نیمه زندگینامه ای به قلم کیچی ناکازاوا تولید شد. این کتاب ها در سال ۱۹۷۳ به چاپ رسیدند. داستان درباره بمب های اتمی است که آمریکا بر سر هیروشوما ریخت و از نگاه یک پسر ۶ ساله از خود راضی به نام جن ناکائوکا روایت می شود. قسمت دوم این انیمیشن سه سال بعد تولید شد.

برای انیمیشن های ژاپنی غیرقابل تصور بود. در این میان هالیوود هم نقش خود را در عامه پسند کردن و محبوبیت انیمه بازی کرده است به عنوان مثال تارانتینو در قسمت اول بیل را بکش (۲۰۰۳) به انیمه ادای احترام کرده یا با انیماتوریکس (۲۰۰۳) و سه گانه ماتریکس به این سبک انیمیشن ادای احترام می شود. موسسه فیلم بریتانیا پس از ساختن «باد می وزد» به کارگردانی میازاکی در مقاله ای ۱۰ انیمه برتر را انتخاب کرده است. نکته جالب اینجاست که یکی از فیلم های میازاکی در میان این فهرست قرار دارد؛ در حالی که او کارهای خود را به معنای دقیق کلمه انیمه نمی داند.

## ۱- شاهزاده کوچک نوره (ایسائو تاکاهاتا، ۱۹۶۸)

هایاتو میازاکی و ایسائو تاکاهاتا دو کارگردان و بنیانگذار استودیو جیبلی در سال های ۱۹۶۰ در کمپانی انیمیشن «تویی» کار می کردند که با هم آشنا شدند.



کمپانی تویی در سال ۱۹۵۶ تاسیس شد و در نخستین سال های تولید انیمیشن در ژاپن تاثیر به سزایی داشت. «شاهزاده کوچک نوره» از محصولات کمپانی تویی است و میازاکی و تاکاهاتا به عنوان انیماتورهای اصلی این انیمیشن بودند. در «شاهزاده کوچک نوره» سبک انیمیشن های استودیو جیبلی که بعدها توسط میازاکی و تاکاهاتا تاسیس شد، قابل مشاهده است. داستان درباره شاهزاده کوچک و خرس سخنگو و وردستش است که می خواهند روستای آبا و اجدادی خود را از دست نیروهای جادوگر شیطان صفتی به نام گرانوالد نجات بدهند. در مسیر رفتن به روستا شاهزاده با بوران برف، موش ها، ارتش دشمن که گرگ هستند روبه رو می شود تا آنکه نیروهای خود را از میان روستاییان جمع می کند و علیه جادوگر می جنگد.

تاکاهاتا در این انیمیشن به هدف خود در خلق داستانی دراماتیک تر، انیمیشنی پرشکوه تر و سینمایی تر نسبت به آثار همکارانش در کمپانی تویی دست پیدا می کند.

میازاکی و تاکاهاتا سال ۱۹۷۱ از کمپانی تویی استعفا می دهند و پس از آن در شرکت های مختلفی که انیمیشن های تلویزیونی تولید می کنند مشغول کار می شوند و ۱۰ سال بعد در عرصه جهانی به نامی

## ۳- ناولسیکا از دره باد (هایائو میازاکی، ۱۹۸۴)

میازاکی در پروژه هایی که انیماتور بود چندین سال روی جنبه های طراحی کار کرد او دیر به صرافت



کارگردانی افتاد و نخستین بار برای مجموعه انیمیشنی شبکه ان اچ کی به نام پسر آینده کونان (۱۹۷۸) این مسئولیت را پذیرفت. نخستین انیمیشن بلند او که رنگ پرده را دید «لوین سوم: قلعه کاکلیوسترو» (۱۹۷۹) نام داشت. نقطه عطف کارنامه میازاکی با اقتباس از کتاب های مانگای خودش در «ناولسیکا از دره باد» شکل گرفت. داستان در دنیایی روایت می شود که یک جنگ اتمی در صدها سال پیش آنجا را نابود کرده است.

این انیمیشن نام میازاکی را مطرح کرد و موفقیت این اثر سبب شد او برای تولید انیمیشن بعدی یعنی «لاپوتا: قلعه در آسمان» (۱۹۸۶) استودیو جیبلی را تاسیس کند. این انیمیشن بسیاری از موتیف های آشنای مشترک آثار میازاکی را دارد؛ توجه به محیط زیست، آمیختن فن آوری های قرون وسطایی و آینده نگارانه، تم قدرت رهایی بخش حرکت در آسمان و حضور دختری نوجوان در قلب درام. معمولاً شخصیت دختر نوجوان «قلاب» بیشتر فیلمنامه های این استاد مسلم انیمیشن سازی است. شخصیت ناولسیکا را می توان الگوی اولیه دیگر انیمیشن میازاکی «شاهزاده خانم مونونوکه» دانست.

## ۴- آکیرا (کاتسوهیرو اوتومه، ۱۹۸۸)

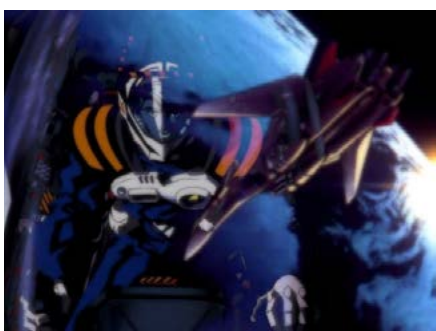
کاتسوهیرو «آکیرا» را برگرفته از مجموعه مانگای ۲ هزار صفحه ای خود اقتباس کرد. این کتاب های مصور از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ منتشر می

شدند. داستان در یک دنیای آینده و آلترناتیو می گذرد. داستان ۳۱ سال پس از پایان جنگ جهانی دوم اتفاق می افتد که با یک انفجار اتمی در سال ۱۹۸۸ به پایان رسید و پایتخت را نابود کرد، اما توکیو دوباره نوسازی می شود و شهر شاهد روزهای بهتری نیست. افسران ارتش با سیاستمداران همنا هستند، خیابان های پر از بی خانمان است، گروه های تروریستی و گنگسترهای دوچرخه سوار در شهر بیداد می کنند. یکی از اعضای گنگستر نوجوانی به نام ترئو است که توان روحی و روانی او سبب می شود که صاحبان قدرت نگاه ویژه ای به او داشته باشند.

«آکیرا» به دلیل خط روایی پیچیده و جلوه های پویای بصری و ته مایه سیاسی درباره نسل جدیدی که نقش کلیدی در نابودی توکیو و نوسازی این شهر بازی می کنند تمام فرضیه های مدیوم انیمیشن سازی دستی را به چالش می کشد. «آکیرا» را می توان تاثیرگذارترین فیلم دوره خود دانست.

## ۵- مارکوس پلاس: فیلم (شوجی کاواموری و شبنیچیرو واتانابه، ۱۹۹۵)

مارکوس نمونه کاملی از زیر ژانر علمی تخیلی است.



در این انیمیشن روبات ها با یکدیگر نبرد می کنند و روبات ها به جت های جنگنده مافوق صوت تغییر شکل می دهند. روبات ها توسط امواج مغزی خلبان های انسان نمای خود کنترل می شوند.

## ۶- آبی کامل (ساتوشی کن، ۱۹۹۸)

داستان درباره دختری به نام میما کیریجو است. وقتی میما کیریجو گروه پاپ دخترانه ای به نام «چام!» را ترک می کند تا بازیگر بشود بسیاری از هواداران خود را ناراضی می کند. او یک الگوی رسانه ای است که از خوانندگی به بازیگر تلویزیونی



او توانسته در داستان هایش تعادلی میان هوش مصنوعی و دست یابی به این دنیا ایجاد کند. «جنگ های تابستان» نمونه کامل چنین ویژگی است و پیرنگی دارد که به دنیای مجازی و واقعی می پردازد. مامورو هوسودا برای استودیو جیبلی

شود. در حقیقت این انیمیشن تعریف دوباره ای از زندگی در عصر الکترونیک ارایه می دهد.

**۹- تکنیکنیکریت (مایکل آریاس، ۲۰۰۶)**  
تکونیکنیکریت/ Tekkonkinkreet برگرفته از کتاب



نیز انیمیشن «چطور قلعه را حرکت بدهیم» را ساخت.

**۱۰ انیمه برتر از نگاه مردم**

در پایان مقاله، ۱۰ انیمه برتر به رای مردم را معرفی می کنیم که موسسه فیلم بریتانیا در فراخوانی در پایان مقاله «۱۰ انیمه برتر» نظر آنها را خواستار شده است.

مدفن کرم های شبتاب (۱۹۸۸)، بازی ذهن (ماساکی یوآسا، ۲۰۰۴)، تخم فرشته (مامورو اوشی، ۱۹۸۵)، شاهزاده خانم مونونوکه (هایائو میازاکی، ۱۹۹۷)، بازیگر هزاره (ساتوشی کن، ۲۰۰۱)، پدرخوانده های توکیو (ساتوشی کن و شوگو فوریو، ۲۰۰۳)، جین-راک (هیرویوکی اوکیورا، ۱۹۹۹)، بلادونای غم و اندوه (ایچی ماموتو، ۱۹۷۳)، شب کهکشان ریل قطار (جیساورو سوچی، ۱۹۸۵)



تبدیل می شود. تردیدهای میما شروع می شود. جسدهایی را اطراف خود می بیند و خصوص ترین افکارش را در وب سایتی به نام اتان می خواند. اما مسئول این وضعیت کیست؟

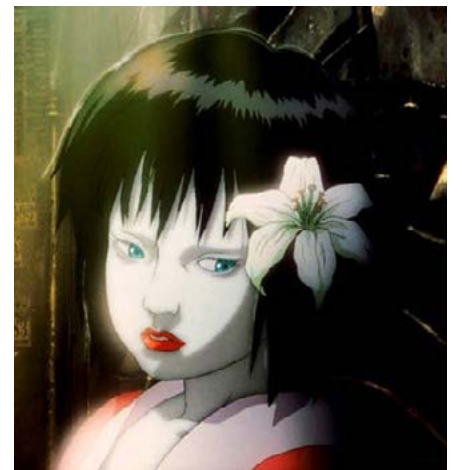
این انیمیشن ترسناک و روانشناسانه نخستین فیلم ساتوشی کن است. این اثر یک تریلر روانشناسانه است و از مضمون متداول انیمیشن ها فاصله و سبک بصری خاصی دارد. همانگونه که کارگردان مشهور آمریکایی راجر کورمن درباره آبی کامل می گوید: «اگر آلفرد هیچکاک با والت دیزنی همکاری می کرد نتیجه اش چنین فیلمی می شد هر چند استاد دلهره هرگز تا این حد خشن نبود.» ساتوشی کن تا مرگش در سال ۲۰۱۰ به دلیل ابتلا به سرطان لوزالمعده، به رویکرد مشابه و خود به انیمه ادامه داد.

**۷- متروپلیس (ریتارو، ۲۰۰۱)**

اوسامو تزوکا تاثیر شگرفی بر فرهنگ ژاپن - چه در کتاب های مصور و چه حضور پررنگ در دنیای انیمیشن - گذاشت. مانگای «متروپلیس» تزوکا که در سال ۱۹۴۷ به چاپ رساند به طور روشن متأثر از فیلم کلاسیک فریتز لانگ «متروپلیس» نبود اما تزوکا تصاویری از اثر فریتز لانگ را که در دوران کودکی در مجلات سینمایی دیده بود در کتاب های مصور خود بازآفرینی کرد. به هر حال این اتویپای شهری که تزوکا در مانگای خود تصویر کرد دستمایه فیلم انیمیشن ریتارو قرار گرفت. پنج سال طول کشید تا «متروپلیس» ساخته شود و ۱۵ میلیون دلار هزینه تولید آن بود.

**۸- روح در صدف ۲: معصومیت (اوشی مامورو، ۲۰۰۴)**

نخستین فیلم اوشی مامورو که برگرفته از مجموعه



کتاب های مصور «روح در صدف» نوشته شیرو ماسامون و شخصیت های بخش تروریست ضد سایبری «بخش ۹» در داستان ساخته شد سر و صدای زیادی در عرصه بین المللی به پا کرد. داستان این فیلم درباره یک ویروس کامپیوتری است که هوش خود را دارد و در دنیایی به سر می برد که ساکنانش هابرید هستند و معامله های اقتصادی و سیاسی از طریق شبکه های الکترونیکی انجام می

مصوری از تایو ماتسوموتو است که یک فیلمساز آمریکایی مایکل آریاس آن را ساخت. داستان در دنیای آینده می گذرد و درباره زندگی دو پسر کوچک یتیم است. آنها روزها برای زنده ماندن در خیابان ها تلاش می کنند و زندگی برای شان سخت می شود. آنها باید با کمک ا قدرت های ابرقهرمانانه بجنگند و شهری را نجات بدهند. تمام عوامل این انیمیشن ژاپنی هستند جز کارگردان.

**۱۰- جنگ های تابستان (مامورو هوسودا، ۲۰۰۹)**

مامورو هوسودا ظرف ۱۰ سال گذشته با ساخت انیمیشن هایی مانند دختری که در زمان حرکت می کند (۲۰۰۶) و توله گرگ ها (۲۰۱۲) مورد توجه منتقدان قرار گرفت.

## مروری بر سینمای ترکیه

## سینمای ۱۰۰ ساله ترکیه در یک نما/فیلم‌های مستقل و هنری می‌درخشند



تاریخ کشور ترکیه پر بار و آکنده از داستان‌های شنیدنی است و عناصر نامتجانسی که بر تارک تاریخ کشور ترکیه نقش بسته بر سینمای این کشور نیز تاثیر گذاشته است.

مسیری که سینمای ترکیه پیموده منفک از تاریخچه جمهوری ترکیه نیست. این مسیر با سیاست، تغییرات اجتماعی، خرافات، ترس‌ها، از دست دادن کشور به دلیل مهاجرت‌ها در هم تنیده شده است و از آنجا که در بزنگاه‌های تاریخی همیشه هنر ملهم از واقعیت بوده سینمای ترکیه هم همین مسیر را رفته است. نخستین فیلمی که در ترکیه به نمایش درآمد در سال ۱۸۹۶ بود. در سال‌های ۱۹۲۰ دو کمپانی سکان سینمای ترکیه را بر عهده داشتند و فیلم‌ها وارداتی بودند. در سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ کارگردان تئاتر موشین ارطغرل دست خالی هویت سینمای ملی ترکیه را ساخت. او در سال‌های ابتدایی ۱۹۵۰، Yesilcam را بنیان گذاشت. این اصطلاحی است که برای سینمای ترکیه به کار می‌بردند در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ سینمای ترکیه رونق گرفت و سالانه بیش از ۳۰۰ فیلم در این کشور تولید می‌شد. در سال‌های ۱۹۸۰ این رقم کاهش پیدا کرد. سال‌های ۱۹۹۰ دوران سختی سینمای ترکیه بود اما در سال‌های ۲۰۰۰ سینمای مستقل ترکیه با تولید فیلم‌های بیشتری رونق پیدا کرد.

بازیگران و فیلمسازان جدید بودند بنابراین در این سال‌ها گرایش‌هایی جذاب و نویی در سینمای ترکیه به وجود آمد که این روند تا مدت‌ها ادامه داشت.

مانند هالیوود که شخصیت‌های ادبی و نویسندگان گاهی وارد حیطه فیلمنامه‌نویسی می‌شدند در سینمای ترکیه نیز این گرایش پدید آمد و نمایشنامه‌نویسان مشهوری مانند هلدون تانر به سینما گرویدند. در سال‌های ۱۹۵۰ خوانندگان مشهور نیز به بازیگری روی آوردند و خوانندگانی مانند زکی مورن در فیلم‌های متعددی نقش آفرینی کردند.

در همین سال‌ها کم‌کم ستارگان ترکی متولد و اکرم بورا، بیولماز گونی، گوکسل آرسوی وارد صنعت سینمای ترکیه شدند. در این سال‌ها ستارگان زن نیز خوش درخشیدند که ترکان سورای، گونول یازار از جمله آنها بودند.

پیشگام کارگردانی و بازیگری در تئاتر ترکیه بود و سپس به سینما ملحق شد. موشین در سال‌های ۱۹۲۰ به سینمای ترکیه پیوست و سالیان طولانی پیشگام سینما بود. کارنامه کاری او طیف گسترده‌ای از ژانرها را دارد از کمدی گرفته تا درام. او رمان‌ها را به فیلم تبدیل می‌کرد و بخاطر آثار ارطغرل بود که مردم ترکیه به سینما رفتن خو گرفتند.

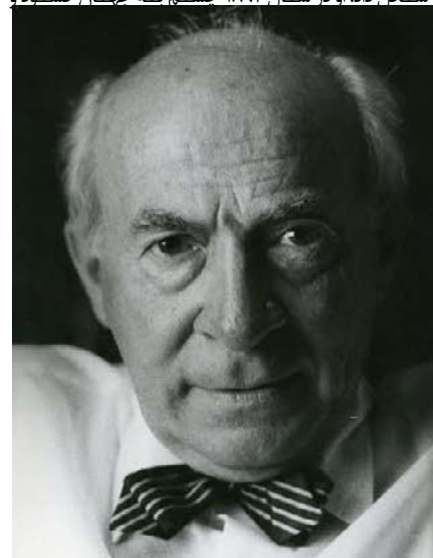
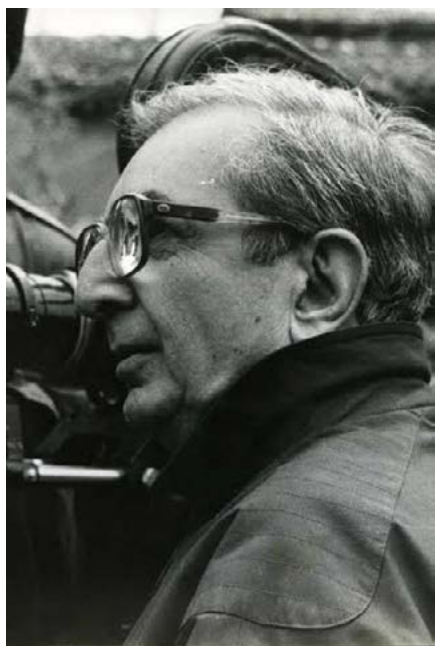
سلطه ارطغرل بر سینمای ترکیه در سال‌های میانی ۱۹۴۰ با ورود فیلمسازان جوانی که پیشینه تئاتری نداشتند از بین رفت. در سال ۱۹۴۳ تنها یک فیلم در ترکیه ساخته شد که کارگردانش ارطغرل بود اما در سال ۱۹۴۷ این رقم به ۱۲ فیلم رسید. فیلمسازانی مانند سادان کامیل و فرخ کنج به سینمای ترکیه تنوع آوردند. تشکیل انجمن تهیه‌کنندگان سینما به تهیه‌کنندگان فرصت همکاری‌های مشترک داد. نخستین جشنواره سینمایی ترکیه در سال ۱۹۴۸ راه اندازی شد تا به تبلیغ سینمای ترکیه بپردازد. در این سال‌ها برای رونق سینمای ترکیه گام‌های مثبتی برداشتند.

## شکوفایی سینمای ترکیه از سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰

با افزایش تولیدات سینمای ترکیه مخاطب سینما نیز بیشتر شد و کمپانی‌های جدید تولید فیلم تاسیس شدند. در این سال‌ها فیلم‌های مهمی در تاریخ سینمای ترکیه به تولید رسیدند که سبک‌های مختلف و متمایزی داشتند.

فیلم‌هایی مانند «کانون نامینا» ساخته لطفی آکاد، زبان سینمایی جدیدی را در ترکیه به وجود آورد و از فیلم‌های ایستای دهه‌های گذشته فاصله گرفت. در سال‌های ۱۹۵۰ عاطف بیلماز وارد عرصه فیلمسازی شد که نام کلیدی در تاریخ سینمای ترکیه است. بیلماز صدها فیلم ساخت؛ از ملودرام‌های سنگین گرفته تا فیلم‌های شخصی‌تر. او یکی از چهره‌های مطرح سینمای ترکیه است.

در این سال‌ها تهیه‌کنندگان دنبال فیلمنامه‌های نو،



## نخستین فیلم تاریخ سینمای ترکیه

منابع رسمی اعلام کردند که نخستین فیلم تاریخ سینمای ترکیه مستند «تابودی بنای یادبود روسیه در سن استفانو» در سال ۱۹۱۴ است. نخستین فیلم ناطق ترکیه «زدواج همت آقا» محصول ۱۹۱۶ است. در این دوران کمپانی ایک فیلم و کمال فیلم بیشتر فیلم‌ها را تهیه می‌کردند. این دو کمپانی آرام آرام صنعت سینمای ترکیه را گسترش دادند.

## پدر سینمای ترکیه

در صنعت سینمای ترکیه موشین ارطغرل را به عنوان کسی می‌شناسند که به صنعت سینمای ترکیه سر و شکل داد. او در سال ۱۸۹۲ چشم به جهان گشود و



دهه ۱۹۶۰ با کودتا در ترکیه آغاز شد، اما این تغییرات سیاسی تأثیری بر سینما نگذاشت. بیش از ۵۰ کارگردان در این سال ها فیلم می ساختند. کونیت آرکین به عنوان یک سوپر استار برای اولین بار مقابل دوربین قرار گرفت و نام های شناخته شده به فعالیت ادامه دادند. سال های ۱۹۶۰ دوران تولید فیلم های «بزن برو» ای است. فیلم هایی که ظرف سه روز به تولید می رسیدند. تهیه کنندگان دنبال متن های عامه پسند بودند که بتوان از آنها اقتباس کرد. فوتو رمان ها و کتاب های مصور دستمایه فیلم ها شدند. فیلم های ابرقهرمانی در سینمای ترکیه به تولید رسیدند. اقتباس های ترکی از کتاب های مصوری مانند فلش گوردن، فانتوما و سوپرمن به نمایش عمومی درآمدند که اقتباس های ارزانی بودند.

در سال های ۱۹۷۰ هر سال به طور میانگین ۲۵۰ فیلم تولید می شد. این میزان فیلم را ۵۰ فیلمساز می ساختند. بعضی از آن فیلم ها مدل «بزن برو» ای بود. در این دوران ژانر «Arabsek» در سینمای ترکیه به وجود آمد. سینمای ترکیه در عرصه بین المللی شهرت چندانی نداشت. اما در سال های ۱۹۶۰ اتوبوس ساخته تونک اوکان در جشنواره های متعددی به نمایش در آمد و Arkadas ادوست (پیولماز گونی) مدل جدیدی از درام های اجتماعی را به سینمای ترکیه معرفی کرد. با پایان دهه ۷۰ سینمای ترکیه چندین فیلم معتبر تولید کرده بود که در تاریخ سینمای ترکیه ماندگار شدند. فیلم هایی مانند هاکاری ساخته بیر مویسم که جوایز متعددی برد.

در سال های میانی ۱۹۷۰ کمدهای های سخیف رونق ویژه ای پیدا کرد و دوران سختی برای عده ای از فیلمسازان رقم زد.

### از ممیزی تا تولیدات ارزان در سال های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰

سال های ۱۹۸۰ دهه تلخی برای سینمای ترکیه است. دومین کودتای سیاسی و نوارهای ویدیویی تأثیر منفی بر سینمای ترکیه گذاشتند. در این سال ها تماشاگر فیلم های ترکی کم شد. این سختی برای بازیگران زن و مرد ترکیه هم بود. سیستم ستاره سازی که در سال های ۱۹۴۰ در ترکیه به راه افتاد رفته رفته از بین رفت. در این دهه چندین جشنواره سینمایی به راه افتاد که مخاطب خاص داشت. آنها دنبال کشف استعداد های نو بودند. با راه افتادن شبکه های خصوصی تلویزیون و فناوری فیلم های ویدیویی U کارگردان های ترک رو به تولیدات ارزان آوردند. مخاطب این فیلم ها کارگران ترک مهاجر در کشور آلمان بودند که می خواستند یاد و خاطره وطن را حفظ کنند. تولید فیلم های ترکی به شدت کاهش پیدا کرد و این روند تا سال های ۲۰۰۰ به همین منوال ادامه داشت.

فیلمسازی مانند عاطف ییلماز به ساختن فیلم هایی با مضامین جذاب ادامه دادند. فیلم های ییلماز در این دوران به زنان در جامعه ترکیه می پرداخت. در سال های ۱۹۸۰ ممیزی نقش کلیدی در سینما ایفا کرد. تا سال های ابتدایی ۱۹۹۰ همین روند بود و مشکلاتی را ایجاد می کرد. نمایش فیلم «جاده» ساخته ییلماز گونی که به موضوع زندانیان کردی می پرداخت که به خانه بر می گردند تا مدت ها (سال ۱۹۹۹) در ترکیه ممنوع بود در حالیکه «جاده» از جشنواره فیلم کن برنده نخل طلا در سال ۱۹۸۲ شده بود.

### احیای سینمای ترکیه

در سال های میانی ۱۹۹۰ سازمان اروپایی «اروپین فیلم فاند یورو ایمپجز» به فیلمسازان جوان کمک کرد. این

سال ها شروع تغییراتی است که از سال ۲۰۰۰ به آن سو تأثیرش را بر سینمای ترکیه نشان می دهد. فیلم هایی مانند «راهزن» ساخته یاوز ترگل و محصول ۱۹۹۶ و «ویزوتل» ساخته ییلماز اردوغان محصول ۲۰۰۱ نشان از علاقه تماشاگران ترک به تولیدات محلی دارد.

در حالی که فیلمسازی مانند نوری بیلگه جیلان، زکی دمیر کوبوز، درویش زعیم به شکل گیری سینمای هنری ترکیه در این سال ها کمک کردند سمیح کاپان اوغلو یکی دیگر از چهره های مطرح سینمای هنری ترکیه است و بسیم اوستان اوغلو و رها اردم دو چهره مطرح دیگر فیلم های هنری این روزهای ترکیه هستند که نمی توان تأثیر آنها را بر صنعت سینمای این کشور نادیده گرفت.

در همین سال ها استانداردهای تکنیکی فیلم های عامه پسند ترکیه بهتر شد و می توان گفت حماسه های تاریخی مانند «فتح ۱۴۵۳» و مجموعه «دره گرگ ها» به لحاظ تکنیکی کم از آثار هالیوودی ندارند.

در این سال ها سینمای مستقل ترکیه با تولید فیلم های بداهه پردازانه مانند «مردان روی پل» Koprudekiler و درام های کم هزینه مانند «بی عیب و نقص ها» ساخته رامین متین نشان داد می شود با بودجه ناچیز فیلم های جذاب ساخت.

فیلم های کم هزینه سینمای ترکیه از سینمای جریان اصلی کاملاً متمایز است. دو سال پیش نوری بیلگه جیلان برای «خواب زمستانی» نخل طلا کن را برد و «عسل» ساخته سمیح کاپان اوغلو برنده خرس طلائی جشنواره برلین شد.

در حال حاضر سینمای مستقل ترکیه به مراتب شهرت بیشتری از سینمای جریان روز آن کشور دارد. هر ساله جشنواره های متعددی در ترکیه برگزار می شود که جشنواره فیلم استانبول معتبرترین جشنواره سینمایی این کشور است.

مروری بر سینمای ترکیه

# سریال سازی؛ ابزار در آمدزایی و صادرات فرهنگ در دستان ترکیه



سال ۲۰۰۴ کشور ترکیه تنها ۱۰ میلیون دلار از سریال سازی و صادرات آن به کشورهای دیگر سود می برد ولی این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۲۰۰ میلیون دلار رسید و در حال حاضر محمت بایوککسی رئیس مجمع صادرکنندگان ترکیه می گوید ترکیه به بیش از ۷۵ کشور مجموعه های تلویزیونی می فروشد که حجم این صادرات امسال یعنی سال ۲۰۱۶ بیش از ۳۵۰ میلیون دلار خواهد شد.

بایوککسی می گوید: «سینما و تلویزیون اهمیت حیاتی برای ترکیه دارد و به یک قدرت موثر برای فرهنگ کشورهای منطقه و همسایه تبدیل شده است.» دو سال پیش و در سال ۲۰۱۴ بود که مجمع صادرکنندگان ترکیه با شعار «ترکیه: کشف توانایی» به تبلیغ کشور ترکیه در دنیا پرداخت. محمت بایوککسی می گوید: «ما این شعار را انتخاب کردیم تا به دنیا بگوییم توانایی های ترکیه را کشف کنند. بخش سینمای ترکیه با ۱۰۰ سال قدمت توانایی زیادی دارد و می تواند در بازار جهانی به رقابت بپردازد. این رقابت می تواند در بخش های مختلف باشد از فیلمنامه نویسان گرفته تا بخش بازیگران.»

## پخش سالانه ۵۲۰۰ ساعت سریال

به گزارش میدل ایستای، هر مجموعه تلویزیونی ترکیه دست کم شامل ۴۰ اپیزود می شود که هر اپیزود ۱۳۰

دقیقه است و معمولاً سالانه ۵۲۰۰ ساعت از برنامه های تلویزیونی های محلی را به خود اختصاص می دهد. این مجموعه ها با بودجه متوسط ۶۰۰ هزار لیر (۲۰۰ هزار دلار) برای هر اپیزود تهیه می شوند که بیشتر این هزینه صرف طراحی لباس و صحنه، تجهیزات فنی و بازیگران می شود. به گفته بسیاری از دست اندرکاران صنعت سینما و تلویزیون که به طور حرفه ای مشغول کار هستند، هزینه تولید و طراحی صحنه و لباس می تواند چنان بالا باشد که اغلب به زبان کارگران صحنه شود.

مریج دمیرای از سال ۲۰۰۰ به این سو بیش از هزاران صفحه برای مجموعه های ترکی فیلمنامه نوشته است. از جمله آثار او جدیدترین اپیزودهای **Arka Sokaklar** «خیابان های پستی» است. «خیابان های پستی» یک مجموعه جنایی و طولانی است که به طور مداوم ۹ سال است از شبکه ها پخش می شود. دمیرای می گوید: «به عنوان فیلمنامه نویس تا ۱۰ سال پیش همه چیز شگفت انگیز بود. سپس هر هفته ۶۰ دقیقه برای هر اپیزود باید می نوشتم. امروزه ۱۳۰ دقیقه باید بنویسم. کار نگارش به یک فرآیند مکانیکی و نه چندان دلچسب تبدیل شده که فقط بحث ادامه ملودرام مطرح است.»

یکی از جدیدترین مجموعه های ترکی که در حال تولید است، **(Poyraz Karayel)** «برای پسر» نام دارد. «برای پسر» داستان مافیایی را با خرده پی رنگ های عاشقانه روایت می کند و از زمره ۶۰ مجموعه تلویزیونی

است که به طور سالانه در ترکیه تولید می شود. یکی از بازیگران سریال «برای پسر» کانیولات گورکم ارسلان که نقش دست راست پدرخوانده را دارد، می گوید: «در مقایسه با نقش آفرینی ها در تئاتر و سینما نباید انتظار بازی های عمیق در مجموعه ها را داشت. منحنی احساسی شخصیت از ابتدا تا انتها به تصویر در نمی آید. هر لحظه امکان دارد شخصیت با توجه به بازخورد تماشاگران تغییر کند.»

کاجری ویلا لاستوالی ۱۰ سال است که در سینما و تلویزیون ترکیه فعالیت می کند و چهار سال است که مجموعه تلویزیونی می سازد. او می گوید: «برای تحویل دادن یک اپیزود در هفته، گروه تولید باید ۱۸ ساعت در شبانه روز کار کند. این حرفه همه زندگی ما را گرفته است.»

مریج می گوید: «افزایش زمان اپیزودها و میزان ساعت کار مداوم در شبانه روز، همه و همه باعث شده که این صنعت آدم های حرفه ای خود را از دست بدهد چراکه تحت این شرایط حاضر به کار در مجموعه ها نیستند.» برای به دست آوردن تناسب زمان کاری در سینما و مجموعه های تلویزیونی باید گفت که نوشتن یک فیلمنامه سینمایی ممکن است ۲ سال طول بکشد و برای فیلمبرداری یک فیلم نود دقیقه ای حداقل ۷ هفته وقت لازم است.

به هر حال وضع بازار و رونق مجموعه های تلویزیونی ترکیه حکایت خود را دارد. ظرف چند سال گذشته مجموعه های تلویزیونی بیشتر برنامه های شبکه های

مختلف و محلی ترکیه را به خود اختصاص داده اند و شبکه هایی که بی میل به تولید سریال بودند در این رقابت دست به مجموعه سازی زدند. در کنداکتور ۶ شبکه مهم تلویزیونی ترکیه در بهترین ساعت ها ۶۵-۶۰ درصد مجموعه تلویزیونی پخش می شود.

## ادامه سبک موضوعی فیلم های ترکیه در سریال هایشان

این یک پدیده در فرهنگ عامه و محصول سنت قدیمی فیلم های ملودرام ترکیه که در سال های گذشته در سینما نمایش داده می شد است که حالا برای قلاب کوچک تلویزیون تولید می شود. خیابان یشیلکام در قلب شهر استانبول محل بیشتر کمپانی های فیلمسازی، کارگردان ها و بازیگران از سال های ۱۹۵۰-۱۹۷۰ به این سو بوده است. در آن دوران صنعت سینمای ترکیه سالانه ۳۰۰ فیلم تولید می کرد. این فیلم ها شامل ملودرام، درام، کمدی رومانتیک، گانگستری و رومانس تاریخی می شد. در واقع همه نوع ژانری را در بر می گرفت؛ این فیلم ها زبان سینمایی داشتند که با گذر زمان پیشرفت کردند. هسته سریال های ترکی را همان ملودرام ها و ژانرهای سینمایی ترکیه تشکیل می دهد.

سریال های ترکی در مقایسه با درام های انگلیسی زبان تلویزیون به مراتب کندتر هستند و عواطف و احساسات اغراق شده و سکانس ها کشدار دارند. در یک صحنه از سریال SON «پایان» شخصیت اصلی چهار دقیقه گریه می کند. این نما برای نمایش مجموعه در تلویزیون سوئد به ۳۰ ثانیه تبدیل شد. مدیرعامل «کرم کاتای» یکی از کمپانی های مشهور و معروف تولید سریال در ترکیه می گوید: «بعضی از سریال های ۱۰ سال گذشته نه تنها در ترکیه بلکه در خارج به شدت مشهور شدند.» کشورهای

خاورمیانه، جنوب آسیا، کشورهای حوزه بالکان و روسیه از واردکنندگان اصلی مجموعه های ترکیه هستند. اخیرا کشورهای غرب اروپا نیز مجموعه های تاریخی ترکیه را خریداری می کنند.

مدتی است که در خاورمیانه به دلیل تحولات سیاسی و تنش ها بازار مجموعه های ترکی چهار رکود شده است، اما در نقطه دیگری در جهان مجموعه های ترکی بازار جدیدی پیدا کردند. در کشورهای آمریکای جنوبی بسیاری از مجموعه های مشهور ترکیه به نمایش درمی آیند؛ زمانی که مساله عشق و انتقام و خانواده باشد دیگر مرز جغرافیایی معنایی ندارد.

علی لسکی که در شبکه استار تی.وی ترکیه کارگردان تلویزیونی است، می گوید: «فروختن مجموعه های کمدی به خارجی ها سخت تر است، شوخی مساله ای است که به فرهنگ جامعه برمی گردد در حالی که درام ها مضمون جهانی تری دارند و به عواطف انسانی پهلو می زنند.»

سکینه ۲۹ ساله در ایستگاه مترو عثمان بی فروشگاه لوازم آرایش دارد. او با خانواده در منطقه سنتی شهر استانبول زندگی می کند. او می گوید: «من مجموعه Paramparca «تکه های شکسته» را دوست دارم. درامی درباره دو پچه است که در بدو تولد جابه جا می شوند و در محیط اجتماعی کاملا متفاوتی بزرگ می شوند.»

مجموعه «تکه های شکسته» (در ایران به نام گوزل مشهور است) ۱۸ درصد از سهم بینندگان تلویزیون ترکیه را به خود اختصاص داد. این آمار براساس آخرین نمایش مجموعه در روز ۱۸ ژانویه ۲۰۱۶ است. مقام اول بینندگان را مجموعه Kirgin Cicekler «گل های شکسته» با ۲۲ درصد دارد.

سکینه که یکی از بینندگان مجموعه گوزل است عقیده دارد: «این مجموعه ها می خواهند واقعیت را ایده آل

نشان بدهند که خیلی خوب است.» اولگان یک فروشنده ۲۸ ساله ساکن شهر استانبول عقیده دارد که این مجموعه ها واقعیت ندارند و از کشورشان حرف نمی زنند، اما باعث رویاپردازی مردم می شوند. او می گوید این مجموعه ها را تماشا می کند چون دیدن داستان های عاشقانه او را به وجد می آورد.

## عشق و خیانت طرفدار دارد

یکی از مجموعه های مشهور ترکیه «عشق ممنوع» رکورد بیننده ها را در ترکیه شکست. آخرین قسمت سریال ۵۹ درصد بیننده در سال ۲۰۱۰ داشت. این مجموعه در پاکستان نیز رکورد زد. آخرین قسمت مجموعه در کشور پاکستان بیش از ۹۰ میلیون بیننده داشت. این نخستین مجموعه خارجی در پاکستان بود که چنین تماشاگری داشت. همانطور که فیلم های بالیوود برای مردم هند مفر بزرگی از زندگی روزمره است مجموعه های ترکی مخاطب خانواده های سنتی و مخصوصا زنان بالای ۴۵ سال در کشور ترکیه و خاورمیانه شده است.

از میان ویژگی های صحنه های مجموعه های ترکی می توان به خانه های بزرگ اشاره کرد که شخصیت ها با لباس های شیک -گویی که می خواهند به مهمانی شب بروند- در آن نشسته اند.

یکی از جدیدترین مجموعه ها Kaderimin Yazıldığı Gun «روزی که سرنوشتم نوشته شد» به مساله رحم اجاره ای اشاره می کند که در ترکیه ممنوع است.

ماه مارس سازمان مذهبی دیانت در ترکیه در مورد مساله رحم اجاره ای بیانیه ای صادر و آن را حرام دانست. علی لسکی که در شبکه استار تی.وی کارگردان است، می گوید: «در قسمت های اول مجموعه ما شخصیت هایی را نشان دادیم که برای این کار به کشور قبرس می روند. بدین ترتیب توانستیم از سانسور فرار کنیم.»



مروری بر سینمای کره جنوبی

فراز و نشیب سینما در کره جنوبی / سانسور و استعمار شکست خوردند



تاریخچه سینمای کره تا حدودی برای خود مردم این شبه جزیره هم قابل دسترسی نیست زیرا تنها سه فیلم از پیش از سال ۱۹۴۶ باقی مانده که آنها هم آثاری است که در دوران جنگ جهانی دوم و اشغال ژاپن و به زبان ژاپنی ساخته شده اند.

برای آشنایی با صنعت سینما در این منطقه ابتدا مختصری از تاریخچه این شبه جزیره را مرور می کنیم. شبه جزیره کره در اواخر قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم توسط امپراتوری کره اداره می شد. این شبه جزیره از سال ۱۹۰۵ به تصرف ژاپن درآمد و پنج سال بعد به طور رسمی بخشی از کشور ژاپن شد. با شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم قسمت شمالی به تصرف شوروی و قسمت جنوبی به تصرف آمریکا درآمد. به این ترتیب کره شمالی صاحب حکومتی متحد با بلوک شرق شد و کره جنوبی صاحب حکومتی طرفدار غرب در حالی که هر دو مدعی حکومت بر کل شبه جزیره بودند این اختلاف در سال ۱۹۵۰ به جنگ «کره» انجامید که در سال ۱۹۵۲ با پیمان آتش بس خاتمه یافت.

آمار فیلم های تولید شده از ۸ عنوان در سال ۱۹۵۴ به ۱۰۸ عدد در سال ۱۹۵۹ رسید. مردم با سالن های سینما آشتی کردند و فیلم هایی مانند Chunhyang-jeon که بازسازی فیلم قدیمی و محصول ۱۹۵۵ بود ۲۰۰ هزار تماشاگر فقط در شهر سئول داشت که یک دهم جمعیت شهر سئول بود. متأسفانه نگاتیوهای این فیلم نابود شده است.

مادام آزادی (۱۹۵۶) دیگر فیلم پرفردار آن روزها و براساس یک رمان جنجالی بود که داستانش در روزنامه های محلی منتشر شد. مردم از این فیلم هم استقبال کردند. در سال های ابتدای ۱۹۶۰ کارگردانان با استعدادی روی کار آمدند. در آن دوران فیلمسازی رونق داشت. سال ۱۹۶۲ با روی کار آمدن دیکتاتور ارتشی پارک چون هی، قانون محدودیت تصویر متحرک تصویب شد که فعالیت کمپانی های فیلمسازی را سخت کرد. این قانون نظارت دولت بر سینما را تقویت می کرد. با آنکه تا آخر سال های ۱۹۶۰ فیلمسازی با همان روند ادامه داشت اما کنترل دولت از جنبه خلاقیت بر کار فیلمسازان اثر خود را گذاشت.

بی شک یکی از فیلمسازان نوآور کره کیم کی-یانگ فقید است. او به خاطر ساختن درام هایی مانند کینز (۱۹۶۰) شهرت دارد. در فیلم «کینز» که داستان کینزی اغواگر است که دل اربابش را می رباید زن نقش قدرتمند و کلیدی دارد. با آنکه آثار کیم سال ها به فراموشی سپرده شده بود اما در سال های ۱۹۹۰ دوباره به فیلم های او توجه شد. یکی دیگر از فیلمسازان مهم این دوران یو هیون-ماک است که با گلوله بی هدف (۱۹۶۱) به شدت مورد توجه قرار گرفت. این فیلم وامدار آثار نئورئالیسم ایتالیایی بود و از ویرانی های جنگ و پیشرفت صنعتی کره می گفت.

شین سنگ-اوک نیز با ساختن فیلم هایی مانند گلی در جهنم (۱۹۵۸) و مهمان خانه و مادرم (۱۹۶۱) اسم و رسمی بهم زد. در سال های پایانی دهه ۱۹۶۰ هیون-ماک به ساختن فیلم رنگی روی آورد. رویا (۱۹۶۷). «رویا» درباره یک راهب بودایی بود. در سال ۱۹۷۸ و پس از ساختن ۸۰ فیلم در کره جنوبی هیون-ماک و همسرش را دزدیدند و به کره شمالی بردند. او هشت سال در سینمای کره شمالی کار کرد و سپس

شدیدتری بر سینما اعمال و همین امر باعث شد فیلم های ملودرام، درام های تاریخی و فیلم های ژاپنی بازار سینمای کره را اشباع کردند.

در سال ۱۹۳۵ نخستین فیلم ناطق کره «Chunhyang-jeon» به کارگردانی لی میونگ-وو ساخته شد. عنوان فیلم برگرفته از یک داستان محبوب و قدیمی است که بارها دستمایه فیلم های کره ای شده است. دستیار لی میونگ-وو، پیشگام صدابرداری سینمای کره آقای لی پیل-وو بود.

در آن دوران فیلمسازان کره ای برای پیدا کردن سرمایه دوران سختی را می گذرانند. فیلم های ناطق کره نسبت به فیلم های صامت این شبه جزیره با نقد و انتقادهای بیشتری روبه رو می شد. دو سال بعد و با موفقیت تجاری «قایق ماهیگیری» (لی گیون-هوان، ۱۹۳۷) موقعیت فیلم ناطق تثبیت شد. وقتی ژاپن به چین حمله کرد فیلمسازان کره ای تحت فشار قرار گرفتند که فیلم هایی در حمایت از ارتش ژاپن بسازند و در نهایت دولت در سال ۱۹۴۲ تولید فیلم های کره ای زبان را ممنوع کرد.

اوضاع سینما در فاصله سال های ۱۹۴۵-۱۹۵۰

از دوران اشغال کره توسط آمریکایی ها و جنگ کره تنها پنج فیلم باقی مانده است. از میان پنج فیلم معروف ترینشان «هورا! آزادی» (چوی اون-گیون) نام دارد که سال ۱۹۴۶ نمایش داده شد. فیلم که در وصف مهین پرستی کره ای ها و اثری ضد ژاپنی است تماشاگر فراوانی داشت.

در دوران جنگ کره بیشتر فیلم ها نابود شدند، کمپانی های فیلمسازی به طور موقت به شهر پوسان کوچ کردند و بیشتر فیلمسازها به ساختن مستندهای جنگی روی آوردند. پس از توافقنامه و روی کار آمدن رییس جمهور «ری سنینگمن» او به امید احیای صنعت سینما، سینما را از مالیات معاف اعلام کرد. کمپانی های خارجی تجهیزات سینمایی را به کره ای ها فروختند و تکنولوژی های جدید را به آنها یاد دادند.

دوران طلایی سینمای کره ۱۹۵۵-۱۹۶۵

نیمه دوم سال های ۱۹۵۰ دوران احیای سینمای کره است.

سال ۱۹۳۰-۱۹۴۵ کره تحت سلطه ژاپن

بیشتر فیلم های دوران صامت و اولیه ای که در کره ساخته شدند در طول زمان و حوادثی که پیش آمد و به ویژه در جنگ کره از بین رفت، اما کتاب ها و گزارش ها اذعان دارند که شبه جزیره کره در این سال ها سینمای پویایی داشته و در اوایل سال های ۱۹۲۰ بیش از ۱۶۰ فیلم در این شبه جزیره تهیه می شد.

از سال ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۰ سالن های سینمایی متعددی در شهرهای سئول و شهرهای دیگری مانند پیون یانگ و پوسان ساخته شد. مالکان این سالن های سینما تاجران ژاپنی بودند. بعضی از ثروتمندان و تاجران کره ای چند سالن سینما ساختند که فیلم های وارداتی اروپایی و آمریکایی نمایش می دادند. نخستین فیلم تاریخ سینمای کره که یک kinodrama (تلفیق سینما و تئاتر) بود با نام «انتقام درست» در سال ۱۹۱۹ تولید و در سالن تئاتر دانسونگسا در شهر سئول به نمایش درآمد. می گویند مردم از دیدن «انتقام درست» لذت بردند و پس از آن فیلم های بسیاری به شیوه kinodrama تهیه و اجرا شد.

نخستین فیلم صامت کره در سال ۱۹۲۳ به تولید رسید. ظرف چند سال بعد هفت کمپانی تهیه فیلم تاسیس شد. شاهکار این دوران فیلم آریرانگ (نا اون-کیو) محصول ۱۹۲۹ است. کارگردان فیلم نا اون-کیو در آن زمان ۲۵ ساله بود. فیلم درباره مردی عقب مانده است که پسر مالک ثروتمندی را می کشد که این مقتول با پلیس ژاپن ارتباط داشته است. عنوان فیلم را از یک ترانه فولکلور برداشتند. «آریرانگ» بخاطر کیفیت زیبایی شناسانه آن و پیام پنهان سیاسی که داشت مورد توجه قرار گرفت. این فیلم به کارگردان های جوان انگیزه داد که به فیلمسازی روی بیاورند و مضمینی درباره مقاومت مردم کره در مقابل ژاپنی ها بسازند.

علی رغم افزایش شهرت و محبوبیت سینمای محلی، دولت استعماری ژاپن و تیغ تیز سانسور مانع رشد سینمای کره می شد. تمام تولیدات داخلی و خارجی باید برای بازبینی به هیات سانسور دولت تحویل داده می شدند و معمولاً نیروی پلیس در زمان نمایش فیلم ها در سالن ها حضور داشتند. در سال های ۱۹۳۰ سانسور

بلیت سینما در کره جنوبی فروخته شد که نشان از رونق سینما در کره جنوبی دارد. در سال های اخیر ۵۳ درصد از بازار فیلم در کره به تولیدات داخلی اختصاص دارد. در سال ۲۰۱۲ کیم کی دوک توانست جایزه شیر طلایی جشنواره ونیز را برای «پیتا» دریافت کند. یکی از مهم ترین جشنواره های سینمای کره جنوبی جشنواره فیلم «پوسان» است.

### فیلمسازان مهم کره جنوبی

در این سال ها کارگردان های مهمی در کره جنوبی فیلم ساختند از لی چانگ-دونگ شروع می کنیم که از رمان نویسی به فیلمسازی روی آورد. لی چانگ-دونگ در سال ۱۹۹۷ با «ماهی سبز» نخستین تجربه فیلمسازی خود را پشت سر گذاشت. او سال ۲۰۱۰ برای «شاعری» جایزه بهترین فیلمنامه را از جشنواره بین المللی فیلم کن دریافت کرد. «شاعری» به مفاهیم و قابلیت های قابل انتقال شعر به عنوان یک فرم هنری می پرداخت و جایگاه شعر را در جامعه مدرن بررسی می کرد.

بانگ جون-هو احتمالاً یکی از مشهورترین فیلمسازان کره جنوبی در میان فیلم دوستان واقعی در سراسر دنیاست. نخستین فیلم او «سگ های واقی واقعی» یک کمدی نامتعارف بود. او که در رشته جامعه شناسی درس خوانده از سال های میانی ۱۹۹۰ عضو آکادمی هنرهای سینمایی کره شد. فیلم های او طعم و رنگ متفاوتی نسبت به فیلم های جریان روز دارند. خاطرات قاتل (۲۰۰۳) میزبان (۲۰۰۶) از فیلم های مهم اوست. «اسنویپر» نخستین فیلم بانگ به زبان انگلیسی بود که در عرصه جهانی بسیار موفق شد.

پارک چان ووک نام آشنایی میان سینمادوستان جهان است. او یکی از چهره های مشهور سینمای کره جنوبی در دنیاست. ووک پیش از کارگردان شدن در رشته فلسفه درس می خواند و با تماشای «سرگیجه» ساخته آلفرد هیچکاک شیفته سینما شد. سه گانه مشهور «انتقام» و فیلم دوم این سه گانه «پیپر» مطرح ترین آثار ووک هستند. او را به دلیل نگاهش به خشونت به شوخی تارانتینوی کره جنوبی لقب داده اند. ووک برنده جایزه بزرگ جشنواره فیلم کن در سال ۲۰۰۴ برای «پیپر» است.

یکی دیگر از کارگردان های مطرح کیم جی وون است فیلمسازی که فیلم هایی با قواعد رایج می سازد. او با فیلم ترسناک داستان دو خواهر (۲۰۰۳) مورد توجه بین المللی قرار گرفت و اولین فیلمساز کره ای است که فیلمش را به زبان انگلیسی بازسازی کردند. داستان «دوخواهر» با عنوان «ناخوانده» بازسازی شد. زندگی تلخ و شیرین (۲۰۰۵) از دیگر فیلم های مهم اوست. کیم کی دوک یکی دیگر از چهره های مشهور کره جنوبی است که معمولاً مضامین فیلم هایش تلخ و گزنده و خشن هستند. معمولاً شخصیت های فیلم های او کم حرف اند و همین باعث می شود جلوه های بصری آثارش بیشتر به چشم تماشاگران بیاید. کیم کی دوک جوایز بین المللی فراوانی از جشنواره های ونیز، برلین و کن دریافت کرده است.

نا هونگ-جین فیلمنامه نویس و کارگردان جوانی است که سال ۲۰۰۸ فیلم «تعقیب کننده» را ساخت. او سال ۲۰۱۰ دربار زرد کارگردانی کرد. «تعقیب کننده» که نخستین فیلم هونگ-جین بود برنده جایزه از سازمان تصاویر متحرک (سینمایی) کره شد.

ایم کوانگ-تاک نیز از قدیمی ترین فیلمسازان کره با ۵ دهه تجربه فیلمسازی است. بزرگداشت او در موسسه فیلم بریتانیا و موسسه هنرهای معاصر برگزار شده است.

کره جنوبی گذاشت.

البته تاثیر تغییرات قانونی همواره مثبت نبود. در سال ۱۹۸۸ با تغییر قوانین محدودیت واردات فیلم خارجی نیز برداشته شد. کمپانی های هالیوودی در خاک کره شعبه های خود را تاسیس کردند. تا آن زمان نمایش فیلم های هالیوودی و هنگ کنگی محدودیت داشت ولی از سال ۱۹۸۸ فیلم های کره ای باید با فیلم های وارداتی رقابت می کردند. در سال های بعدی فیلم های کره ای قافیه را به فیلم های وارداتی باختند. در سال ۱۹۹۳ پایین ترین سهم ۱۶ درصد را در بازار داشتند. سیستم نمایش در کره بدین صورت است که سالن های سینما موظف اند در سال ۱۰۶-۱۴۶ روز فیلم کره ای نمایش بدهند.

در سال ۱۹۹۲ «داستان ازدواج» ساخته کیم یو-سوک با استقبال منتقدان رو به رو شد. این فیلم موج جدیدی را در سینمای کره به راه انداخت. کمپانی سامسونگ که یکی از پنج کمپانی بزرگ کره جنوبی است با «داستان ازدواج» برای اولین بار سرمایه گذاری در سینما را تجربه کرد. تا سال ۱۹۹۷ کمپانی سامسونگ در سرمایه گذاری سینما نقش مهمی بزرگ کرد اما پس از بحران اقتصادی سال ۱۹۹۷ حضور سامسونگ در سینما کم رنگ شد.

### سال ۱۹۹۶ تا امروز

از سال ۱۹۹۶ نسل جدیدی از کارگردان های کره ای به فیلمسازی روی آوردند. استاد فیلم های هنری کره جنوبی، هونگ سنگ-سو در فیلم «روزی که خوک در چاه افتاد» (۱۹۹۶) تجربه چهار شخصیت از یک داستان را روایت می کند و به خشونت و بی پایه و اساس بودن روابط انسانی می پردازد. سال ۱۹۹۶ کیم کی دوک که بخاطر سبک بصری خیره کننده فیلم هایش و تمایل به ساختن فیلم های کم هزینه شهرت دارد نخستین فیلم خود را ساخت. برخلاف دیگر فیلمسازان کره جنوبی کیم کی دوک ابتدا در سطح بین المللی با فیلم هایی مانند جزیره (۲۰۰۰) شهرت پیدا کرد.

در سال ۱۹۹۷ لی چانگ-دونگ «ماهی سبز» را ساخت. چانگ-دونگ که قبل از فیلمسازی یک رمان نویس بود توانست در سال ۲۰۰۰ برای «آبادی» از جشنواره ونیز جایزه بهترین کارگردان را بگیرد. چانگ-دونگ در سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۴ وزیر فرهنگ و گردشگری کره جنوبی بود. در این سال ها فیلمسازان جوانی که بیشتر فیلم های تجاری می ساختند وارد سینما شدند.

در سال ۱۹۹۷ فیلم «تماس» ساخته چانگ یون-هیون با فروش چشمگیری روبه رو شد. در سال ۱۹۹۹ شیری ساخته کانگ جی-گیو نمایش داده شد که بسیار موفق بود. از آن پس سینمای کره پیشرفت قابل ملاحظه ای داشته است. در سال ۲۰۰۱ به طور میانگین ۶۰-۷۰ فیلم در کره جنوبی تولید شد. در سال ۲۰۱۲، ۱۹۵ میلیون



به هالیوود رفت و سه نینجا را در هالیوود با نام مستعار سایمون شین تولید کرد.

### سال های ۱۹۷۰

در سال های ۱۹۷۰ سینمای کره جنوبی دچار افت شد و سطح سانسور دولت نیز افزایش پیدا کرد. در سال ۱۹۷۳ کمپانی پیشرفت سینمای کره (که همان شورای فیلم کره ای امروزی است) به هدف رونق دادن به سینما تاسیس شد. یک سال بعد «آرشو فیلم کره» بنیانگذاری شد اما صنعت سینمای کره جنوبی تا سال های میانی ۱۹۹۰ رونق تجاری نداشت.

اما در این دوران چند فیلم شخصی و بکر که تم های سیاسی و تاحدودی نمادین داشتند ساخته شد که فیلم های کیم کی-بانگ (حشره، زن، لودو، قاتل فراری پروانه و ...) از جمله آنها است. «شهر ستارگان» اولین تجربه فیلمسازی لی چانگ-هو و «جاده به سامبو» که آخرین فیلم ستایش شده لی من-هی است دیگر تجربه سینمای کره جنوبی در این عرصه محسوب می شود.

ها کیل-جونگ دیگر چهره سینمای کره جنوبی در این سال ها مدت کوتاهی به فیلمسازی روی آورد. او تا پیش از مرگ خود در سال ۱۹۷۹ هفت فیلم ساخت که مشهورترین فیلم او رژه احمق ها (۱۹۷۵) است.

### مروری به اتفاقات سینمایی در سال های ۱۹۸۰-۱۹۹۶

سال های ابتدای ۱۹۸۰ فیلمسازان جوانی روی کار آمدند که به احیای سینمای کره جنوبی کمک کردند. در این سال ها سانسور نیز کمتر اعمال می شد. به تدریج شهرت سینمای کره جنوبی به آن سوی مرزها رسید. اوج آن دریافت جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره فیلم ونیز ۱۹۸۷ توسط کانگ سو-یون برای فیلم «مادر میانجی» بود.

بسیاری از منتقدان بر این باورند که بهترین فیلمساز این سال ها ایم کوان-تاک است. او که تا پیش از سال ۱۹۸۰ بیش از ۷۰ فیلم ساخته بود با ماندالا (۱۹۸۱) بهترین فیلمساز کره جنوبی شناخته شد. ایم که از فیلم های تجاری اولیه خود فاصله گرفته بود «ماندالا» را با موضوع دو راهب ساخت که در جستجوی یافتن اهمیت جایگاه مذهب بودا در کره اند. ایم بخاطر احیای عناصر قدیمی و فراموش شده فرهنگ کره جنوبی در آثارش شهرت دارد. محبوب ترین و ستایش شده ترین فیلم ایم «سوپیونجی» (۱۹۹۳) احیای هنر کلامی کره به نام پانسوری است. او بیش از ۱۰۰ فیلم ساخته و از چهره های کلیدی سینمای کره جنوبی به شمار می رود.

در سال های ۱۹۸۰ سینمای کره چندین گام به سوی توسعه برداشت. نخستین گام را رهبر نظامی کره جنوبی روه تائه-وو برداشت که آرام آرام قانون سانسور را برداشت. ثمره این دوران فیلم چیلسو و مانسو (۱۹۸۸) است که پارک کوانگ-سو ساخت. پارک فیلم های ستایش شده دیگری نیز ساخت مانند جمهوری سیاه (۱۹۹۰) و یک جرقه (۱۹۹۵).

در سال ۱۹۸۴ که قانون تصویر متحرک تغییر کرد و به همین دلیل کار برای فیلمسازان نیز آسان تر شد. تولیدات مستقل که تا آن روز ممنوع بودند تحت شرایطی اجازه تولید پیدا کردند. دولت نیز تغییراتی در قانون ایجاد کرد و این فرصتی شد تا تولید فیلم دیگر محدود به چند کمپانی بزرگ نباشد. در نتیجه در سال های پایانی ۱۹۸۰ تهیه کنندگان مستقلی وارد بازار کار شدند و رویکردی که در فیلمسازی داشتند اثر خود را بر سینمای

## مروری بر سینمای کره شمالی

# سایه دیکتاتوری بر سر سینمای کره شمالی / کار به دزدیدن سینماگر رسید

انگلیسی، چینی، آلمانی، روسی و اسپانیایی ترجمه شده است.

### ۱۹۷۸: دزدیدن یک فیلمساز از کره جنوبی

فیلم های کیم فقط در مرزهای کره شمالی محبوب بود و کارگردان های خارجی چیزی از سینمای کره شمالی نمی آموختند بنابراین در سال ۱۹۷۸ کیم گام های بعدی را برداشت که اتفاق بسیار عجیبی بود. او شین سانگ-اوک مشهورترین فیلمساز کره جنوبی و همسر سابق او چویی اون-هی را دزدید و زندانی کرد. آنها به دستور کیم مجبور به ساختن ۷ فیلم برای کره شمالی شدند.

### ۱۹۸۳ به این سو: سینمای بدون محدودیت

دورانی که شین سانگ-اوک در کره شمالی گذراند او را حیرت زده کرد. شین زندگی لوکس و مجللی داشت اما زندانی رهبر کره شمالی بود. او مجبور شد در حمایت از رژیم دیکتاتوری و با در اختیار قرار گرفتن امکانات فراوان فیلمسازی کند. به عنوان مثال وقتی شین برای یک سکانس نیاز به انفجار قطار داشت، کیم چونگ-ایل یک قطار پر از دینامیت برای شین فرستاد. یا برای سکانسی که در برف باید فیلمبرداری می شد کیم گروه فیلمبرداری را به نزدیکترین کوهی که برفی بود فرستاد. شین نیاز به پنکه های تولیدکننده باد داشت و کیم هلی کوپترهایی نظامی برای شین فرستاد و گفت از بادهایی که تیغه های هلی کوپتر تولید می کنند استفاده کن.

شین و همسر سابقش در همه این سالها نقشه فرار به آمریکا را داشتند و هشت سال بعد با موفقیت به آمریکا گریختند. شین فیلمی به نام «پولگاساری» در کره

شدت شیفته سینما بود در همان سال شروع به فعالیت در این زمینه کرد. چونگ-ایل که دانشجوی دانشگاه بود به توصیه پدر برای ایجاد یک شبکه بین المللی نسخه ۳۵ میلی متری تمام فیلم های جدید دنیا را کپی برداری کرد و این فیلم ها را به زبان کره ای زیرنویس کرده و به پیونگ یانگ فرستاد.

کیم چونگ-ایل بیش از ۲۰ هزار نسخه از فیلم های روز دنیا را جمع آوری و در مرکز شهر پیونگ یانگ در آرشیوی تحت تدابیر شدید امنیتی نگهداری می کرد. نکته جالب این بود که فقط او اجازه داشت فیلم های روز دنیا را تماشا کند. در سال ۱۹۶۸ کیم ایل-سونگ رهبر استودیوی ملی سینمای کره شمالی شد و کیم چونگ-ایل پسر جوان و ۲۷ ساله اش نیز روی کار آمد.

### ۱۹۷۳: دریای خون

کیم چونگ-ایل به سینما توجه خاصی داشت و هزینه های گزافی به این حوزه اختصاص می داد. مشهورترین فیلم های دوره او عناوینی مانند «دریای خون» یا «پنج برادر گوریل» است که فیلم های حماسی و خشن و پرخرج بودند و ترانه های مشهوری داشتند. کیم معمولا دل به بازیگران زن سینمای کشورش می باخت. او در سال ۱۹۷۳ کتاب راهنمای تئوری سینما را با نام «درباره هنر سینما» نوشت. رسانه های کره شمالی او را به عنوان «نابغه خلاق در زمینه هنر سینما» می ستایند.

گفتنی است که تمام جوانانی که می خواهند در کره شمالی رشته فیلمسازی بخوانند باید کتاب «درباره هنر سینما» را خوانده و یا حفظ باشند. این کتاب حتی در سرفصل دانشجویان رشته ادبیات نیز است. «درباره هنر سینما» به زبان های مختلفی چون عربی، فرانسوی،

در بخش نخست آشنایی با صنعت سینمای شبه جزیره کره با تاریخچه سینمای کره جنوبی آشنا شدید و در این قسمت سراغ تاریخچه سینمای کره شمالی رفتیم که حتما برایتان جذاب خواهد بود زیرا در این سال ها اطلاعات محدودی از سینمای کره شمالی به خارج از مرزها درز کرده است.

پس از آنکه در سال ۱۹۴۵ کشور کره شمالی تشکیل شد کیم ایل-سونگ رهبر کره شمالی استودیوی فیلمسازی را در شهر پیونگ یانگ و با کمک اتحاد جماهیر شوروی تاسیس کرد.

### اولین فیلم تاریخ سینمای کره شمالی

تا امروز هیچ فیلم مستقلی در کره شمالی ساخته نشده است و دولت نظارت تامی بر تولید و پخش فیلم در سینماها دارد و مثلا تماشاگرانی که به سالن های سینما می روند در زمان خروج از سالن باید به پرسش ها و درس هایی که از فیلم گرفته اند پاسخ بدهند. نخستین فیلم استودیوی دولتی کره شمالی با نام «خانه روستایی من» بود که رهبران کره شمالی را آزادی خواهانی قهرمان به تصویر می کشید که مردم را از شر خارجی ها نجات می دهند.

### ۱۹۶۸: ارباب جوان وارد می شود

کره شمالی که کشوری خودخواسته منزوی از دنیاست در زمینه سینما نیز اجازه تعامل با دنیا را نداده و هیچ فیلمسازی بجز کارگردان های اهل شوروی اجازه سفر به کره شمالی را نداشتند که البته کره ای ها در سال های ۱۹۶۰ دیگر به کارگردان های روس هم اجازه ورود ندادند.

کیم چونگ-ایل پسر رهبر بزرگ کره شمالی که به





شمالی ساخت که در حال حاضر یک کالت کلاسیک برشمرده می شود.

یک بار در این سال ها دولتمردان از بازیگری خواستند تا نقش کیم ایل-سونگ را بازی کند. می گویند یک بازیگر جوان و گمنام انتخاب شد و او را زیر تیغ جراحی پلاستیک بردند تا شبیه کیم بشود. او پس از بازی در فیلم مستقیم روانه زندان شد تا دیگر هوای بازیگری به سرش نزنند.

در این سال ها فقط یک تولید مشترک بین المللی توانسته در کره شمالی فیلمبرداری شود که آنهم «ده زان - آخرین ماموریت» به کارگردانی مشترک فریناندو بالدی اهل ایتالیا و پارک جونگ-جو است که در سال ۱۹۸۰ تولید شد. در این فیلم فرانک زاگارینو نقش آفرینی می کرد.

### ۱۹۹۴: از پرده تا زندگی

کیم جونگ-ایل در سال ۱۹۹۴ رسماً رهبر کره شمالی شد. او داستان زندگی مردم عادی را می نوشت و در واقع نویسنده فیلمنامه ها خودش بود. در این دوران مرد شماره دو استودیوی فیلمسازی کیم جونگ-ایل فردی به نام چو ایک-گیو وزیر فرهنگ کره شمالی شد.

### ۱۹۹۵: پاپ کورن در پیونگ یانگ

می گویند جیمز باند، رمبو و خیابان سیزدهم فیلم های محبوب رهبر کره شمالی و بازیگران محبوبش هم شان کانری و الیزابت تیلور بودند.

هم زمان با نمایش فیلم جیمز باندی «روز دیگر بمیر» که شخصیت های منفی اهل کره شمالی بودند رژیم کره شمالی بیانیه تندی صادر کرد، اما مشخص نیست که آیا کیم این فیلم جیمز باندی را که کره ای ها را منفی نشان می داد دوست داشت یا از آن متنفر بود. کیم جونگ-ایل شیفته فیلم های اکشن و کونگ فوی

هنگ کنگ بود. کیم در سال های آخر دوران رهبری اش بارها «در خط آتش» از کلینت ایستوود را برای محافظان خود نمایش داد و از آنها خواست که مانند قهرمان فیلم وفادار و متعهد باشند.

کیم تقریباً همه فیلم ها را تماشا می کرد. او در سال ۲۰۰۰ یادداشتی که درباره فیلم های آمیستاد و گلا دیاتور نوشته بود به مادلین آلبرایت وزیر وقت امور خارجه آمریکا داد و گفت: «من همه این فیلم های برنده اسکار را دارم و دیده ام.»

### ۲۰۰۰: تایتانیک کره شمالی

پس از فرار کارگردان اهل کره جنوبی و همسر سابقش در سال ۱۹۸۶ به آمریکا، رویاهای فیلمسازی کیم فرو ریخت. ۱۴ سال وقفه افتاد تا دوباره کیم بخواهد یک فیلم پر فروش دیگر تولید کند که هدفش بازارهای بین المللی باشد. این بار کیم نسخه کره ای «تایتانیک» ساخته جیمز کامرون را خواست. او بارها و بارها «تایتانیک» را برای فیلمسازان به نمایش می گذاشت و به آنها دستور داد که کپی فیلم را بسازند.

نتیجه این فرمان ساخته شدن «روح ها اعتراض می کنند» بود که داستان فاجعه کشتی برده داری کره را دستمایه قرار داده بود. این داستان واقعی اما دیالوگ ها و پیرنگ داستان بسیار اقتضاح بود. جلوه های بصری فیلم نیز در حد مجموعه سال های ۱۹۷۰ «دکتر هو» به نظر می آمد. همانطور که پیش بینی می شد فیلم شکست خورد.

### ۲۰۰۴: تاسیس جشنواره فیلم پیونگ یانگ

کیم می خواست به دنیا نشان بدهد که مردمش بریده از دنیا نیستند بنابراین جشنواره فیلم پیونگ یانگ را تاسیس کرد که دوسالانه بود. نخستین فیلم غربی که اداره سانسور اجازه نمایش آن را در کشور داد «مانند بکهام شووت بزن» بود. دوازده هزار نفر این فیلم را تماشا

کردند. آنها شاید از تماشای کایرا نایتلی و مضمون فیلم آنقدرها هیجان زده نشدند که از تماشای زندگی راحت و آپارتمان های مدرن و اتومبیل های جدید لذت ببرند. سال ۲۰۰۵ دو کشور کره شمالی و جنوبی با همکاری یکدیگر انیمیشن «امپراطوریس چونگ» را ساختند که در هر دو کشور به نمایش عمومی درآمد. می گویند این نخستین فیلمی است که در هر دو کشور به نمایش درآمده است.

### ۲۰۱۴: یک مصاحبه جنجالی

در ۲۰ سال گذشته سینمای کره شمالی از بازار سیاه فیلم های غربی لطمه زیادی خورده است. معمولاً شخصیت منفی فیلم های غربی به پلیس مخفی های کره شمالی می رسد مانند «سالت» با بازی آنجلینا جولی.

سال ۲۰۱۱ کیم جونگ-اون رهبر کره شمالی شد. او که دانش آموخته در کشور سوئیس است برخلاف پدرش شیفته گیاه های ویدیویی و ورزش بسکتبال است.

یکی از مشهورترین فیلم های هالیوودی سال های اخیر که به کره شمالی می پردازد «مصاحبه» است. «مصاحبه» که در ژانر کمدی بود جیمز فرانکو را در نقش خبرنگاری نشان می دهد که می خواهد با کیم جونگ-اون مصاحبه کند و برای ترور او آموزش می بیند. این فیلم تصویر سیاهی از رهبر کره شمالی نشان می داد و محصول کلمبیا پیکچرز بود. چند ماه بعد از خبر تولید «مصاحبه» هرکها کامپیوترهای کمپانی سونی (که کلمبیا زیر مجموعه اش است) هک کردند و دولت آمریکا احتمال دست داشتن دولت کره شمالی در این اتفاق را بی اساس ندانست. هرکها از کمپانی سونی خواستند که فیلم را نمایش ندهد و سینماهای نمایش دهنده فیلم را به حملات تروریستی تهدید کرد. کمپانی سونی نیز پس از مدتی که از نمایش فیلم گذشت «مصاحبه» را از پرده ها پایین آورد و گفت دیگر در نظر ندارد آن را نمایش بدهد.

## مروری بر سینمای عراق

# سینمای عراق در چند نما/دیکتاتورها هنر را دوست ندارند

که داستان رومئو و ژولیتی عراقی بود و در سطح بین المللی نیز مطرح شد.

نخستین سازمان سینمایی دولتی به نام اداره سینما و تئاتر در سال ۱۹۵۹ تاسیس شد و نخستین فیلم رنگی که در عراق ساخته شد «Nebuchadnezzar» محصول سال ۱۹۶۰ است.

در آن سالها قوانین سخت دولتی جساتر تولید فیلم های اجتماعی را از کارگردان ها سلب می کرد تا اینکه در سال ۱۹۵۹ شاه فیصل (از سلسله هاشمی) را از مقامش خلع کردند و در سال های ۱۹۶۰ سینما در عراق شکوفا شد. اداره سینما و تئاتر همسو با اهداف

سیاسی رژیم جدید در تولید فیلم های مستند و بلند اقدام کرد و مستندهایی مانند پروژه ال میغیسی (۱۹۶۹) سیاست های دولتی را نشان می داد. عروسی در بهشت (۱۹۶۷) تجلیل از نیروی هوایی عراق و سیستم تسهیلات این نیرو بود.

این شرایط چندان طول نکشید و انقلاب سال ۱۹۶۸ حزب بعث را به قدرت رساند و کنترل دولت بر مضامین فیلم ها بیش از پیش شد. دولت بعثی نیاز داشت تا



عراقی تولید شد. این فیلم محصول مشترک عراق و مصر بود که در سال ۱۹۴۶ تولید شد. در آن سالها بیشتر فیلمهایی که تولید می شد تجاری و عاشقانه های سطحی با سکانس های رقص و آواز بودند که لوکیشن این رقص و آواها در روستاهای کوچک بود. راه اندازی استودیوی دنیای الفان (دنیای هنر) توسط بازیگران که فیلم های جدی تری تولید می کرد از اتفاقات همان سال ها بود و در سال ۱۹۵۵ این استودیو فیلم «فتنه و حسن» ساخته حیدر ال عمر را تهیه کرد

از بدو ورود سینما در کشور عراق در سال ۱۹۰۹ تا سال های ۱۹۲۰ مردم عراق سینما را جدی نمی گرفتند و به عنوان یک قالب هنری برای سینما احترامی قائل نبودند. اولین سینمایی که در عراق ساخته شد نامش «الزوراء» در شهر بغداد بود که بیشتر فیلم های صامت آمریکایی را برای بریتانیایی های ساکن عراق نمایش می داد.

در سال های ۱۹۴۰ در دوران شاه فیصل دوم سینما رونق پیدا کرد و کمپانی های تولید فیلم با حمایت سرمایه گذاران فرانسوی و بریتانیایی که پیشگامان صنعت سینما در

دنیای عرب بودند در بغداد تاسیس شدند. در آن دوران فیلم هایی ساخته می شد که صددرصد بخش خصوصی در آن سرمایه گذاری می کردند و در سال ۱۹۴۸ استودیو بغداد افتتاح شد. موسسان این کمپانی مهدی بسام، حسن حسنی و ناصر نعیم بودند. آن کمپانی نتوانست موفق باشد و خیلی زود به دلیل تنش میان اعراب و یهودیان برچیده شد.

تا پایان جنگ جهانی دوم عراق واردکننده فیلم باقی ماند تا اینکه «پسر شرق» به عنوان نخستین فیلم

از رده خارج شده سینما را خریداری کرد. او نخستین فیلم خود را به نام «زیاد نور دیده» در سال ۲۰۰۵ ساخت و الگویی برای صنعت سینمای در حال افول عراق شد و کارگردان ها را از غم سیاست رها کرد.

محمد الدراجی «ویاها» را در سال ۲۰۰۵ ساخت که اولین فیلم او بود. راشید و الدراجی هر دو نگاه مشترکی به سینمای مستقل داشتند و ایده راه اندازی مرکز تولید سینمای مستقل عراق را در سال ۲۰۰۹ گسترش دادند. ۲ سال بعد آنها در خیابان ال راشید در مرکز بغداد ساختمانی برای این مرکز گرفتند. در این سال ها مرکز سینمای مستقل بیست فیلم کوتاه و بلند تهیه کرد که یکی از فیلم های این مرکز «پسر بابل» ساخته محمد الدراجی بیش از ۲۰ جایزه بین المللی گرفت و محمد الدراجی را به مشهورترین کارگردان عراقی در سال های اخیر تبدیل کرد.

محمد الدراجی «پسر بابل» را با کمک موسسه ساندنس ساخت و عراق این فیلم را به عنوان نماینده خود در بخش بهترین فیلم خارجی زبان اسکار در سال ۲۰۱۱ معرفی کرد.

آخرین فیلم محمد الدراجی به نام «زیر شن های بابل» محصول ۲۰۱۳ است. یکی دیگر از فیلم های موفق مرکز سینمای مستقل «هدیه پدرم» ساخته سلام سلمان است که جایزه خرس بلورین بهترین فیلم کوتاه جشنواره فیلم برلین را دریافت کرد.

در این سال ها کشور عراق بیشتر با کمک کشورهای دیگر محصول مشترک ساخته است؛ هشت فیلم با آلمان، هفت فیلم با بریتانیا، پنج فیلم با ایران و چهار فیلم با ترکیه، هلند و ایتالیا. در مجموع اداره دولتی سینما و تئاتر ۴۴ فیلم بلند در تاریخ سینمای عراق تولید کرده است.

فیلمسازان زن چندان در صنعت سینمای عراق فعال نبوده اند و تنها دو فیلمساز زن در میان ۷۷ کارگردان عراقی فعالیت داشته اند: خیریت منصور و ویان مایی (کرد). همچنین مشهورترین جشنواره سینمای عراق، جشنواره بین المللی فیلم بغداد است.

دانست که صدام حسین از زندگی خود ساخت. «روزهای طولانی» همچنین موفق ترین فیلم عراقی است که در خارج از این کشور به نمایش درآمد.

داستان فیلم درباره سوءقصد صدام حسین به نخست وزیر عبدال کریم قسیم در سال ۱۹۵۸ بود که به فرار قهرمانانه او به تکریت منتهی شد. این فیلم را ترنس یانگ بریتانیایی ساخت که با ساختن فیلم های جیمز باندی دکتر نو و تاندربال برای خود اسم و رسمی به هم زده بود. نقش صدام حسین را در این فیلم کمال پسرعموی صدام ایفا کرد که بعدها داماد صدام حسین و همسر رینا شد، سپس به اردن گریخت و دوباره به عراق برگشت و در سال ۱۹۹۶ توسط نیروهای صدام حسین به قتل رسید.

پس از حمله عراق به کویت، جوامع بین المللی تحریم هایی علیه عراق وضع کردند که عملاً فیلمسازی را در این کشور به کاری دشوار تبدیل کرد پس از حمله عراق به کویت، جوامع بین المللی تحریم هایی علیه عراق وضع کردند که عملاً فیلمسازی را در این کشور به کاری دشوار تبدیل کرد با این وجود نسل جدیدی از کارگردان ها در بغداد زندگی می کردند چراکه دانشگاه هنرهای زیبای بغداد در رشته سینما دانشجوی می پذیرفت. در آن سال ها ورود فیلم و مواد لابراتوار ظهور فیلم به عراق ممنوع شد. در دوران تحریم های بین المللی سینماهای عراق تقریباً بی مخاطب بود و در سال های ۲۰۰۰ مردم بیشتر فیلم ها را بصورت سی دی و قاجاق تماشا می کردند.

«الزوراء» به عنوان قدیمی ترین سینمای شهر بغداد در آن دوران فیلم های قدیمی را پخش می کرد و بیشترین تعداد مخاطب سینما یک یا دو نفر برای هر سانس بود. تا پایان سال ۲۰۰۳ در مجموع بیش از ۱۰۰ فیلم در تاریخ سینمای عراق تولید نشده بود که بسیاری از آنها فیلم های تبلیغاتی و حامیان حزب بعث بودند و تعدادی فیلمساز نیز به ورطه تولید کمدی های سخیف افتاده بودند. با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ یک فیلمساز عراقی به نام عدی راشید موقعیت سینما در کشورش را خیلی خوب متوجه شد و تجهیزات کهنه و

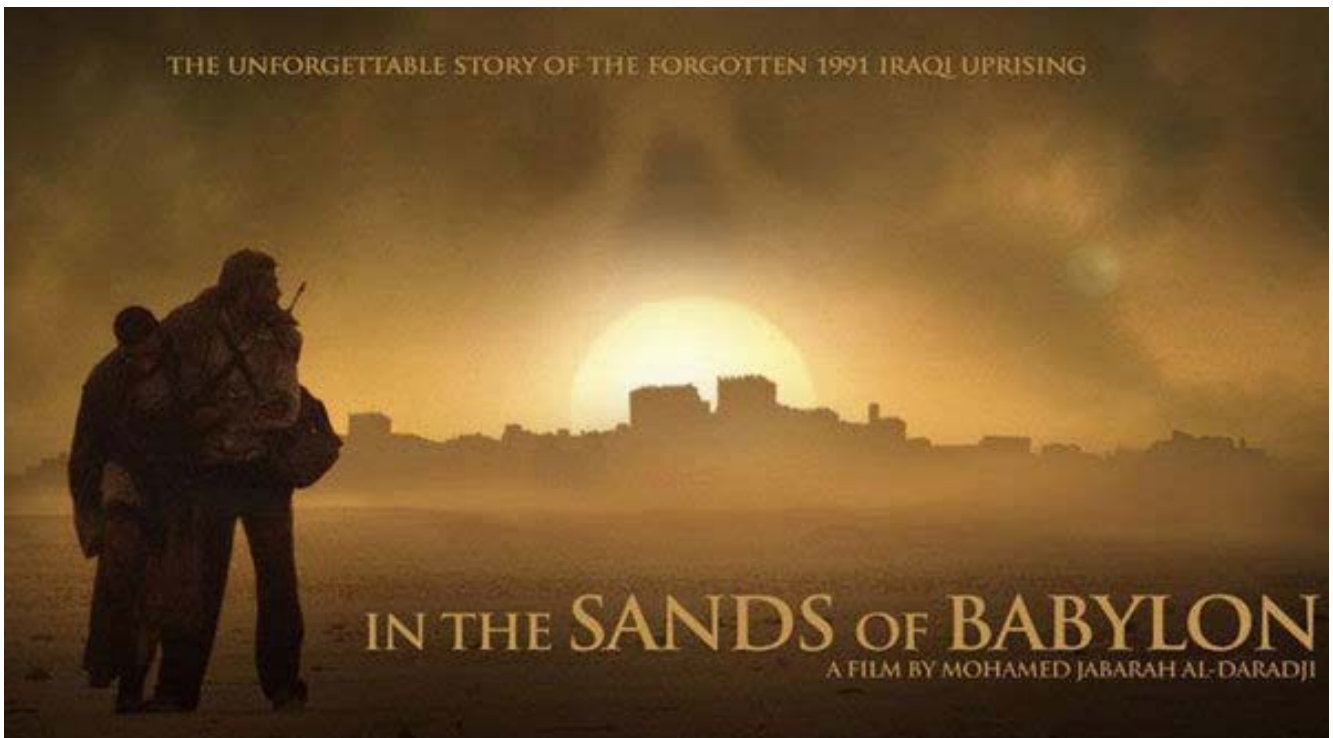
سینما به قدرت آنها مشروعیت بدهد. البته دوران طلایی سینمای عراق در سال های ۱۹۷۰ شکل گرفت و فیلم های عراقی خارج از مرزها نمایش داده می شدند. گرچه آن فیلم آثاری با پیام های سیاسی بودند، بازتاب دهنده انقلاب بودند و به تاریخ مدرن و باستانی عراق می پرداختند.

دولت صدام حسین در سال ۱۹۸۱ صلاح ابوسیف فیلمساز مصری را استخدام کرد تا فیلم «لقادسیه» را بسازد که یک درام تاریخی درباره پیروزی اعراب بر ایرانی ها در سال ۶۳۶ پس از میلاد مسیح بودصدام حسین در سال ۱۹۷۹ سینما را به مسیر دیگری برد. جنگ عراق علیه ایران در سال ۱۹۸۰ تولید فیلم در این کشور را تقریباً تعطیل کرد و فیلم هایی که در دوران جنگ در کشور عراق تولید می شد بیشتر در مدح تاریخ عراق یا حکومت صدام حسین بود. دولت صدام حسین در سال ۱۹۸۱ صلاح ابوسیف فیلمساز مصری را استخدام کرد تا فیلم «لقادسیه» را بسازد که یک درام تاریخی درباره پیروزی اعراب بر ایرانی ها در سال ۶۳۶ پس از میلاد مسیح بود.

ملودرام «سوال بزرگ/ Al-Mas'ala Al-Kubra» ساخته محمد شکر میمیل با نقش آفرینی الیور رید در نقش کلنل جرارد لیچمن که در انقلاب عراق در سال ۱۹۲۰ کشته شد دیگر فیلم آن سال ها بود. این فیلم در سیزدهمین جشنواره فیلم مسکو نامزد جایزه شد و در جشنواره فیلم لندن به نمایش درآمد.

موفق ترین فیلم عربی در اکران سینماهای عراق به نام عتبر و عبله (Antar and Abla) ساخته صلاح ابوسیف محصول ۱۹۴۵ است که ۶ ماه در سینماهای عراق روی پرده بود. موفق ترین فیلم خارجی که در بغداد به نمایش درآمد فیلم ترکی «ماوی ماوی» با بازی ابراهیم تاتلیس خواننده مشهور ترک ۳۰ هفته در سینما اطلس در سال ۱۹۸۸ روی پرده بود.

در سال ۱۹۸۰ صدام حسین با یک فیلم ۶ ساعته به نام روزهای طولانی al-Ayyam al-tawila زندگینامه خود را به حماسه تبدیل کرد. این فیلم را می توان افسانه ای



شکل گیری سینما در هند

یک ایرانی چگونه سینمای هند را متحول کرد/ «ماسالا» دنیای بدون فقر

هم تغییر کرد، به ویژه سینما رشد قابل ملاحظه ای در میان طبقه کارگر جامعه داشت که در دوران فیلم های صامت بخش کوچکی از درصد فروش بلیت به آنها تعلق داشت. در سال های جنگ جهانی دوم تولید فیلم کم شد که به دلیل محدودیت واردات نجاتی بود ولی تماشاگران سینمای هند هنوز وفادار بودند و هر سال بر رونق سینماهای کشور می افزودند.

تولد موج نوی سینما

تقریباً سال ۱۹۴۷ بود که صنعت سینمای هند دستخوش تغییر شد و در این دوره است که سینمای مدرن هند متولد شد. داستان های تاریخی و اساطیری سال های پیش جایشان را به فیلم های اصلاح کننده اجتماعی دادند که نگاه انتقادی به سیستم های اجتماعی مانند سنت جهیزیه دادن، چندهمسری و ... داشتند. در سال های ۱۹۵۰ فیلمسازی مانند بIMAL روی و ساتیا جیت رای تمرکزشان را روی زندگی طبقه فرودست جامعه گذاشتند که تا آن سال ها تقریباً داستان های فراموش شده ای بودند.

در سال های ۱۹۶۰ متأثر از تغییرات سیاسی و اجتماعی و همینطور سینمایی در کشورهای اروپایی و آمریکا، موج نوی سینمای هند به وجود آمد که بنیانگذارانش فیلمسازی مانند مریثال سن، ریوتیک گاتاک بودند. فیلم های این دوران که به شدت می خواستند بیش از پیش واقع گرایانه و درباره شناخت و درک آدم های عادی باشند متفاوت از تولیدات تجاری بودند گرچه فیلم های تجاری بیشتری سود را به همراه داشتند. رفته رفته فیلم های تجاری به فیلم «ماسالا» تبدیل شدند، ماسالا ترکیب ژانرهایی مانند اکشن، کمدی و ملودرام است و در هر فیلم از گونه ماسالا دست کم شش کلیپ موسیقی وجود دارد. ژانر ماسالا شکل دهنده قالب فیلم های معاصر بالیوودی است.

فیلم ماسالا، بالیوودی که امروزه می شناسیم

یکی از موفق ترین فیلمسازان سال های ۱۹۷۰، منموهان دسای که پدر فیلم ماسالا نامیده می شود، از رویکرد خود به سینما چنین دفاع می کرد: «من می خواهم مردم فقرشان را فراموش کنند. می خواهم آنها را به دنیایی رویایی ببرم که فقر ندارد، گدا وجود ندارد، دنیایی که سرشوشت مهربان است. خدا مدام به بندگانش رحمت می بخشد.»

آثاری که آمیزه حادثه، رمانس، کمدی و صلابته آیم های موسیقی دارند هنوز صنعت سینمای هند را در ید قدرت خود دارند. گرچه در سال های اخیر توجه بیشتری به پیرنگ، شخصیت پردازی، تنش های دراماتیکی شده است اما این قدرت ستارگان سینمای هند است که در فروش فیلم های هندی سهم به سزایی دارد.

پس از موفقیت فیلم «میلیونر زاغه نشین» ساخته دنی بویل در مراسم اسکار که با بازیگران هندی و براساس داستانی هندی ساخته شد، سینمای بالیوود وارد مرحله جدیدی شد. حالا دست اندرکاران سینمای هند بیشتر به بازارهای جهانی توجه دارند. تلاش هایی برای سهم خواهی بیشتر در بازارهای جهانی انجام داده اند. اما سوالی که مطرح می شود این است که آیا فیلم های بالیوود می توانند برای تماشاگران آمریکایی- که روزانه با فیلم های جدیدی از بالیوود روبه رو هستند- جذابیت داشته باشند؟ قطعاً فیلم های بالیوود برای تماشاگران آسیایی مخصوصاً هندی های مهاجر در اقصی نقاط جهان جذابیت دارند اما آنها هنوز برای رسیدن به این هدف راه طولانی پیشرو دارند.



صاحب پالکی در خلال سال های ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۸ بیست و سه فیلم تولید کرد. برخلاف بالیوود توسعه سینمای هند در سال های ابتدایی بسیار کند بود.

سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰

در اوایل سال های ۱۹۲۰ چندین کمپانی تهیه فیلم تاسیس شد و در این دوران بیشتر فیلم های تاریخی ماهیت اسطوره ای داشتند فیلم هایی که از بالیوود وارد می شد- در ابتدا فیلم های حادثه ای- میان مردم هند با استقبال شایان توجه ای رو به رو می شد و به زودی تولید فیلم های حادثه ای هم در دستور کار قرار گرفت هر چند فیلم های این دوران بیشتر بخش هایی از فصل های کتاب های حماسی سانسکریت «رامایانا» و «ماهاپاراتا» بود.

اردشیر ایرانی از پارسیان مطرح هند و مدیر شرکت فیلمسازی امپریال، در سال ۱۹۳۱ نخستین فیلم بلند و ناطق سینمای هند را به نام «عالم آرا» کارگردانی کرد. اردشیر ایرانی به اهمیت صدا در سینما پی برده بود. این فیلم روز چهارم ماه مارس ۱۹۳۱ در سینما مجستیک شهر بمبئی برای نخستین بار نمایش داده شد. استقبال مردم از «عالم آرا» تا حدی زیاد بود که پلیس شهر برای کنترل جمعیت تماشاگرانی که می خواستند فیلم را تماشا کنند دخالت کرد.

براساس گزارش آرشو ملی هند فیلم «عالم آرا» گم شده است و در آرشو ملی نگاتیوهای آن وجود ندارد.

اردشیر ایرانی در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) فیلم «دختر لر» را کارگردانی کرد که نخستین فیلم ناطق سینمای ایران است. فیلمنامه «دختر لر» و نقش اصلی آن به عبدالحسین سینتا تعلق داشت. فیلم که در بمبئی به زبان فارسی تهیه شده بود، در سال ۱۳۱۲ در تهران روی پرده سینما رفت و با استقبال زیادی روبرو شد. اردشیر ایرانی که از خانواده های زرتشتی مهاجرت کرده از ایران به هند بود در کمپانی امپریال نخستین ستارگان را به سینما معرفی کرد از جمله محبوب خان و پرتویراج کاپور (پدر راج کاپور). ایرانی در طول بیست و پنج سال ۱۸۵ فیلم تولید کرد.

هر سال تعداد کمپانی های تولید فیلم در هند افزایش می یافت طوری که تعداد کمپانی ها از ۱۰۸ تا در سال ۱۹۲۷ به ۳۲۸ تا در سال ۱۹۳۱ رسید. رفته رفته فیلم های سیاه و سفید جایشان را به فیلم های رنگی دادند. در سینمای هند نخستین تلاش ها برای تولید انیمیشن صورت گرفت. کاخ های بزرگ سینمایی ساخته شد و چهره و سر و وضع تماشاگران سینمایی

جالب است بدانید یک کارگردان ایرانی نخستین فیلم بلند و ناطق سینمای هند را ساخت و واژه بالیوود از ترکیب هالیوود و اول کلمه بمبئی آمده است و سبک «ماسالا» نیز برای فراموشی فقر ایجاد شده است.

حتی اگر در همه عمرتان یک فیلم هم از سینمای هند ندیده باشید اما واژه بالیوود تصاویری از نمایی پرشکوه و با رنگ های روشن در مکان های نامتعارف را در حالی که افراد در حال آواز خواندن هستند به ذهن متبادر می شود، اما تاریخ سینمای ملی هند چیست و چگونه صنعت سینمای هند به یکی از قدرتمندترین و پرسودترین صنایع این کشور تبدیل شده است چنانچه هر ساله هند در تولید فیلم و جذب مخاطب یکی از کشورهای است که به لحاظ آماری حرف اول را می زند. سینما برای مردم هند خیلی اهمیت دارد اگر در یک کشور خارجی مانند آمریکا ستاره سینما به ریاست جمهوری می رسد (رونالد ریگان)، ستارگان سینما در هند به خصوص در جنوب هند موقعیت های اجتماعی بالایی بدست می آورند و به راحتی به رهبران سیاسی، نمایندگان کنگره و فرمانده ایالت ها تبدیل می شوند.

سینما بر زندگی و اندیشه میلیون ها هندی تاثیر دارد. صنعت سینمای هند برای مردم این کشور فرصت شغلی آورده است، کشوری که به دلیل جمعیت زیادش واژه شغل در آن بسیار ارزش دارد. سینما بر زندگی مردم، مد، زبان ملی، معماری، دکوراسیون داخلی خانه ها و ... اثر گذاشته است. برای نویسندگانی که پیش از رونق سینما درآمد خوبی نداشتند، فرصت شغلی خوب در پی داشته است. برای آوازه خوان ها، شعرا و طراحان حرکت که در ابتدا برای طبقه نخبه جامعه احترام نداشتند، احترام آورده است.

سینما در سال های گذشته و پیش از عصر اینترنت و سایت های خبری به رونق مطبوعات کاغذی کمک کرده بود و همچنین بر رشد مراکز فرهنگی در شهرهای بزرگ و کوچک تاثیر گذاشته بود. مجلات سینمایی، منتقد فیلم و خبرنگار سینمایی برای طبقه بالای جامعه احترام و اهمیت داشت و در روزگاران دورتر آثار سینماگرانی چون راج کاپور، ساتیا جیت رای سفیر هند در دنیا شدند و برای میلیون ها نفر در کشورهای روسیه، آمریکا، خاورمیانه، آفریقا و کشورهای همسایه هند محبوبیت داشتند و سینمای هند تا امروز این محبوبیت را حفظ کرده است.

واضح است که کلمه بالیوود بازی با کلمات هالیوود و شهر بمبئی (مومبای امروز) است. حرف اول B از پایتخت سینمایی هند یعنی شهر بمبئی و باقی حروف از هالیوود (hollywood) مشتق شده است. این اصطلاح از سال های ۱۹۷۰ توسط یک ستون نویس شایعات مجله ای اختراع شد گرچه درباره این نکته که چه کسی نخستین بار از کلمه بالیوود استفاده کرد اختلاف نظر وجود دارد.

به هر صورت پیدایش سینمای هند به سال ۱۹۱۳ و نخستین فیلم بلند و صامت هندی برمی گردد: راج هاریش چندرا به کارگردانی دادا صاحب پالکی که لقب پدر سینمای هند را دارد. فیلم روز سوم ماه می ۱۹۱۳ به نمایش عمومی درآمد. پالکی نقاش و عکاسی جوان بود که به فیلمسازی روی آورد. نخستین فیلم بلند سینمای هند، مبتنی بر داستانی از اساطیر هند ساخته شده بود.

دو کتاب حماسی بزرگ رامایان و مهلهاراتا، دو سرچشمه بیکران داستان های اساطیری هند هستند که تا امروز به شیوه های گوناگون بر سینمای هند تاثیر گذاشته اند. دادا



## شکل گیری سینما در پاکستان پاکستانی ها «لالیوود» دارند/سینمایی که فرامرزی نیست

«لالیوود» نام غیررسمی بخشی از صنعت سینمای پاکستان است که پایگاه آن در شهر لاهور است. صنعت سینمای پاکستان سالانه با تولید به طور میانگین ۶۰ فیلم جزو بیست کشور برتر دنیا در زمینه تولید فیلم است.

گزارشگر سایت کالچر تریپ در مطلبی به تاریخچه صنعت سینمای پاکستان پرداخته که مروری بر بخش هایی از آن خالی از لطف نیست.

تا سال ۱۹۷۱ سه مرکز اصلی تولید فیلم در کشور پاکستان شهرهای لاهور، داکا و کراچی بودند که بزرگترین مرکز سینمایی پاکستان در شهر لاهور به «لالیوود» معروف بود و پس از جدایی بنگلادش از پاکستان، شهر داکا در کشور بنگلادش قرار گرفت و صنعت سینمایی بنگلادش به «دالیوود» شهرت گرفت.

بیشتر فیلم های پاکستان به زبان اردو تولید می شود، اما فیلم هایی به زبان های انگلیسی یا گویش های پنجابی، پشتو، سیندهی نیز ساخته می شوند که این مساله به دلیل تنوع گویش ها در کشور پاکستان است.

بیشترین مخاطب فیلم های پاکستانی، مردم کشور پاکستان هستند و این کشور تلاش های بسیار اندکی برای ورود به بازارهای جهانی و جشنواره های جهانی داشته است. به همین دلیل صنعت سینمای پاکستان مهجور مانده و خارج از پاکستان شناخته شده نیست.

اصطلاح «لالیوود» نیز در رقابت با صنعت سینمای بالیوود و هالیوود، نخستین بار توسط سلیم ناصر ستون نویسنده مجله گلمور در تابستان سال ۱۹۸۹ استفاده شد که بازی با کلمه هالیوود بود.

### نظیر احمد خان

صنعت سینمایی که در شهر لاهور قرار دارد در سال ۱۹۲۹ با افتتاح استودیوهای یونایتد پلیرز در جاده راوی آغاز به کار کرد. در آن دوران پاکستان و هند یک کشور بودند. موسس استودیوهای یونایتد پلیرز، عبدالرشید کاردار نام داشت. این استودیو در رقابت با شهرهای دیگر هندوستان که فیلم تولید می کردند، شهرهای مومبایی و کلکته، دست به تولید فیلم می زد.

نظیر احمد خان، بازیگری هندی - پاکستانی بود که بعدها به کارگردانی و تهیه کنندگی روی آورد و در دوران فعالیتش که بیش از ۵۵ سال بود در ۲۰۰ فیلم حضور یافت. نظیر احمد خان نخستین چهره موفق سینمای پاکستان پیش و پس از استقلال این کشور بود، اما وی در مقام بازیگر به دعوت دوستش عبدالرشید کاردار به شهرهای کلکته و بمبئی رفت و آمد می کرد. کاردار خاطره انگیزترین نقش های کارنامه احمد خان را به او پیشنهاد می داد.

نظیر احمد خان در شهر بمبئی (هند) نیز استودیو داشت که در دوران شورش هایی که منجر به جدایی هند و پاکستان شد، در آتش سوخت. پس از آن احمد خان کاملاً به پاکستان مهاجرت کرد و دوستش عبدالرشید کاردار

خانواده های خود امید دارند.

### فروپاشی صنعت سینمای پاکستان

با روی کار آمدن محمد ضیاء الحق در سال های پایانی دهه ۷۰ قوانین جدیدی برای فیلمسازان وضع شد. فیلمسازان پاکستانی باید دارای مدارک تحصیلی می بودند. علاوه بر این تعطیلی بسیاری از سالن های سینما و مالیات های سنگین به فروپاشی و رکود سینمای پاکستان کمک کرد.

در سال های ۱۹۹۰ تولید فیلم به چهل عنوان در سال رسید که همه این فیلم ها را معمولاً یک استودیو تهیه می کرد. تولیدات کمپانی های دیگر با هزینه شخصی کارگردان ها ساخته می شد اما تعدادی کارگردان توانستند از این بحران جان سالم به در ببرند.

### ثمینا پیرزاد

ثمینا پیرزاد یکی دیگر از فیلمسازان موفق پاکستان است که با بازیگری سینما را شروع کرد. نخستین بار پیرزاد در سال ۱۹۷۶ در «نزدیکیان» حضور یافت. او سپس برای تلویزیون پاکستان شروع به برنامه سازی کرد. وی در سال ۱۹۹۹ «انتها» را برای سینما ساخت. «انتها» که به مساله هتک حرمت می پرداخت، بحث برانگیز شد و نمایش فیلم را در سینماها متوقف کردند. پیرزاد توانست با گرفتن حکمی از دادگاه دوباره فیلم را در سینماها به نمایش درآورد. فیلم بعدی پیرزاد «شرارت» (۲۰۰۳) نام دارد.

### مهرین جبار

یکی از معدود فیلم های پاکستانی که توانست موفقیت های بین المللی کسب کند، «رام چند پاکستانی» (مهرین جبار، ۲۰۰۸) است. فیلم توانست جایزه تماشاگران را از جشنواره بین المللی فیلم فرایبورگ و جایزه فیپرشی را از سینه فن (جشنواره سینمای آسیا و عرب) بگیرد. «رام چند پاکستانی»، نخستین تجربه فیلمسازی مهرین جبار و داستان واقعی پدر و پسری پاکستانی را بازگو می کرد که بی هدف از مرز هند عبور می کنند و به همین دلیل سال ها زندانی می شوند. این در حالی است که مادر پسر هیچ اطلاعاتی از سرنوشت آنها ندارد.

مهرین جبار فیلمسازی را از سن کم از پدرش یاد گرفت و در سال ۱۹۹۳ دو سال در دانشگاه کالیفرنیا شهر لس آنجلس سینما خواند و سپس به پاکستان برگشت.

### وضعیت امروز سینمای پاکستان

سال ۲۰۰۵ مقامات مسئول سینمای پاکستان مجوز ورود فیلم های بالیوود را به پاکستان صادر کردند. نمایش فیلم های هندی در سینماهای پاکستان رقابتی را میان فیلمسازان این کشور با محصولات مشهورتر کشور همسایه به وجود آورد و به تعامل و همکاری های بیشتر صنعت دو کشور هند و پاکستان منتهی شد.

نیز شهر زادگاهش لاهور را برای زندگی برگزید. این دو شخص پیشگامان صنعت سینمای پاکستان هستند.

### پیامدهای استقلال پاکستان

یک سال پس از جدایی هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷ تولید فیلم در پاکستان شروع شد اما کشور تازه تاسیس دچار کمبود تجهیزات فیلمبرداری بود و بسیاری از بازیگران و کارگردان های سینما به هند مهاجرت کرده بودند. نخستین فیلم بلند پاکستان «به یاد تو» به کارگردانی داتود چاند در سال ۱۹۴۸ فیلمبرداری شد اما در سال های ۱۹۵۰ بود که نخستین فیلم موفق پاکستان با نام «دو آنسو» به کارگردانی انور کمال پاشا و مرتضی گیلانی ساخته و مدت ۲۵ هفته بر پرده نمایش بود. «دو آنسو» داستانی از حکیم شجاع درباره خودخواهی طبقه مرفه جامعه را دستمایه فیلم قرار داده بود.

### عصر طلایی سینما

سال های ۱۹۶۰ آغاز تولید فیلم های رنگی در پاکستان و دوران طلایی سینمای پاکستان است. در سپتامبر سال ۱۹۶۵ ورود و نمایش فیلم های هندی در پاکستان ممنوع شد اما سینمای پاکستان از این تصمیم آسیبی نخورد و توانست تماشاگر بیشتری را جذب تولیدات خود کند.

سال های ۱۹۷۰ استعدادهای جدیدی در سینمای پاکستان پیدا شدند که یکی از آنها «سانجیتا» بود. سانجیتا نام هنری بازیگر و کارگردان مشهور پاکستانی است. او نخستین بار در Kankganin - ۱۹۶۹ نقش آفرینی کرد. سانجیتا در سال ۱۹۷۱ به شهر لاهور آمد و در این شهر ساکن شد.

وی در سال ۱۹۷۹ برای نخستین بار پشت دوربین قرار گرفت و «دختر اجتماعی» را ساخت. فیلم با فروش خوبی روبه رو شد و سانجیتا جوایز بهترین کارگردان و بهترین بازیگر زن «تگار» را از آن خود کرد. «تگار» مهم ترین مراسم اهدای جوایز در سینمای پاکستان است. «دختر اجتماعی» همچنین سید نور را به عنوان یک فیلمنامه نویس خوش قریحه به جامعه سینمای پاکستان معرفی کرد. سید نور بعدها به فیلمسازی روی آورد.

### سید نور

یکی از بهترین فیلمسازان در شهر لاهور که به احیای دوباره صنعت سینمای «لالیوود» در سال های میانی ۱۹۹۰ کمک کرد، سید نور نام دارد. او فیلمسازی پرکار است که تا حالا بیش از ۳۰ فیلم کارگردانی کرده است. نخستین تجربه فیلمسازی او «قسم» (۱۹۹۲) در دورانی تولید شد که سینمای پاکستان بدترین دوره خودش را سپری می کرد. «قسم» با فروش خوبی روبه رو شد و در تضاد با فیلم های پرفروش پنجابی بود که آن سال ها در پاکستان فروش خوبی داشتند. فیلم بعدی سید نور، «جیوا» (۱۹۹۵) به فقر و تلاش مردم پاکستان در مهاجرت به کشور یونان می پردازد که این افراد به آینده بهتری برای

شکل گیری سینما در بنگلادش

گریزی به سینمای بنگلادش / با «دالیوود» آشنا شوید

خان آن را ساخت و سوم اوت ۱۹۵۶ تدوینش کرد. تمامی مراحل پس از تولید «صورت و نقاب» در شهر لاهور پاکستان انجام شد.

ایالت شرق بنگال سوم آوریل سال ۱۹۵۷ سازمان توسعه سینمایی شرق پاکستان (EPFDC) را تاسیس کرد. نخستین فیلم این سازمان «زندگی یک دختر روستایی» (۱۹۶۰، فاطمه لاهونی) نام داشت. در سال های پایانی ۱۹۶۰ هر سال به طور میانگین بین ۲۰ تا ۳۰ فیلم در منطقه تولید می شد.

پس از استقلال

روز ۱۶ دسامبر سال ۱۹۷۱ بنگلادش به عنوان یک کشور مستقل از پاکستان به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۷۹ در بنگلادش ۵۱ فیلم به نمایش عمومی درآمد و در سال های ۱۹۹۰ سالانه بیش از ۹۰ فیلم در کشور نمایش داده می شد.

وضعیت کنونی

اخیرا صنعت سینمای بنگلادش در رقابت سختی با فیلم های خارجی، شبکه های ماهواره ای، شبکه ویدیویی روبه رو است. میزان مخاطب سینما کم شده است. انتقادی که به صنعت سینمای بنگلادش وارد می شود، تولید فیلم های با کیفیت نازل است که فقط به موضوع های خشونت آمیز و ملودرام می پردازد. گرچه فیلم های بنگلادشی بیشتر عامه پسند هستند، اما فیلمسازان ستایش شده ای هم در این کشور سکونت دارند مانند ظهیر ریحان، همایون احمد، عالم گیر کبیر، طارق مسعود. از سال ۲۰۰۳ کشور بنگلادش هر ساله در بخش فیلم های خارجی زبان اسکار، فیلم به آکادمی علوم و هنر سینمایی معرفی می کند. «متیر موینا» ساخته طارق مسعود نخستین فیلم تاریخ سینمای بنگلادش است که از سوی این کشور برای رقابت در اسکار معرفی شد.

شاید برایتان جالب باشد که بدانید صنعت سینمای بنگلادش در بخش جشنواره ها نیز دستش خالی نیست و می توان گفت شناخته شده ترین جشنواره سینمایی اش جشنواره بین المللی فیلم «داکا» است. این رویداد سینمایی اولین بار در سال ۱۹۹۲ برگزار شد و تا امروز نیز برگزار می شود.

برخی منابع اعلام کرده اند در کشور بنگلادش بیش از ۹۰۰ سالن سینما وجود دارد که فیلم های خارجی به ویژه هندی نیز به نمایش می گذارند. از آنجا که میزان تولید سالانه فیلم در «دالیوود» به رقمی زیر ۱۰۰ فیلم در سال می رسد طبیعی است که برای این تعداد سینما نیاز به فیلم خارجی نیز باشد. طبق اطلاعات ویکیپدیا کنسوری است واقع در جنوب قاره آسیا و شرق هند، پایتخت آن داکا و جمعیت آن ۱۴۸ میلیون نفر است.



در منطقه وجود داشت.

نخستین گسترش ها

نخستین سازمان تولید و نمایش فیلم بنگال، رویال بیوسکوپ کمپانی در سال ۱۸۹۸ توسط هیرا لال سن در شهر کلکته تاسیس شد. آن زمان کشورهای پاکستان و بنگلادش مستقل نبودند. نخستین فیلم های بنگالی در سال ۱۹۱۹ ساخته شد اما بیشتر فیلم ها در شهر کلکته (در هند کنونی) ساخته می شد و در سال ۱۹۳۱ «آخرین بوسه» را خانواده نواب از شهر داکا تهیه کرد.

دوران پاکستان

پس از جدایی هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷ نخستین فیلمی که در شرق پاکستان ساخته شد یک فیلم خبری درباره دیدار محمد علی جناح بود که در سال ۱۹۴۸ و توسط گوینده رادیو نظیر احمد تهیه شد. نخستین فیلم بلندی که در شرق پاکستان (بنگلادش کنونی) ساخته شد، «چهره و نقاب» نام داشت که عبدالجبار

سینمای بنگلادش گرچه می توانست اثر تعیین کننده ای بر سینمای جنوب آسیا بگذارد و تا اندازه ای هم این جایگاه را دارد ولی در کل صنعتی کم رونق است. صنعت سینمای کشور بنگلادش از سال های ۱۹۸۰ رونق گرفت و در سال های ۱۹۹۰ به اوج خود رسید و در حقیقت سال های ۸۰-۷۰-۱۹۶۰ و تا نیمه های سال های ۱۹۹۰ سینمای بنگلادش پر رونق بود و توسعه سریعی نیز داشت. سال ۲۰۱۴ یکی از بهترین سال های صنعت سینمای بنگلادش از جنبه اقتصادی بود و برخی از پرفروش ترین فیلم های تاریخ سینمای بنگلادش در سال ۲۰۱۴ تهیه شدند. فیلم «کیش و مات» که در سال ۲۰۱۴ اکران شد جزو پرفروش های این کشور بود. این سینما گرچه چندان شناخته شده نیست ولی آشنایی با تاریخ این سینما که بعضا به «دالیوود» نیز شناخته می شود، خالی از لطف نیست.

اولین فیلم بلندی که در منطقه بنگلادش ساخته شد، «آخرین بوسه» محصول ۱۹۳۱ است ولی نخستین نمایش فیلم در این کشور به ۲۴ آوریل سال ۱۸۹۸ برمی گردد؛ در دوره ای که کمپانی بردفورد بیوسکوپ در سالن کراون نزدیک بندر داکا فیلم نمایش می داد و البته بنگلادش کشور مستقلی نبود. از فیلم های مهم تجاری بنگلادش می توان به دختر کولی (موتیورا رحمان پانو، ۱۹۹۱)، صورت و نقاب (عبدالجبار خان، ۱۹۵۶)، موتیورا (غیاث الدین سلیم، ۲۰۰۹)، کیش و مات (اشیکور رحمان، ۲۰۱۴) و آگنی (افتکار چودهری، ۲۰۱۴) اشاره کرد.

دوران صامت

روز ۲۴ آوریل سال ۱۸۹۸ مجله هفتگی بنگالی به نام «داکا پروکاش» گزارش داد که کمپانی بردفورد بیوسکوپ در سالن کراون در پاتواتولی فیلم هایی را به نمایش در می آورد. این نمایش ها شامل بخش های خبری و فیلم های کوتاه می شدند. نخستین سالن سینما در شهر داکا با نام پیکچر هاوس در سال های ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ ساخته شد. به نقل از سایت بنگال مویز، بعدها نام این سالن سینما را به نیو پیکچرز هاوس تغییر دادند و سرانجام نامش را «شبهستان» گذاشتند. در سال ۱۹۴۷ حدود ۸۰ سالن سینما



## شکل گیری سینما در اندونزی

# سینمای اندونزی از اشغال تا استقلال / بررسی نقش چین، ژاپن و هلند

تاریخ سینمای اندونزی قدمتی طولانی تر از آن چیزی دارد که علاقه‌مندان سینما به ذهن شان خطور می‌کند ولی با وجود چنین قدمتی خیلی‌ها با سینمای این کشور آشنایی کافی ندارند. فقدان اطلاعات و منابع قابل استناد سبب شده که نقطه شروع سینما در این کشور آسیایی جنوب شرقی چندان مشخص نباشد اما در اوایل سال‌های ۱۹۲۰ نخستین نشانه‌های بالندگی سینمای اندونزی دیده شد.

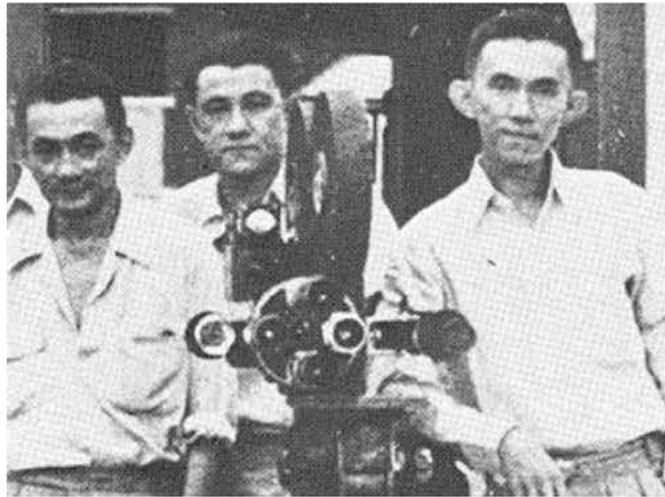
### دوران استعمار هلند

نخستین فیلم‌هایی که در اندونزی به نمایش درمی‌آمد تحت مدیریت هلندی‌ها بود و بیشتر فیلم‌های وارداتی در سینماهای این کشور روی پرده می‌رفت که این فیلم‌های وارداتی به Gambar Hideoep یا تصاویر زنده شهرت داشتند. در آن دوره اندونزی مستعمره هلند بود و اندونزی به هند هلند شهرت داشت. نخستین فیلم‌های به نمایش درآمده به سال ۱۹۰۰ برمی‌گردد. در سال ۱۹۲۶ یک کارگردان هلندی به نام هولدراپ فیلمی به نام Loetoeng Kasaroeng ساخت. در سال ۱۹۲۸ کمپانی هالیوود فیلم به مدیریت برادران ونگ که مهاجران چینی بودند، نخستین فیلم صامت اندونزی به نام لی لی ون جاوا (۱۹۲۸) را تهیه کرد که داستان دختری بود که به زور والدینش او را به ازدواج مردی در می‌آوردند. گرچه فیلم شکست خورد اما برادران ونگ کمپانی دیگری به نام باتاویا فیلم تاسیس کردند.

به زودی کمپانی‌های دیگری - که بیشترشان را مهاجران چینی مدیریت می‌کردند- تاسیس شدند مانند تانز فیلم، نانسینگ فیلم و کمپانی مشهور «تان بوئن سوان» که در سال ۱۹۲۸ «راز بوروودور» و «روحی با دست خونین» را تهیه کرد که نخستین تلاش‌های سینمای اندونزی در ژانر وحشت بود و فیلم‌ها با استقبال روبه‌رو شدند.

جالب است بدانید چینی‌ها به دو دلیل وارد صنعت سینمای اندونزی شده بودند؛ نخست آنکه آتا تاجر و دنبال درآمدزایی بودند و دوم آنکه مردم اندونزی این کار را دهن شان خود می‌دانستند.

به گزارش سایت جاکارتا گلوب، در سال‌های ۱۹۳۰ چندین کمپانی فیلم که توسط هلندی‌ها اداره می‌شد مانند کاسموس فیلم و کینوورک کارلی تاسیس شدند. آلبرت بایک و مانوس فرانکن (مستندساز هلندی) در سال‌های ۱۹۳۰ دو فیلم شاخص در سینمای اندونزی کارگردانی کردند. نخستین فیلم «Pareh» نام



داشت و داستان عاشقانه ای در روستا بود. این فیلم را نخستین تلاش‌های فیلمسازان اندونزی در ساختن مضامین جدی می‌دانند. دومی «Moonglow» بازسازی فیلم هالیوودی «شاهزاده خانم جنگل» (۱۹۳۶) با نقش آفرینی دوروتی لامور بود. «Terang Boelan» نخستین فیلم موفق تجاری اندونزی است که ستاره‌های زیادی را به سینمای اندونزی معرفی کرد.

### اشغال ژاپنی‌ها

در دوران جنگ جهانی دوم اندونزی به اشغال ژاپن درآمد. سینمای اندونزی نیز تحت تاثیر اشغال قرار گرفت. چینی‌ها از جمله برادران ونگ و همینطور اروپایی‌ها از صنعت سینمای اندونزی حذف شدند و اندونزی‌ها خود اداره صنعت سینمای کشورشان را در دست گرفتند. در این دوران ژاپنی‌ها بیشتر فیلم‌های تبلیغاتی سیاسی و اجتماعی می‌خواستند و علاقه کمی به فیلم‌های رمانس داشتند. سینما بیشتر از اینکه سرگرم‌کننده باشد به ابزار دولتی تبدیل شده بود، اما اندونزی‌ها تکنیک‌های فیلمسازی و سبک تولید فیلم را از ژاپنی‌ها یاد گرفتند.

### استقلال اندونزی

در سال ۱۹۴۵ اندونزی از تصرف ژاپنی‌ها درآمد. به دلیل مشکلات اجتماعی از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹ فیلمی در اندونزی ساخته نشد. در سال ۱۹۴۹ اندونزی استقلال خود را به دست آورد. کمپانی تان و برادران ونگ دوباره کار تهیه فیلم را از سر گرفتند. در سال ۱۹۵۰ فیلم‌های متعددی ساخته شد که فقط یکی از این فیلم‌ها در حال حاضر وجود دارد: «خون و نیایش» ساخته اسمر اسماعیل.

در سال‌های ۱۹۵۰ موسسه ملی فیلم

داشت. طوری که رقم ۱۱۵ فیلم تولید شده در سال ۱۹۹۰ به ۳۷ عدد در سال ۱۹۹۳ رسید. در این دوران تلویزیون نیز در افت سینما بی‌تاثیر نبود. در این سال‌های تولید فیلم‌های درجه ب بیشتر شد.

### سینمای معاصر اندونزی

در سال‌های ۲۰۰۰ فیلمسازی مستقل در این کشور رونق گرفت و پس از برچیده شدن دولت سوهارتو، سینما توانست به مضامینی بپردازد که در دوران دولت او ممنوع بود مانند مذهب، عشق، نژاد و ...

در سال ۲۰۰۹ نخستین فیلم انیمیشن بلند سینمای اندونزی به نام «آواز تا سحر» به تولید رسید. در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ مالیات‌های سنگینی برای نمایش فیلم‌های خارجی وضع شد که به کاهش نمایش فیلم‌های خارجی در سینماهای اندونزی منجر شد. بنابراین خرید فیلم‌های دی‌وی، دی‌جی‌جی رونق زیادی پیدا کرد.

### جمع بندی

سینمای اندونزی (پس از فیلیپین) یکی از توسعه یافته‌ترین سینماهای جنوب شرق آسیا است، هرچند درآمد صنعت سینما به دلیل جمعیت کشور چندان زیاد نیست. صنعت سینمای اندونزی آنقدر گسترده نیست که فیلمسازان فراوانی در آن فعالیت داشته باشند به همین دلیل بسیاری از کارگردان‌های سینما رو به کار در تلویزیون و تئاتر می‌آورند. ژانرهایی که در سینمای اندونزی ساخته می‌شود محدود است. یکی از گونه‌های محبوب کمدی است. فیلم‌های جوان‌پسند هم در سال‌های ۱۹۸۰ در میان جوانان محبوبیت بسیاری داشت.

اما مردم اندونزی تا چه حد برای میراث فرهنگی خود احترام قایل هستند؟ مرکز فیلم اندونزی گزارش می‌دهد که سینمای کشور اهمیت ویژه‌ای دارد.

از فیلم‌های مهم و کلاسیک سینمای اندونزی می‌توان به طوفان گذر خواهد کرد (۱۹۷۷)، ناگا بونار (۱۹۸۷) اشاره کرد. سینمای آئرناتو نیز چندان رونقی در کشور اندونزی ندارد. یکی از فیلمسازان چینی فیلم‌هایی تگوا کارایا است که فیلم‌های جدی و تفکربرانگیزی می‌سازد.

این فیلم‌ها برنده جوایز متعددی شده و مورد پسند منتقدان واقع شده‌اند. برای حفظ میراث سینمایی کشور اندونزی یک فیلمساز هلندی به نام اورلو سونک «مرکز فیلم اندونزی» را راه‌اندازی کرد. هدف او حفظ آرشیو فیلم‌های قدیمی بود. سونک در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ رییس جشنواره فیلم بین‌المللی جاکارتا نیز بود. در اندونزی جشنواره فیلم اندونزی نیز برگزار می‌شود که هم تراز جوایز اسکار برای اهالی سینمای اندونزی است.

بنابر اطلاعات ویکی‌پدیا اندونزی یک مجمع‌الجزایر متشکل از ۱۷۵۰۸ جزیره و ۳۳ استان است. اندونزی ۲۳۸ میلیون نفر جمعیت دارد.

### سال‌های ۱۹۸۰

سال‌های ۱۹۸۰ دوران طلایی سینمای اندونزی است. در این دوران فیلم‌های خوب و موفق تجاری ساخته شد مانند ناگا بونر (۱۹۸۹). در این سال‌ها فیلم‌هایی ساخته شد که منتقدان آنها را بهترین فیلم‌های تاریخ سینمای اندونزی می‌دانند. سال‌های ۱۹۸۰ وضعیت اقتصادی سینمای اندونزی به ثبات رسید و راه را برای موفقیت‌های آتی هموار کرد. فیلم Tjoet Nja' Dhien به کارگردانی اروس جاروت نخستین فیلم از کشور اندونزی بود که برای نمایش در جشنواره فیلم کن در سال ۱۹۸۹ انتخاب شد. این فیلم نماینده اندونزی در اسکار نیز بوده است.

### سال‌های ۱۹۹۰

در سال‌های ابتدایی ۱۹۹۰ فیلم‌های تجاری به سمت و سوی ژانر کمدی، یکوب یکوب رفت. ورود فیلم‌های خارجی آزاد شد و کیفیت فیلم‌های اندونزی پایین آمد. رقابت سختی میان تولیدات داخلی با فیلم‌های هالیوودی و هنگ‌کنگی وجود

شکل گیری سینما در فیلیپین

# سینمای فیلیپین از ۱۸۹۷ تا امروز/ تیغ سانسور در دست دیکتاتور



برندگانش اعتبار خاصی دارند.

### تاریخچه

روز نخست ژانویه سال ۱۸۹۷ چهار فیلم به نام های مردی کلاه به سر، نمایی از رقص ژاپنی، مشتزن ها، محل اپرا به شکل ۶۰ میلی متری و از طریق پروژکتورهای گومون کرونو در سالن دو پرتیرا در خیابان اسکولتا شماره دوازده در شهر مانیل به نمایش درآمدند. کارلو ناگوئرا که سربازی اسپانیایی بود دوربین فیلمبرداری لومیر را همراه ۳۰ فیلم با همکاری دو بانکدار سوئبسی به نام های پریتز و لیمن وارد فیلیپین کرد. در ماه اوت ۱۸۹۷ لیمن و پریتز فیلم ها را در مانیل به نمایش گذاشتند. سینما در خیابان اسکولتا واقع شده بود.

در سال ۱۹۰۰ یک انگلیسی به نام والگرا سینمایی را در مانیل تاسیس کرد. دومین سالن سینما در ۱۹۰۲ توسط ساموئل رباربر یک کارآفرین اسپانیایی ساخته شد.

کمسیون فیلیپین در ابتدا سینما را یک ابزار اطلاعاتی می دیدند اما در سال ۱۹۰۹ وزارت علوم، تجهیزات کامل فیلمسازی را از کمپانی پاته خریداری کرد و چارلز مارتین مدیر فیلمبرداری خود را که آمریکایی بود برای آموزش به فرانسه فرستاد. مارتین پس از یکسال برگشت. در این دوران یک گروه فیلمسازی بریتانیایی به فیلیپین آمدند و به فیلمبرداری پرداختند. در سال ۱۹۱۲

آغاز تاریخ سینمای فیلیپین به روز نخست ژانویه سال ۱۸۹۷ برمی گردد که نخستین تصاویر متحرک در سالن دو پرتیرا شهر مانیل به نمایش درآمد. یک سال بعد آنتونیو راموس اسپانیولی اولین نماها را با استفاده از دوربین لومیر تصویربرداری کرد. نخستین کارگردانان و تهیه کنندگان سینمای فیلیپین تقریباً کارآفرینان ثروتمند خارجی یا خارجی هایی بودند که موقتی در فیلیپین ساکن شده بودند.

اما روز دوازدهم سپتامبر ۱۹۱۹ اولین فیلم صامت فیلمسازان فیلیپینی ساخته شد: «کشور بکر» فیلمی برگرفته از نمایشنامه مشهور موزیکال به کارگردانی خوزه نوموکنو. خوزه نوموکنو لقب پدر سینمای فیلیپین را دارد. او آغازگر هنر سینما در فیلیپین شد. گرچه مشکلاتی گریبان صنعت سینمای کشورهای مختلف را در دنیا گرفته اما سینما برای مردم فیلیپین یکی از فرم های محبوب سرگرم سازی است که برای ۲۶۰ هزار فیلیپینی کارآفرینی کرده و سالانه دو میلیارد پزو سود مالی دارد. همچنین فیلیپین جزو آخرین کشورهایی است که آرشیو ملی سینما را در سال ۲۰۱۲ تاسیس کرد.

در کشور فیلیپین دو مراسم اهدای جوایز سالانه مهم سینمایی وجود دارد: جوایز لونا که آکادمی سینمای فیلیپین آن را اهدا می کند و جوایز گاواد اوریان که

هالیوود و کمپانی های آمریکایی شعباتی در مانیل تاسیس کردند تا فیلم های خود را در این کشور نمایش دهند. در سال ۱۹۱۴ دولت استعماری آمریکا از سینما به عنوان ابزاری برای تبلیغات، آموزش و سرگرمی سازی استفاده می کرد.

در سال های ۱۹۱۵ بهترین فیلم های آمریکایی و اروپایی در فیلیپین به نمایش درآمدند. در سال های ۱۹۲۰ دوره ای که آلمانی ها و روس ها در جنبه های فنی سینما پیشرفت زیادی داشتند فیلیپینی ها متأثر از فیلم های این دو کشور قرار داشتند. نخستین زن فیلمساز فیلیپین کارمن کونچا نام دارد که در سال های ۱۹۳۰ فیلمسازی را شروع کرد.

### سال های ۱۹۳۰ و دوران اشغال و جنگ جهانی دوم

در سال های ۱۹۳۰ سینمای فیلیپین فرم جدی تری به خود گرفت و فیلم ها طبقه بندی شدند. ژانر در سینما شناخته شد. فیلمنامه ها و شخصیت پردازی ها از تئاترهای مشهور و ادبیات نشات می گرفتند. فیلم های ملی گرایانه از محبوبیت خاصی در فیلیپین برخوردار بودند؛ هرچند به این فیلم های ملی گرایانه برچسب ضد رژیم می زدند.

سال های ۱۹۴۰ سینمای فیلیپین رو به واقعیت گرایشی آورد. در آن دوران فیلیپین تحت اشغال نیروهای ژاپن قرار داشت. در آن دوران تم جنگی و قهرمان پروری برای مردم فیلیپین جذابیت فراوانی



داشت.

### عصر طلایی سینمای فیلیپین

سال های ۱۹۵۰ عصر طلایی سینمای فیلیپین است چراکه فیلم ها هنری تر و به لحاظ تکنیکی ماهرانه تر شدند. سیستم استودیویی به صنعت سینمای محلی فیلیپین رونق بخشید و رفته رفته استعدادهای سینمای فیلیپین خارج از کشور شناخته شدند. در سال های پایانی ۱۹۵۰ سیستم استودیویی به دلیل مدیریت کارگری (گرایش به کمونیست) دچار اختلاف و تنش شد. در سال های ۱۹۶۰ سینمای هنری سال های پیشین رو به افول بود. ویژگی سینمای سال های ۱۹۶۰ فیلیپین فیلم های حادثه ای، فیلم های تجاری سودجویانه است.

### دوره دوم عصر طلایی

دوره دوم عصر طلایی سینمای فیلیپین سال های ۱۹۷۰ است که فیلم های آوانگارد در فیلیپین ساخته شدند. در این سال ها تولید فیلم های سیاه و سفید به تدریج کاهش پیدا کرد. در سال ۱۹۷۲ فیلیپین تحت حکومت نظامی قرار گرفت و فیلم ها ابزار تبلیغاتی شدند. رئیس جمهور فیلیپین فردیناند مارکوس و زیردستانش دنبال آن بودند که فیلمسازان را با تاسیس هیات سانسور سینما (BCMP) تحت کنترل خود قرار بدهند. قبل از فیلمبرداری، فیلمنامه ها باید مورد بازبینی قرار می گرفت تا متناسب با ایدئولوژی و حرکت مدنی جدید جامعه باشد. برپایی جشنواره های سالانه رونق گرفت و تهیه فیلم های انتقادی از دولت مارکوس ممنوع شدند. علی رغم چنین وضعیتی فیلمسازان جدیدی روی کار آمدند و فیلم های مهمی در این دوران ساخته شد. از فیلمسازان مهم این سال ها می توان به اسماعیل برنال، لینو بروکا، سلسو کاستیلو، مایک دو لئون، ماریو اوهارا اشاره کرد.

سال ۱۹۷۷ یک کارگردان گمنام به نام کیدلات تاهیمیک فیلمی با نام کابوس عطرآگین ساخت که از جشنواره بین المللی فیلم برلین جایزه منتقدان را برد. در سال ۱۹۸۰ آکادمی سینمای فیلیپین فعالیتش را

رد در سال ۲۰۰۰ در جشنواره فیلم کن برنده جایزه شد اما پیشگام واقعی فیلم های دیجیتالی هنوز «زندگی ها» ساخته جان رد و محصول ۱۹۹۹ است.

به زودی فیلمسازان بیشتری به این موج ملحق شدند. تولید ارزان فیلم های دیجیتالی موج فیلم های مستقل را رونق داد که به موج نوی عصر دیجیتال شهرت پیدا کرد. در این سال ها فیلم های بلند انیمیشن نیز به تولید رسید. تهیه فیلم های حادثه ای افت کرد و فیلم های کمدی رومانتیک خواهان بیشتری داشت. از فیلم های مهم این سال ها می توان به صداهای کوچک (جیل پورتز ۲۰۰۲) درباره آموزگاری که به شاگردانش یاد می دهد دنبال رویاهای شان بروند یا بانوان گریان (مارک مایلی ۲۰۰۳)، مکنیفیکو ساخته ماریو دو لوس ریز که در جشنواره های بی شماری شرکت کرد و مورد تحسین قرار گرفت، اشاره کرد. سینمای فیلیپین حتی کارگردان هایی دارد که متأثر از موج دانمارکی «دوگما ۹۵» و سینما وارسته فیلم می ساختند مانند جفری جتوریان یا بریلانت مندوزا.

فیلم های دیجیتالی فیلیپینی تقریباً با دست خالی و سریع ساخته و در جشنواره های بین المللی به نمایش در می آمدند. بسیاری از فیلم های آنها در جشنواره هایی مانند برلین، کن، ونیز، روتردام به نمایش در آمدند و جایزه بردند. اوج شهرت بین المللی سینمای فیلیپین در سال ۲۰۰۹ رقم خورد که بریلانت مندوزا در جشنواره بین المللی فیلم کن جایزه بهترین کارگردانی برای «قصایی شده» را برد، اما منتقد فقید و مشهور راجر ایبرت به فیلم بدجوری تاخت و آن را بدترین فیلمی دانست که تا آن زمان در جشنواره کن نمایش داده شده است.

در این دوران نمایندگان مجلس قوانینی را تصویب کردند که تسهیلات مالیاتی برای تهیه کنندگان سینما قایل می شد.

### سال های ۲۰۱۰ و رونق فیلم های تجاری

سال های اخیر فیلم های تجاری در سینمای فیلیپین رونق زیادی داشته اند. در سال ۲۰۱۱ سه تا از پرفروش ترین فیلم های تاریخ سینمای فیلیپین تهیه شدند. از جمله Benjamin که ۳۳۱ میلیون پزو فروخت یا «زن دیگری در کار نیست» که بیش از ۲۷۸ میلیون پزو فروش کرد.

به گزارش ورایتی در سال ۲۰۱۳ «دختر، پسر، باکالا» بیش از ۴۰۰ میلیون پزو فروش کرد. یکی از بهترین سال های سینمای فیلیپین به لحاظ فروش، سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بوده است.

فیلیپینی ها نه تنها علاقه مند پایان های خوش در فیلم ها هستند بلکه علاقه مند هستند که روی پرده رمان تماشا کنند. دولت فیلیپین نیز در این سال ها دست یاری خود را به سوی سینماگرها دراز کرد و تا آنجایی که می توانست مالیات های کمرشکن از آنها نگرفت.

در سال ۲۰۱۴ فیلم «از چیزی که قبل بود» به کارگردانی لایو دیاز برنده یوزپلنگ طلایی از جشنواره لوکارنو شد. فیلم سیاه و سفید «از چیزی که قبل بود» داستان زندگی روستاییان فقیر فیلیپینی در یکی از دور افتاده ترین روستاهای این کشور است.

آغاز کرد و پتر حمایتی خود را برای صنعت سینمای فیلیپین گشود. یکی از کمپانی های فعال در آن سال ها ویوا فیلمز بود.

در سال های پایانی دیکتاتوری مارکوس فیلم های حامیانه ای درباره دولت او ساخته شدند از جمله کارنی ساخته ماریو دیاز-ابایا.

### سال های ۱۹۹۰

سال های پایانی ۱۹۸۰ و سال های ۱۹۹۰ بیشتر فیلم های تجاری ساخته می شدند. در حقیقت همه چیز فدای جذب تماشاگر بود. خط های داستانی قابل پیش بینی، کمدی ها بکوب بکوب و اجرای سکانس های حادثه ای متوسط یا اغراق آمیز بودند. تهیه کنندگان ریسک روی مضامین نو را به جان نمی خریدند و سرمایه های خود را به خطر نمی انداختند. ۲۰۰ فیلم سالانه به تولید می رسید. بیشتر فیلم ها به قول معروف «بزن برو» بود و اینگونه آثار ظرف هفت تا ده روز و با کم ترین هزینه ساخته می شدند. جالب آنکه این آثار فروش خوبی هم داشتند. قوانین جدید به زنان اجازه کار بیشتری در سینما داد و فیلمسازان زن در این دوران شروع به فعالیت کردند.

صنعت سینمای فیلیپین علاوه بر رقابت با فیلم های هالیوودی با بحران اقتصادی آسیا، هزینه رو به افزایش تولید فیلم، مالیات های سنگین، تیغ تیز سانسور، قاچاق فیلم روبه رو بود. در این دوران شبکه های تلویزیونی ماهواره ای نیز رشد زیادی داشتند و همه این عوامل سبب شد که رفته رفته سود و فروش فیلم های فیلیپین کاهش پیدا کند.

### سال های ۲۰۰۰ و رشد سینمای مستقل

در سال های ابتدای هزاره جدید وضعیت بد صنعت سینمای فیلیپین ادامه داشت. سینمای کشور تحت تاثیر نمایش فیلم های هالیوودی قرار داشت و سالانه کمتر از ۲۰ فیلم تولید و به نمایش در می آمد. چندین کمپانی تولید فیلم به دلیل زیان های میلیونی تعطیل شدند، اما با ورود تکنولوژی های جدید و دوربین های دیجیتالی تولید فیلم های تجربی رونق بیشتری گرفت. چنانچه فیلم کوتاه «سایه ها» ساخته ریموند